إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات كانت لهم جنات الفردوس
نزلا خالدين فيها لا يبغون عنها حولا

الحمد لله والمنة که ترجمه رسائل امام محمد بن عبد الوهاب رحمه الله در مذمت شرک و بیان کبائر المسمات به

اصول الایمان
فضل الاسلام
کتاب الکبائر

بحسب فرمایش شیخ حافظ بهادر الدین صاحب عفی الله عنه باهتمام محمد دتو
در مطبع محمدی واقع لاهور مطبوع گردید

بسم الله الرحمن الرحيم

این کتاب است موسوم باصول الایمان مولفه شیخ امام محمد بن عبد الوهاب و زیاده نمود در وی یکی از
پسران او زیادتی خوب گفت رحمت کند برو خدای تعالی باب در بیان معرفت خدای
روایت است از ابوهریره گفت وگفته است رسول خدا صلی الله علیه وسلم من غنی ترین شریکانم از شرک کسی
که کند عملی را که شریک مقرر کند در آن عمل با من میگذارم او را با شرک وی روایت کرده است این
حدیث را مسلم و روایت است از ابوموسی گفت خبر داد ما را رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان ما به پنج
سخن گفت الله تعالی خواب نمیکند و نه لائق است او را خواب که دون تنگ میکند رزق را و فراخ
میکند آنرا بالا میرود بنزد او عمل شب پیش از عمل روز و عمل روز پیش از عمل شب حجاب او نورست
اگر بردارد آن پرده را البته بخواهد سوخت انوار روی او چیزیرا که میرسد بآن چشم او از مخلوق او
روایت کرده است این حدیث را مسلم روایت است از ابوهریره رسیده برسول الله که دست راست خدا
[illegible] آیا دیدید آنچه خرج کرده است از وقتی که پیدا کرده است آسمانها و زمین را
پس بتحقیق [illegible] آنچه در دست راست او است و ترازو و [illegible] دیگر او [illegible]
آنرا و زیر میکند روایت کرده است این حدیث را بخاری و مسلم و روایت است از ابوهریره گفت [illegible] رسول خدا
دو گوسپند [illegible]
[illegible]

باران مگر خداوند میدانند هیچ نفس که در کدام زمین خواهد مرد وی مگر الله و نمیدانند که کی قائم خواهد شد

مگر الله مبارک و بلند است روایت کرده است این حدیث را بخاری و مسلم و از انس بن مالک است

راضی شود خدا از و گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم هر آینه خدا زیاده خوشنود است به توبه بنده خود

وقتیکه توبه میکند از یکی شما که باشد بر شتر خود پس بگریزد از وی و بر آن خوردنی و آشامیدنی او باشد

پس نا امید شود از یافتن آن پس بیاید درختی پس بخسپد در سایه آن بتحقیق نا امید شده باشد از

شتر خود پس در آنوقت او برین حال باشد ناگاه وی بر شتر خود باشد ایستاده نزدیک وی پس بگیرد

مهار وی را پس بگوید از نهایت خوشی ای خدایا تو بنده منی و من پروردگار توام خطا شد

از کثرت خوشی روایت کرده است این حدیث را بخاری و مسلم و از ابوموسی است راضی شود خدا از وی

آنکه رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود هر آینه خدای تعالی میگشاید دست خود را بشب تا توبه کند گناه کننده روز

و میگشاید دست خود را در روز تا که توبه کند گنهگار شب تا وقتی که طلوع کند آفتاب از مغرب روایت

کرده است این را مسلم و از عمر رض است گفت آورده شد بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم بندیان قوم هوازن

پس ناگاه یک زن از قیدیان میدوید ناگاه یافت یک کودک را در میان قیدیان پس گرفت او را

پس چسپانید او را بشکم خود و پس شیر داد او را پس گفت نبی صلی الله علیه و سلم آیا می بینید این زن را افگننده

پسر خود در آتش گفتیم نه قسم بخدا پس فرمود البته خدا زیاده مهربان است بر بندگان خود از

زن بر پسر خود و از ابی هریره است راضی شود خدا از وی گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم

وقتی که پیدا کرد خدا المخلوق را نوشته کرد در کتاب پس آن کتاب نزد او بالای عرش است هر آینه

مهربانی من غالب گردیده است بر غضب من روایت کرده است این را بخاری و مسلم و است از ابوهریره

آنکه رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود که هست الله تعالی رحمت را صد حصه پس نگاهداشت نزد خود نود و نه

حصه و گذاشت در زمین یک حصه را پس از آن حصه باهم مهربانی میکنند مخلوقات تا آنکه برمیدارد

حیوان سم خود را از بچه خود از ترس رسیدن ایذای باو و در مسلم است از روایت سلمان

و در دست هر رحمت بقدر بزرگی آنچه در میان آسمان و زمین است پس چون شود روز قیامت کامل کند آنرا

وانا ربك اخطأ من شدة الفرح [illegible]

وعن ابي موسى رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله تعالى يبسط يده بالليل ليتوب مسيء النهار ويبسط يده بالنهار ليتوب مسيء الليل حتى تطلع الشمس من مغربها رواه مسلم

٣

وعن عمر رض قال قدم على رسول الله صلى الله عليه وسلم سبي فاذا امرأة من السبي [illegible] فالصقته ببطنها وارضعته فقال لنا النبي صلى الله عليه وسلم اترون هذه المرأة طارحة ولدها في النار فقلنا لا والله فقال لله ارحم بعباده من هذه بولدها

وعن ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لما قضى الله الخلق كتب في كتاب فهو عنده فوق العرش ان رحمتي غلبت غضبي [illegible]

باین مهربانی و از انس است راضی شود خدا از و گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر آینه کافر چون کند
نیکی داده شود او را بعوض آن طعامی در دنیا و اما مومن پس هر آینه خدا ذخیره میکند او را نیکیهای
او برای آخرت و میدهد او را در دنیا رزق بر طاعت او روایت کرده است این را مسلم و هم مسلم راست از انس
رسیده برسول الله صلعم هر آینه خدا البته راضی میشود از آن بنده که میخورد لقمه را پس حمد میگوید خدا را
بر آن و مینوشد آب را پس حمد میگوید خدا را بر آن و از ابی ذر است راضی شود خدا از وی گفت او
فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم آواز کرد آسمان و سزاوار است او را آواز کردن نیست در آنجای چهار انگشت
مگر و آن فرشته سجده کننده است خدای تعالی را و اگر میدانستید چیزی را که میدانم من البته میخندیدید کم
و میگریستید بسیار و لذت نمیگرفتید بزنان بر فرشها و البته بیرون میرفتید بمیدانها فریاد میکردید
بطرف خدای تعالی روایت کرده است این را ترمذی و گفته حدیثی حسن است قول رسول الله اگر میدانستید
چیزی را که من میدانم البته میخندیدید کم و میگریستید بسیار در صحیحین است از روایت انس و هم مسلم راست
از جندب است رسیده بآنحضرت گفت یک شخص قسم بخدا نخواهد بخشید خدا فلان را پس فرمود خدای
بلند و بزرگ کیست که قسم میخورد بنام من که نخواهم بخشید فلان را هر آینه من بخشیدم او را و حبط
کردم عمل تو را و از ابوهریره است رسیده برسول خدا صلی الله علیه وسلم اگر میدانست مومن آنچه نزد خدا است از
عذاب طمع نمیکرد در جنت او هیچ کس و هم بخاری راست از ابن مسعود راضی شود خدا از و گفت او فرمود
رسول خدا صلی الله علیه وسلم بهشت نزدیکتر است به یکی از شما از بند چپلی او و آتش مانند آن و از ابوهریره
است رسیده برسول خدا هر آینه یک زن زانیه دید سگی را در روز گرم میگشت گرد چاهی تحقیق کشیده
بود زبان خود را از تشنگی پس کشید آن زن موزه خود را پس آب نوشانید آن را پس بخشش کرد خدا آن
زن را پس فرمود رسول الله صلعم و داخل شد بدوزخ زنی بسبب گربه که بند کرده بود آن را نه طعام
میداد آنرا و نه میگذاشتش که بخورد از حشرات زمین گفت زهری تا که توکل نکند کسی و نه ناامید شود
کسی روایت کرده است این را شیخان و از ابوهریره است مرفوعا تعجب میکند پروردگار ما از
قومی که کشیده میشوند بسوی بهشت در زنجیرها روایت کرده است این حدیث را احمد و بخاری و از ابوموسی

اشعری است راضی شود خدا از و گفت و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم نیست کسی صابرتر از خدا بر اذی که
میشنود آن را مقرر میکنند او را ولد باز عافیت میدهد ایشان را و رزق میدهد ایشان را روایت کرده است
این حدیث را بخاری و مسلم و بخاری و مسلم راست از ابوهریره راضی شود خدا از و گفت و فرمود رسول خدا
هر آئینه خدای مبارک و بلند وقتیکه دوست دارد بنده را آواز میدهد که ای جبرئیل هر آئینه خدا
دوست میدارد فلان را پس دوست بدار او را پس دوست میدارد او را اهل آسمانها و نهاده میشود
او را قبول در زمین و آنچه در صحیح بخاری است تمام نیست و اندر آن لیکن تا ابتدا او تا بست از ابوهریره
رض از رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت او وقتیکه دوست دارد الله تعالی بنده را آواز میدهد جبرئیل را هر آئینه
خدا دوست میدارد فلان را پس دوست بدار او را پس دوست میدارد او را جبرئیل پس آواز میدهد
جبرئیل در اهل آسمان هر آئینه خدا دوست میدارد فلان را پس دوست بدارید او را پس دوست میدارد او را
اهل آسمان باز نهاده میشود او را قبول در زمین و از جریر بن عبدالله بجلی است راضی شود خدا از و
گفت او بودیم ما نشسته نزدیک رسول خدا صلی الله علیه وسلم ناگاه نظر کرد بماه در شب چهاردهم گفت هر آئینه
شما خواهید دید پروردگار خود را چنانچه می بینید این ماه را ازدحام نخواهید کرد در دیدن او پس اگر
طاقت دارید آنکه مغلوب نشوید بر نمازی که پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب آنست پس بکنید
روایت کرده است این حدیث را جماعه و از ابوهریره رض آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم گفت هر آئینه خدای
مبارک و بلند گفته است کسیکه دشمنی کند دوستی را با من پس تحقیق خبر داده ام او را بجنگ و نزدیکی
نمیجوید بمن بنده من بچیزی که دوست تر باشد بمن از ادای آنچه فرض کرده ام برو و همیشه
باشد بنده من نزدیکی میجوید بمن به نوافل تا آنکه دوست بدارمش پس وقتیکه دوست دارمش
شوم من شنوائی او که میشنود بآن و چشم او که می بیند بآن و دست او که میگیرد بآن و پای
او که میرود بآن و اگر سوال کند از من البته خواهم داد او را و اگر پناه جوید از من البته پناه خواهم داد
او را و متردد نمیشوم در چیزی که من کننده آن باشم مانند تردد من از قبض روح بنده مومن
من مکروه میدارد مرگ را و مکروه میدارم ناخوشی او را روایت کرده است این را بخاری

اینحدیث را آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرموده نزول میکند پروردگار ما که مبارکست و بلندست در هر شب وقتیکه
میماند سوم حصه آخر شب میگوید کیست که میخواند مرا تا اجابت کنم او را کیست که سوال کند از من
تا بدهم او را کیست که بخشش طلب کند از من تا به بخشم او را روایت کرده بخاری و مسلم است اینحدیث را و از
ابو موسی اشعریست رض گفت و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم دو بهشت است از زر آوندهای آن و انچه در آن
است و نباشد درمیان بهشتیان و درمیان نظر کردن به پروردگار خود مگر چادر بزرگی بر روی
مبارک او در بهشت همیشگی روایت کرده است این را بخاری باب بیان قول خدای
بلندست تا آنکه دور کرده شود از دلهای ایشان گویند چه فرمود پروردگار شما گویند سخن حق و او
بلند و بزرگ است از ابن عباس است رض گفت و حدیث بیان کرد مرا مردی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وسلم
در آنوقت ایشان نشسته بودند یکشب با رسول خدا صلی الله علیه وسلم ناگاه زده شد ستاره پس روشن شد پس گفت
او چه میگفتید وقتیکه زده میشد به مانند این گفتند بودیم ما میگفتیم زائیده شده است امشب شخص
کلان یا مرده است کلان پس فرمود هر آئینه آن زده نمیشود برای مرگ کسی و نه برای زندگانی
او و لکن پروردگار ما وقتی که کند حکمی را تسبیح گویند بردارندگان عرش تا آنکه تسبیح گویند اهل
آسمان آنکه قریب ایشانست تا آنکه میرسد تسبیح باهل آسمان دنیا پس گویند کسانی که قریب
حمله عرش اند چه فرمود پروردگار شما پس خبر میدهند ایشانرا با آنچه فرموده است پس طلب خبر
میکنند اهل آسمانها بعض ایشان از بعضی تا آنکه میرسد خبر باهل آسمان دنیا پس میربایند
جن شنیدن را پس می اندازند آنرا بر دوستان خود پس آنچه بیارند آنرا بر وجهی که شنیده اند پس آن
حقست و لکن ایشان خلط میکنند در آن دروغ را و زیاده میکنند در آن روایت کرده
اینحدیث را مسلم و ترمذی و نسائی و از نواس بن سمعان است رض گفت و فرمود رسول الله
صلی الله علیه وسلم وقتیکه اراده کند خدا آنکه وحی کند بکار سخن کند بوحی میگیرد آسمانها را از آن زلزله یا
فرمود لرزش از هیبت خوف خدا عز و جل پس چون بشنود آن سخن را اهل آسمانها بیهوش شوند
و بیفتند خدا را سجده کنان پس باشد کسیکه بالا کند سر خود را جبرئیل پس سخن میکند با وی

باب قول الله تعالى وما قدروا الله حق قدره والارض جميعا قبضته يوم القيامة والسموات مطويات بيمينه سبحانه وتعالى عما يشركون

از وحی خود و بآنچه اراده کرده است باز میگذارد و جبرئیل بر فرشتها هر گاه که میگذرد بر آسمانی
سوال کنند از و فرشتهای آن که چه فرموده پروردگار ما ای جبرئیل پس گوید فرمود حق و
او ست بلند و بزرگ پس گویند همه ایشان مانند آنچه گفت جبرئیل پس میرساند جبرئیل
وحی را بآنجا که امر کرده است او را خدای عز و جل روایت کرده است این حدیث را ابن
جریر و ابن خزیمه و طبرانی و ابن ابی حاتم و لفظ حدیث ابن ابی حاتم است باب
در بیان قول الله تعالی و تعظیم نکردند خدا را حق تعظیم وی حال آنکه زمین همه در مشت او
باشد روز قیامت و آسمانها پیچیده شده باشد در دست راست و پاک است او و بلند است
از آنچه شریک مقرر میکنند با وی از ابو هریره رضی الله عنه است گفت و شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و سلم میفرمود
در مشت خواهد گرفت خدا زمین را و بپیچد آسمانها را در دست راست خود و گوید منم پادشاه
کجاست پادشاهان زمین روایت کرده است این را بخاری و از ابن عمر است روایت میکرد
از رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود هر آینه خدا در مشت خواهد گرفت زمینها را روز قیامت و باشند
آسمانها در دست راستش و باز گوید منم پادشاه و در دیگر روایت است از ابن عمر آنکه رسول خدا
صلی الله علیه و سلم فرمود این آیت را یکروز بر منبر و تعظیم نکردند خدا را حق تعظیم وی حال آنکه زمین همه
در مشت او باشد روز قیامت و آسمانها پیچیده شده در دست راست او و پاک است او
و بلند است از آنچه شریک میکنند با وی حال آنکه رسول خدا صلی الله علیه و سلم میگردانید و همچنین میگفت بدست خود
میجنبانید آنرا و پیش و پس میبرد و آنرا بزرگی بیان میکند رب نفس خود را میگوید منم جبار
منم بزرگ روایت کرده است این را احمد روایت کرده است مسلم از عبید الله بن مقسم
نظر کرد بسوی عبد الله بن عمر که چگونه حکایت میکند از رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود رسول الله
بگیرد خدا آسمانها و زمینها خود را در دست خود پس گوید منم پادشاه و میبندد انگشتان
خود را و بگشاید آنرا پس گوید منم پادشاه تا آنکه نظر کردم بسوی منبر که حرکت میکرد زیرین جزو
تا آنکه هر آینه من میگفتم آیا افگنده است منبر رسول خدا را صلی الله علیه و سلم و در صحیحین است از عمران بن حصین

گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم قبول کنید مژده را ای بنی تمیم گفتند تحقیق مژده دادی ما را
پس چیزی بده ما را فرمود رسول الله قبول کنید مژده را ای اهل یمن گفتند تحقیق قبول
کردیم ما پس خبر ده ما را از اول این امر فرمود بود خدا و نبود پیش از او هیچ شیء و بود عرش او بر آب و
نوشت در لوح محفوظ بیان هر شیء گفت عمران پس آمد مرا یکی آینده پس گفت ای عمران بیا
شد ناقه شتر تو از زانو بند خود گفت عمران پس رفتم در پس آن پس نمیدانم که چه بود پس از
من و از جبیر بن محمد بن مطعم است که روایت میکرد از پدر خود و پدرش از جد او گفت او
آمد یک صحرا نشین بر رسول الله صلعم پس گفت ای رسول الله در تکلیف افتادند نفسها و ضایع شدند
عیال و هلاک شد مالها پس باران طلب کن برای ما از پروردگار خود هر آینه ما شفیع میکنیم
ترا بخدا و خدا را بتو پس فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم افسوس ست ترا آیا میدانی که چه میگوئی و تسبیح
فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم پس همیشه بود که تسبیح میگفت تا آنکه شناخته شد هیبت آن در روهای
اصحاب وی باز فرمود افسوس ست ترا هر آینه شان نیست که شفیع کرده میشود خدا بکسی از
مخلوق او شان خدا بزرگتر است از شفیع شدن افسوس ست ترا آیا میدانی که هر آینه عرش او بر آسمانهای
او البته همچنین ست و اشارت کرد بانگشتان خود مانند خیمه بر آسمان و هر آینه عرش آواز
میکند بخدا مانند آواز پالان بسوار روایت کرده است این را ابو داود و از ابو هریره رضی الله عنه
گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم میفرماید خدا دروغگو میسازد مرا پسر آدم و لایق نیست او را این
و دشنام میدهد مرا و لایق نیست او را این پس چه دروغگو ساختن او است مرا پس گفتن او ست
هرگز دوباره نخواهد کرد مرا چنانچه اول پیدا کرده است مرا و حال آنکه نیست اول پیدایش
آسان تر بر من از دوباره پیدا کردن و اما دشنام دادن او مرا پس گفتن او ست گرفته است
خدا ولد را و منم یگانه بی نیاز آنکه نزائیده است و نه زائیده شده است و نیست مرا مانند کسی
و در دیگر روایت از ابن عباس رض و اما دشنام دادن او مرا پس گفتن او مرا ولد است و پاک
مرا از آنکه بگیرم زن یا فرزند را روایت کرده است این را بخاری و مر بخاری و مسلم راست

ثم قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اقبلوا البشرى يا بني تميم قالوا قد بشرتنا فاعطنا

الله اعظم من ذلك ويحك اتدري ما الله ان عرشه على سماواته لهكذا وقال باصابعه مثل القبة عليه وانه ليئط به اطيط الرحل بالراكب رواه ابو داود وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم قال الله كذبني ابن آدم ولم يكن له ذلك وشتمني ولم يكن له ذلك فاما تكذيبه اياي فقوله لن يعيدني كما بدأني وليس اول الخلق باهون علي من اعادته واما شتمه اياي فقوله اتخذ الله ولدا وانا الاحد الصمد

از ابی هریره گفت او فرمود رسول خدا صلعم فرموده است خدا تعالی ایذا میدهد مرا پسر آدم
و دشنام میدهد زمانه را و منم زمانه در دست است کار میگردانم شب و روز را باب در بیان
ایمان بقدر و قول الله تعالی هر آینه کسانی که گذشته است برای ایشان از طرف ما نیکی ایشان
از دوزخ دور شده گانند و قول خدا تعالی و خدا پیدا کرده است شما را و آنچه میکنید و قول
خدا تعالی هر آینه ما هر چیز را پیدا کردیم باندازه و در صحیح مسلم است از عبدالله بن عمرو بن
العاص که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم هر آینه خدا اندازه کرده است تقدیرهای مخلوقات را
پیش از پیدا کردن آسمانها و زمین به پنجاه هزار سال فرمود رسول الله صلعم و عرش او تعالی بر آب
بود و از علی بن ابیطالب است رض گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه نیست هیچ یکی از شما مگر
نوشته کرده شده است جای او از آتش و جای او از جنت گفت اصحاب رسول خدا آیا اعتماد
نکنیم بر نوشته خود و بگذاریم عمل را فرمود رسول الله عمل کنید پس هر یک توفیق داده میشود بر چیز
که پیدا کرده شده است مر آن چیز را اما آنکه باشد از اهل نیک بختی پس توفیق داده خواهد شد
عمل اهل نیک بختی را و اما آنکه باشد از اهل بدبختی پس توفیق داده خواهد شد عمل اهل
بدبختی را باز خواند رسول الله پس هر که داد در راه خدا و پرهیزگاری کرد و تصدیق
کرد کلمه توحید را پس توفیق خواهم داد او را برای عمل کردن شریعت آن است اتفاق
کرده شده است بر وی از مسلم بن یسار است گفت و سوال کرده شد عمر بن الخطاب را
از این آیت پس گفت عمر شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و سلم که سوال کرده شد از این آیت پس فرمود
او هر آینه خدا پیدا کرد آدم را باز مسح کرد پشت او را بدست راست خود و بیرون کرد
از او اولاد را پس فرمود خدا پیدا کردم اینها را برای جنت و بعمل اهل جنت عمل
خواهند کرد باز مسح کرد پشت او را پس بیرون کرد از او اولاد را پس گفت پیدا
کردم این کسان را برای دوزخ و بعمل اهل دوزخ عمل خواهند کرد پس گفت مردی یا رسول خدا
پس در چه چیز است عمل پس فرمود هر آینه خدا چون پیدا کند بنده را برای جنت

عن ابی هریرة رض قال قال رسول الله صلعم قال الله تعالى يؤذيني ابن آدم يسب الدهر وانا الدهر بيدي الامر اقلب الليل والنهار باب الايمان بالقدر وقوله تعالى ان الذين سبقت لهم منا الحسنى اولئك عنها مبعدون وقوله تعالى والله خلقكم وما تعملون وقوله تعالى انا كل شيء خلقناه بقدر وفي صحيح مسلم عن عبد الله بن عمرو بن العاص قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم كتب الله مقادير الخلائق قبل ان يخلق السموات والارض بخمسين الف سنة قال وعرشه على الماء وعن علي بن ابي طالب رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما منكم من احد الا وقد كتب مقعده من النار ومقعده من الجنة قالوا يا رسول الله افلا نتكل على كتابنا وندع العمل قال اعملوا فكل ميسر لما خلق له اما من كان من اهل السعادة فسييسر لعمل اهل السعادة واما من كان من اهل الشقاوة فسييسر لعمل اهل الشقاوة ثم قرأ فاما من اعطى واتقى وصدق بالحسنى الآية متفق عليه وعن مسلم بن يسار قال سئل عمر بن الخطاب عن هذه الآية واذ اخذ ربك من بني آدم من ظهورهم ذريتهم الآية فقال عمر سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يسأل عنها فقال ان الله خلق آدم ثم مسح ظهره بيمينه فاستخرج منه ذرية فقال خلقت هؤلاء للجنة وبعمل اهل الجنة يعملون ثم مسح ظهره فاستخرج منه ذرية فقال خلقت هؤلاء للنار وبعمل اهل النار يعملون فقال رجل يا رسول الله ففيم العمل فقال ان الله اذا خلق العبد للجنة

۹

میگرداند او را بعمل اهل بهشت تا وقتیکه بمیرد بر عملی از اعمال اهل بهشت پس داخل میشود

بسبب آن بهشت را و چون پیدا کند بنده را برای دوزخ عامل میگرداند او را بعمل اهل

دوزخ تا وقتیکه بمیرد بر عملی از اعمال اهل دوزخ پس داخل شود بسبب آن در دوزخ

روایت کرده است این را مالک فی حاکم و گفته است و بر شرط مسلم است و روایت کرده

است این را ابو داود از وجه دیگر از مسلم بن یسار از نعیم بن ربیعه ابن عمر و گفته است

اسحق بن راهویه حدیث گفت مرا بقیه گفت او خبر داد مرا زبیدی که محمد بن الولید است او

راشد بن سعد از عبد الرحمن بن ابی قتاده که روایت میکرد از پدر خود و او از هشام بن

حکیم بن حزام آنکه شخصی گفت ای رسول خدا آیا کرده میشود اعمال یا اتمام کرده شده

است حکم پس فرمود او هر آیینه خدا چون بیرون کرد اولاد آدم را از پشت او گواه کرد

ایشان را بر نفس ایشان باز انداخت ایشان را در دست خود پس گفت این کسان برای بهشت اند

و اینکسان برای دوزخ اند پس اهل بهشت توفیق داده میشوند مر عمل اهل بهشت را و اما

اهل دوزخ توفیق داده میشوند مر عمل اهل دوزخ را و از عبد الله بن مسعود است گفت

او حدیث فرمود ما را رسول خدا صلی الله علیه و سلم که او راست گو تصدیق کرده شده هر آیینه یک

از شما جمع کرده میشود پیدائش او در شکم مادر خود چهل روز نطفه باز میشود خون بسته مانند

آن باز میشود قطعه گوشت مانند آن باز میفرستد الله تعالی او بسوی فرشته چهار سخن پس نوشته

میکند عمل او را و اجل او را و رزق او را و بدبخت است یا نیک بخت باز میدمد در روح را

پس قسم با آن ذات که نیست لایق عبادت غیر او هر آیینه یک از شما البته عمل میکند بعمل اهل

بهشت تا آنکه نمیماند در میان وی و در میان بهشت مگر یک ذراع پس غالب میشود بر وی

کتاب پس عمل میکند بعمل اهل دوزخ پس داخل میشود بدوزخ و هر آیینه یک از شما البته

عمل میکند بعمل اهل نار تا آنکه نمیماند در میان وی و بهشت مگر یک ذراع پس غالب میشود

بر وی کتاب پس عمل میکند بعمل اهل بهشت پس داخل میشود در آن و از حذیفه بن

اسید است پس ساید انچه حدیث ابن مسعود صلی الله علیه وسلم که فرمود رسول الله که اجل میشود فرشته

بنطفه پس از آنکه قرار بگیرد در چهل یا چهل و پنج شب پس میگوید ای پروردگار من آیا نیک

بخت است یا بد بخت پس نوشته کرده میشود یکی از آن دو پس میگوید ای پروردگار من آیا

مرد است یا زن پس نوشته کرده میشود یکی از آن دو و نوشته کرده میشود عمل او و عمر او و اجل او و

رزق او و باز پیچانیده میشود کاغذ ها پس زیادت کرده نمیشود در آن و نه نقصان کرده میشود

در آن روایت کرده است این حدیث را مسلم و در صحیح مسلم است از عائشه رض گفت خوانده شد

رسول الله صلعم بجنازه بچه از انصار پس گفتم خوشی است او را گنجشکی است از گنجشکان بهشت

نه کرده است گناهی را و نیافته است او را گناه پس فرمود رسول الله آیا اعتقاد داری این را

ای عائشه و حال آنکه حق غیر این است هر آینه خدا پیدا کرد بهشت را اهلی پیدا کرده بود ایشان را

برای بهشت و حال آنکه ایشان در کمر های پدران خود بودند و پیدا کرد دوزخ را اهلی پیدا

کرده بود ایشان را برای دوزخ و حال آنکه ایشان در کمر های پدران خود بودند و از ابن

عمر است رض گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر چیز باندازه است تا آنکه عاجزی و هوشیاری

و از قتاده است در قول الله تعالی فرود می آید فرشته ها و جبرئیل در آن شب برای سر انجام

هر کار باذن پروردگار خود گفت و حکم کرده میشود در آن شب هر چیزی که میشود در آن

سال تا مانند آن روایت کرده است این را عبد الرزاق و ابن جریر و تحقیق روایت کرده

شده است معنی این از ابن عباس و حسن و ابو عبد الرحمن سلمی و سعید بن جبیر و مقاتل

ابن عباس است رض گفت هر آینه خدا پیدا کرد لوح محفوظ را از مروارید سفید و

دو قایه او از یاقوت سرخ است قلم او نور است و کتاب او نور است عرض او بقدر آنچه

در میان آسمان و زمین است نظر میکند در آن هر روز سه صد و شصت نظر پیدا میکند و

هر نظر و زنده میکند و می میراند و عزت میدهد و ذلیل میکند و میکند آنچه خواهد پس اینست معنی

قول خدا تعالی هر روز روایت کرده است این را عبد الرزاق و ابن منذر و طبرانی و حاکم

11

خدا در کار نیست

منتقط من المرقات

گفته است ابن قیم رح بعد ذکر این احادیث و آنچه در بعضی آیات پس این تقدیر یومی است
و آنچه پیش از وست تقدیر حولی است و آنچه پیش از وست تقدیر عمری است نزدیک
تعلق روح بوی و آنچه پیش از وست همچنین است نزد اول پیدایش او و بودن او پاره
گوشت و آنچه پیش از وست تقدیر پیش بودن او لکن پس از پیدا کردن آسمانها و زمین
به پنجاه هزار سال و هر یک ازین تقدیرات مانند تفصیل است از اندازه پیش و درین دلیل است
بر کمال علم رب و قدرت او و حکمت او و زیادت تعریف خود است ملائکه را و بندگان مومنان
خود را به نفس خود و نامهای خود باز گفته است و پس متفق شدند این احادیث و مانند این احادیث
منع نمیکنند عمل را و نه واجب میکنند تکیه کردن بر قدر بلکه واجب میکنند جد و کوشش را و ازین
سبب چونکه شنید بعضی صحابه این احادیث را گفت او نبودم من زیاده تر کوشش کننده
از کوشش کردن من الحال و گفت ابو عثمان نهدی سلمان را هر آینه من باول کار زیاده خوشتر
از خوشی خود باخر آن و این بسبب آنست که چون باشد که تحقیق پیش گذشته است او را
مرتبه بلند و تیار کرده است او را و توفیق داده است او را برسیدن بآن مرتبه باشد خوشی او
بآن پیش نوشته شده است او را از طرف خدا زیاده تر از خوشی او بآن اسباب که می آرد
آن مرتبه را و از ولید بن عباده است گفت او که داخل شدم بر پدر خود حال آنکه او بیمار بود
بنداشتم در و مرگ را پس گفتم ای پدر من وصیت کن مرا و کوشش کن در وصیت من پس گفت
بنشانید مرا پس چون نشانید او را گفت ای پسرک من هر آینه تو نخواهی یافت مزه ایمان را
و نخواهی رسید بحقیقت علم بخدای مبارک و بلند تا آنکه ایمان آری به نیک و بد قدر گفتم
ای پدر من چگونه باشد مرا آنکه بدانم نیک و بد قدر را گفت او بدان آنکه چیزی که خطا
کرده است ترا نیست که برسید بتو و چیزیکه رسیده است بتو نیست که خطا کند ترا ای پسرک من
هر آینه من شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و سلم که میفرمود اول چیزیکه پیدا کرده است آنرا خدا قلم است
گفت بنویس پس جاری شد در همان ساعت بآنچه بودنی است تا روز قیامت ای پسرک من

من هذه التقادير كالتفصيل من القدر السابق وفي ذلك دليل على كمال علم الرب وقدرته وحكمته وزيادة تعريف الملائكة وعباده المؤمنين بنفسه واسمائه ثم قال فاتفقت هذه الاحاديث ونظائرها على ان القدر السابق لا يمنع العمل ولا يوجب الاتكال عليه بل يوجب الجد والاجتهاد

۱۴

١٣

اگر مردی و نبودی بر این عقیده داخل شوی بدوزخ روایت کرده است این حدیث را احمد و
از ابی خزیمه است که روایت میکرد از پدر خود که گفت او گفتم ای رسول خدا صلعم خبر ده مرا
از فسونی که فسون میکنیم بآن و دوائی که دوا میکنیم بآن و سپری که نگاه میکنیم خود را بآن آیا
رد میکنند از قدر خدا چیزی را فرمود این اسباب قدر خدا است روایت کرده است این حدیث را
احمد و ترمذی و حسن گفته است او را و از ابی هریره است رض که فرمود رسول خدا صلعم مؤمن قوی
بهتر و دوست تر است بخدا از مؤمن ضعیف و در هر یک خیر است حرص کن بر آنچه نفع رساند به
تو و مدد خواه از خدا پس اگر برسید ترا چیزی پس مگو اگر میکردم من میشد چنین و چنان و لیکن بگو
مقدر کرده بود خدا آنچه خواست کرد پس هر آینه تو میگشاید عمل شیطان را روایت کرده است
این حدیث را مسلم باب ذکر فرشتها بر ایشان باد سلام و ایمان آوردن بایشان و قول خدا تعالی
نیست نیکی آنکه بگردانید رویها خود را بطرف مشرق و مغرب و لیکن صاحب نیکوکاری است
که باور دارد خدا و روز قیامت و فرشتگان را و کتاب و پیغمبران را و قول او تعالی هر آینه
کسانیکه گفتند پروردگار ما خدا است باز استقامت کردند نازل میشوند بر ایشان فرشتگان
که مترسید و اندوه مخورید و خوشحال شوید به بهشتی که شما را وعده داده میشد و قول او تعالی
ننگ ندارد عیسی از آنکه باشد بنده خدا و نه فرشتگان مقرب ننگ دارند و قول او تعالی و او
راست هر که در آسمانها و زمین است و آنانکه نزدیک او هستند سرکشی نمیکنند از عبادتش و
وامانده نمیشوند تسبیح میگویند شب و روز سستی نمی نمایند و قول او تعالی گردانندهٔ فرشتگان را
پیغامبران گردانیده ایشان را خداوند بازوها دوگان دوگان و سه گان سه گان و چهار گان
چهارگان و قول او تعالی آنانکه بر میدارند عرش را و آنانکه گرداگرد عرش اند تسبیح میگویند
همراه ستایش پروردگار خویش و ایمان می آرند باو و آمرزش میخواهند برای مومنان تا آخر
آیه و از عائشه رض است که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم پیدا کرده شده است فرشتها از نور
و پیدا کرده شده است جن از شعلهٔ آتش و پیدا کرده شده است آدم از آنچه بیان کرده شده

يحمدربهم ويؤمنون به ويستغفرون للذين آمنوا الآية وعن عائشة رض قالت قال رسول الله صلى الله عليه

روایت کرده است این را مسلم و ثابت شده است در بعض احادیث معراج آنکه رسول الله صلعم
را ظاهر کرده شد بیت معمور آنکه در آسمان هفتم است گفته شده است در مسلم که در مرتبه کعبه است در
زمین و او در برابر کعبه است عزت او در آسمان بلند عزت کعبه است در زمین و ناگاه است از
که داخل می‌شوند در آن هر روز هفتاد هزار فرشته باز نمیگردند بآن تا به آخر آنچه بر ایشان است و از عائشه
است رض گفت او فرمود رسول خدا صلعم نیست در آسمانها بقدر جای یک قدم مگر بر آن ملکیست
سجده کننده یا ملکیست ایستاده پس اینست مضمون قول فرشتگان و هر آئینه ما صف کنندگانیم
و هر آئینه ما تسبیح گویندگانیم روایت کرده است این را محمد بن نصر و ابن ابی حاتم و ابن جریر و
ابو الشیخ و روایت کرده است طبرانی از جابر بن عبد الله رض که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه
وسلم نیست در آسمانهای هفت بقدر جای یک قدم و نه یک بالشت مگر در آن فرشته است ایستاده یا فرشته
است سجده کننده یا فرشته است رکوع کننده پس چون شود روز قیامت گویند عبادت نکردیم
ترا حق عبادت تو مگر آنکه شریک مقرر نکردیم با تو چیزی را و از جابر است که گفت او فرمود رسول خدا
صلی الله علیه وسلم دستوری داده شدم آنکه بیان کنم حال یک فرشته از فرشتگان خدا از بردارندگان
عرش درمیان نرمه گوش او تا گردن او مسافت هفتصد سال است روایت کرده است
این را ابو داود و بیهقی در کتاب اسماء و صفات و ضیاء در مختاره پس از سرهنگان ایشان
جبرئیل است و تحقیق وصف کرده است او را خدای تعالی با امانت و وجوب صورتی و قوت
پس گفته است خدای تعالی آموخته است او را فرشته با قوت صاحب حسن پس راست ایستاد آن فرشته
و از شدت قوت خود برداشت شهرهای قوم لوط علیه السلام را و بودند هفت با آنچه در آن شهرها
بودند از گروهها و بودند قریب چهار لک و آنچه همراه ایشان بود از دواب و حیوانات و آنچه در
آن شهرها بود از زمینها و عمارات بر طرف بازوی خود تا آنکه رسانید آنرا با بر آسمانها تا آنکه
شنیدند فرشتگان آواز سگان و مرغان ایشان پس نگونسار کرد پس زبر آنرا زیر آن پس
نیست و قول خدای تعالی صاحب حسن ای صاحب صورت خوب تازگی و در بعضی تفاسیر گفته است

۱۴

یعنی را ابن عباس و گفته است غیر ابن عباس صاحب مره ای صاحب قوت و گفته است خدا شدید

صفت او ظاهر آنست این قرآن سخن فرشته بزرگ است صاحب قوت نزدیک صاحب عرش با مرتبه است

یعنی او را قوت در جنگ سخت است و او را جاه و مرتبه بلند و بزرگ است و از این سبب او ایلچی در میان

خدا و در میان پیغمبران او و به تحقیق می آمد بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم در صفات گوناگون و به تحقیق دیده

بود پیغمبر او را بر آن صفتی که پیدا کرده است او را خدا بر آن دو بار و او را ششصد بازو بود

روایت کرده است این را بخاری از ابن مسعود و روایت کرده است امام احمد از عبد الله گفت

او دید رسول الله صلی الله علیه وسلم جبرئیل را در صورت اصلی او که ششصد بازو بود او را هر بازو از آن

بند کرده کناره افق را و از بازوی او مروارید و یاقوت آن قدر که خدا داند ریخت اسناد این حدیث

قوی است و از عبد الله بن مسعود است هم گفت او دید رسول الله صلی الله علیه وسلم جبرئیل را در جامه از ابر

به تحقیق پر کرده بود میان آسمان و زمین روایت کرده است این را ترمذی و از عائشه است رضی

آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود دیدم جبرئیل را فرود آینده به تحقیق پر کرده بود هر دو طرف آسمان و

زمین را بر او جامه ابریشم نازک بود و آویزان بود بر آن جامه مروارید و یاقوت روایت

کرده است این را ابو الشیخ و ابن جریر روایت از ابن عباس که گفت معنی جبرئیل و میکائیل هم

بنده خدا است و ظاهر این است که در آن ایل باشد پس آن بمعنی بنده خدا است و هم ابن جریر

روایت از علی بن حسین مانند آن و زیاده کرده است او و اسرافیل بمعنی بنده رحمن و

روایت کرده است طبرانی از ابن عباس که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم آیا خبر نکنیم شما را

به بهترین فرشتها جبرئیل است و از عمران جونی است آنکه او رسید او را آنکه جبرئیل آمد نزد

رسول خدا صلی الله علیه وسلم و حال آنکه میگریست او پس فرمود او را پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چه چیز میگریاند ترا

گفت او و چیست مرا که نگریم پس قسم بخدا خشک نشده است چشم من از وقتیکه پیدا کرده است

خدا دوزخ را از ترس آنکه نافرمانی کنم او را پس بیافگند مرا در دوزخ روایت کرده است

این را احمد در زهد و عمر بخاری روایت از ابن عباس رضی گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم جبرئیل را

45

آیا زیارت نمیکنی زیاده از آنچه زیارت میکنی ما را پس نازل شد و فرو نمی آئیم مگر بامر
پروردگار تو و از سرواران ایشان میکائیل است و او گماشته شده بر باران و گیاه و
روایت کرده است امام احمد از انس که آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود جبرئیل را چیست مرا که
نمی بینم میکائیل را خندان گاهی فرمود او خنده نکرده است میکائیل از وقتیکه پیدا کرده شده
است آتش و از سرداران ایشان اسرافیل است که بر او باد سلام و او یکی از بردارندگان
عرش است و او است که میدمد در صور روایت کرده است ترمذی و حسن گفته است او را و حاکم
و از ابی سعید خدری است که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم چگونه خوشی کنم و حال آنکه صاحب
صور دهان گرفته است صور را و فرو گرفته است پیشانی خود را و متوجه کرده است گوش خود را
انتظار میکشد که کی امر کرده خواهد شد پس که بدمد گفتند اصحاب پس چه گوئیم یا رسول
خدا فرمود بگوئید بس است ما را خدا و نیکو کارسازیست و از ابن عباس است که آنکه رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستیکه فرشته از بردارندگان عرش گفته میشود او را اسرافیل یک کناره از
کناره های عرش بر شانه اوست تحقیق گذشته است هر دو قدم او از زمین هفتم زیرین و گذشته
است سر او از آسمان هفتم بالا روایت کرده است این را ابو الشیخ و ابو نعیم در حلیه و روایت کرده
ابو الشیخ از اوزاعی گفت او نیست هیچ یک از مخلوق خدا بهتر از روی آواز از اسرافیل پس
وقتیکه شروع کند در تسبیح میبرد بر اهل هفت آسمانها نمازهای ایشان و تسبیح ایشان و از سرواران
ایشان ملک الموت است که نه آمده است تصریح بنام او در قرآن و نه در حدیث صحیح و تحقیق
آمده است در بعضی آثار نام نهادن او بعزرائیل پس الله عالم است گفته است این را حافظ ابن کثیر و گفته
است او هر آئینه فرشتها انست بآنچه تیار کرده است خدا ایشان را برای آنچیز چند قسم است پس از
ایشان بردارندگان عرش اند و از ایشان کروبیان اند آنانکه ایشان گرداگرد عرش اند و ایشان
با بردارندگان عرش بزرگ ترین فرشتگان اند و ایشانند نزدیک کردگان چنانچه گفته است
خدا تعالی پاکی یاد میکنند خدا را در شب و روز سستی نمیکنند و از ایشان آنانند که بنوبت می آیند

١٩

ما جاء التصريح باسم ملك الموت في القرآن ولا في الاحاديث الصحاح لكن جاء في بعض الآثار تسميته بعزرائيل

به بیت معمور گویم ظاهر است آنانکه نوبت بنوبت می آیند به بیت معمور باشندگان آسمانهاست
و از ایشان موکلان بهشت اند و بر تیار کردن اسباب عزت اهل آن و تیار کردن مهمانی هر
باشندگان آنرا از پوشاکها و خوردنیها و آشامیدنیها و کوشکها و مکانها و غیر آن از آنچه نه
چشمی دیده است و نه گوشی شنیده است و نه گذشته است بر دل کسی و از ایشان موکلان دوزخ
اند پناه دهد ما را خدا از آن و ایشان بی نهایه اند و افسران ایشان نوزده اند و خازن دوزخ
مالک است و او افسر است بر نوزده تان و ایشانند مذکور در قول خدای تعالی و گویند آنانکه در دوزخ
اند خازنان دوزخ را بخوانید پروردگار خود را که سبک کند از ما عذاب یکروز و گفته است
خدای تعالی و آواز دهند اهل دوزخ که ای مالک باید که بمرگ حکم کند بر ما پروردگار تو و گفته است
خدای تعالی بر آن آتش موکل اند فرشتگان درشت خوی سخت رو نافرمانی نمیکنند خدا را و میکنند هر چه
حکم کرده میشود ایشان را و گفته است خدای تعالی بر آن دوزخ موکل اند نوزده کس و نساختیم موکلان
دوزخ را مگر فرشتگان و نمیداند لشکرهای پروردگار ترا مگر او تعالی و از ایشان
موکل بر نگهبانی بنی آدم اند چنانچه گفته است خدای تعالی برای آدمی فرشتگانند از پی یکدیگر آینده
میان دو دست او و از پس پشت او نگاه میدارند او را بحکم خدا گفته است ابن عباس رض فرشتگان
اند که نگاه میکنند او را از پیش و پس او پس وقتی که بیاید حکم خدا دور شوند از او و گفته است مجاهد
نیست هیچ بنده مگر فرشته موکل است بر او نگاه میدارد او را در خواب و بیداری از جن
و آدمی و گزندگان پس نیست هیچ یک از این که بیاید او را مگر گوید آن فرشته او را پس شو مگر چیزی
که اذن دهد خدای تعالی در آن پس میرسد او را و از ایشان موکلانند بنگهبانی اعمال بنی آدم
چنانچه گفته است خدای تعالی آنگاه یاد میگیرند دو یادگیرنده به پهلوی راست و چپ نشسته
و گفته است خدای تعالی و هر آئینه بر شما گماشته شده اند نگهبانان گرامی قدر نویسندگان روایت
کرده است بزار از ابن عباس رض گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر آئینه خدا منع میکند شما را
از برهنه شدن پس حیا کنید از فرشتگان خدا آنکه همراه شماست آن بزرگان نویسندگان که جدا

نمیشوند از شما اگر در سنه وقت قضای حاجت و جنابت و غسل پس وقتی که غسل کند
یکی از شما بر سیدن پس باید که پرده کند بجامهٔ خود یا به هیچ دیوار یا بغیر آن گفته است حافظ
ابن کثیر و معنی کرام آنکه حیا کرده شود از ایشان پس ترسانیده نشود با ایشان آن اعمال بد که میشنوید
آنرا پس هر آینه خدا تعالی پیدا کرده است ایشانرا از رگ در صورت و خوب گفته است آنکه
معنای کلامش نیست که از بزرگی ایشانست آنکه ایشان نمیروند بخانه که در آن سگ باشد
یا صورت یا جنب باشد و همراه نمیشوند با گروه مسافر که همراه ایشان سگ باشد یا زنگله و
روایت کرده است مالک و بخاری و مسلم از ابی هریره آنکه رسول خدا صلی الله علیه و
آله فرمود پی بیکدیگر میآیند در شما فرشتگان در شب و فرشتگان در روز جمع میشوند در نماز بامداد و
نماز دیگر باز بالا میروند آن فرشتگان که شب مانده بودند در شما پس سوال میکند از ایشان پروردگار
ایشان و او داناترست با ایشان چگونه گذاشتید بندگان مرا پس گویند گذاشتیم ایشانرا و ایشان
نماز میخواندند و آمدیم با ایشان و ایشان نماز میخواندند و در روایتی است آنکه ابو هریره
گفت بخوانید اگر خواهید و لازم گیرید نماز فجر را هر آینه نماز فجر حاضر میشوند او را فرشتگان
و روایت کرده است امام احمد و مسلم حدیثی جمع نمیشود هیچ قوم در خانه از خانهای خدا که میخوانند
در آنکتاب خدا را و با هم سبق میدهند آنرا در میان خود مگر نازل میشود بر ایشان آرامی و می
پوشد ایشانرا رحمت و گرد میشوند ایشانرا فرشتگان و یاد میکند ایشانرا خدا در کسانیکه نزد وی
اند هستند و کسیکه سست کند او را عمل او چابک نخواهد کرد او را نسب او و در مسند و سنن هست آنکه
فرشتگان البته مینهند بازوهای خود را مر طالب علم را از جهت خوشی با آنچه او میکند و احادیث
در ذکر ایشان بسیار است باب در بیان مصیبت کردن بکتاب خدای تعالی بزرگ و در
بیان قول او تعالی پیروی کنید چیزیرا که فرو فرستاده شده است بشما از پروردگار شما و
پیروی نکنید دوستانی را که سوای خدا اند کمی پند میگیرید و روایت است از زید بن ارقم

آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم خطبه خواند پس ستایش بیان کرد خدا را و تعریف او کرد باز گفت بعد
از حمد و ثنا است ای مردمان خبر این نیست من آدمی هستم نزدیک است آنکه بیاید مرا فرستاده
پروردگار من پس اجابت خواهم کرد و هر آئینه من گذارنده ام در شما دو چیز نفیس اول آن هر دو
کتاب خداست در آن هدایت و نور است پس بگیرید کتاب خدا را و چنگ زنید باو پس ترغیب
فرمود بر کتاب خدا و رغبت در عمل کردن بآن باز گفت و اهل بیت من است و در یک روایت آمده
است کتاب خدا اوست رسن خدا کسیکه پیروی او کرد هست بر هدایت و کسیکه ترک کرد آنرا
هست بر گمراهی روایت کرده است این حدیث را مسلم و در مسلم است در حدیث کلان جابر آنکه
رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود در خطبه روز عرفه و تحقیق گذاشتم در شما چیزی را که اگر چنگ زنید بآن هرگز
گمراه نخواهید شد بعد آن چنگ زدن کتاب خداست و شما سوال کرده خواهید شد از من
پس چه خواهید گفت گفتند ایشان گواهی خواهیم داد آنکه تحقیق تو رسانیدی و ادا کردی
و نصیحت کردی پس اشارت کرد بانگشت سبابه بالا میکرد آنرا بطرف آسمان و زیر میکرد
آنرا بطرف مردمان و گفت سه بار ای خدا گواه باش و در روایت است از علی رض گفت او
شنیدم از پیغمبر صلی الله علیه وسلم که میفرمود هر آئینه قصه این است زود است که پیدا خواهد شد فتنها
پس گفتم چیست بیرون شدن از آن ای پیغمبر خدا فرمود کتاب خداست در آن خبر آنچه
پیش از شما است و پس از شما و حاکم است در آنچه واقع میشود در میان شما اوست جدا کننده
نیست مسخره گذاشت آنرا سرکشی شکستانند او را خدا و کسیکه طلب کند راه را در غیر این کتاب
گمراه کند او را خدا و رسن خداست محکم و اوست پند صاحب حکمت و اوست راه راست
اوست آنکه تغیر داده نمیتوانند او را اهل هوا و مختلط نمیشود باو زبانها و سیر نمیشوند ازو علماء
و کهنه نمیشود از بسیار تکرار و تمام نمیشود عجائب او اوست آنکه توقف نکردند جن وقتیکه
شنیدند آنرا تا آنکه گفتند هر آئینه ما شنیدیم قرآن عجیب را که دلالت میکند براه راست پس ایمان
آوردیم بآن کسیکه سخن کرد بآن راست گفت و کسیکه عمل کرد بآن ثواب داده شد و کسیکه حکم

کرد بآن انصاف کرد و کسیکه خواند بطرف او هدایت کرده شد براه راست روایت کرده است این را
ترمذی و گفته این حدیث غریب است و در روایتیست از ابو الدرداء رسانیده برسول خدا که فرمود آنچه
حلال کرده است خدا در کتاب خود پس آن حلال است و آنچه حرام کرده است پس آن حرام است و آنچه
سکوت ورزیده است از آن پس آن عفو است پس قبول کنید از خدا عفو او را پس هر آئینه خدا
نیست که فراموش میکند چیزی را باز خواند و نیست پروردگار تو فراموش کننده روایت کرده
است این را بزاز و ابن ابی حاتم و طبرانی و در روایتیست از ابن مسعود رض آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم
فرمود بیان کرده است خدا مثالی را راه راست بر هر دو طرف آن راه دو دیوار در آن هر دو دیوار
دروازها گشاده شده و بر آن دروازها پردهای افگنده شده و نزد سر راه خواننده است
که میگوید در آئید براه و کج نشوید و بالای آن خواننده است که میخواند هرگاه که قصد کند بنده
آنکه کشاید چیزی را ازین دروازها گوید او را افسوس است ترا مکشا دروازه را پس هر آئینه اگر کشادی
آنرا داخل شوی در آن باز تفسیر کرد آن مثال را پس خبر داد آنکه آن راه اسلام است و آنکه
دروازها حرام کرده خداست و پردها افگنده شده حدهای خداست و خواننده بر سر راه
قرآنست و خواننده از بالای او وعظ خداست در دل هر مومن روایت کرده است این
حدیث را رزین و روایت کرده است این را ترمذی و نواس بن سمعان مانند آن و در روایتست
از عائشه رض گفت خواند رسول خدا صلی الله علیه وسلم او هست آنکه نازل کرده است بر تو کتاب
بعضی از آن آیات واضح المعنی است پس خواند قول او و پند نگیرد مگر صاحبان خرد گفت عائشه
فرمود پس وقتیکه ببینید کسانی را که پیروی متشابهات قرآن میکنند پس آن کسانند که نام
نهاده است ایشان را خدا پس بترسید از ایشان اتفاق کرده شده است بر این حدیث و در روایتست
از عبد الله بن مسعود رض گفت او خط کشید برای ما رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود این راه
خداست باز کشید خطها از طرف راست و چپ او و فرمود این راهها است بر هر راه

از آن شیطان ست نخواند مر ما نرا با آن راه و خواند و هر آئینه این راه ماست برابر پس پیروی
کنید آنرا و پیروی راهها مکنید پس پراگنده شمارا از راه خدا این حکم کرده است شمارا تا که
پرهیزگار شوید روایت کرده است این حدیث را احمد و دارمی و نسائی و روایت است از
ابو هریره که گفت او بود مر ما از صحاب پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نوشته میکردند از توریت پس ذکر
کردند این را برسول خدا صلی الله علیه وسلم پس فرمود هر آئینه جاهل ترین اهل جهالت و گمراه ترین اهل
ضلالت قومیست که رو گردانی کردند از چیزیکه آمده است بآن پیغمبر ایشان با ایشان بطرف
نبی غیر نبی ایشان و بطرف امتی غیر امت خود باز نازل کرد خدا آیا کافی نیست ایشانرا آنچه
ما نازل کردیم بر تو کتاب خوانده میشود بر ایشان هر آئینه در این البته رحمت و پند است مر قومی را
که ایمان می آرند روایت کرده است این حدیث را اسماعیلی و در معجم خود ابن مردویه و روایت
است از عبد الله بن ثابت بن حارث انصاری که گفت او داخل شد عمر بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بکتابی
که در آن بعضی توریت بود پس گفت عمر این کتابرا گرفتیم از مردی از اهل کتاب بعرض
میکنیم آنرا بر تو پس متغیر شد روی مبارک رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود اگر نازل شود موسی تابع
داری کرده شود او را و گذاشته شوید مرا اگرچه گمراه خواهید شد شما حصه من از امتها و من حصه شمایم از پیغمبران روایت
کرده است این حدیث را عبد الرزاق و ابن سعد و حاکم در کنی باب در بیان حقوق نبی صلی الله علیه وسلم
و قول خدا تعالی ای مومنان فرمانبرداری کنید خدا را و فرمان برداری کنید رسول را و صاحبان
امر را تا آخر آیه و قول خدا تعالی و برپا کنید نماز را و بدهید زکوة را و فرمان برداری پیغمبر کنید
تا که رحم کرده شوید و قول خدا تعالی و آنچه بدهد شمارا رسول پس بگیرید آنرا و آنچه نهی کند شمارا
از آن پس باز شوید از آن تا آخر آیه و روایت است از ابو هریره که گفت او فرمود رسول خدا
صلی الله علیه وسلم امر کرده شدم که جنگ کنم با مردمان تا آنکه گواهی دهند که نیست لائق عبادت مگر خدا و
ایمان آرند بمن و بآنچه آمدم بآن پس چون کنند این را نگاه کرده شد از من خونهای ایشان و مالهای خود را
مگر بحق آن کلمه و حساب ایشان بر خدا غالب و بزرگ است و روایت کرده است این را مسلم و بخاری

۲۱

عصموا منی دماءهم واموالهم الا بحقها وحسابهم علی الله

از انس که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم سه خصلت است که باشد آن هر که در وی
یابد شیرینی ایمان را آنکه باشد خدا و رسول او دوست تر باو از آنچه غیر ایشانست و آنکه دوست
دارد آدمی را دوست نمیدارد او را مگر برای خدا و آنکه ناخوش میدارد رجوع کردن در کفر
بعد از آنکه خلاص کرد او را خدا از آن چنانچه ناخوش میدارد آنکه افگنده شود در دوزخ
و هر دو روایت از انس رسیده که رسول خدا ایمان نمی آرد یکی از شما تا آنکه شوم من دوست
تر به او از پسر او و مادر او و پدر او و مردمان همه و روایت است از مقدام بن معدیکرب
رض آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود نزدیکست که باشد آدمی تکیه کننده بر تخت خود و شنوانیده
میشود او بحدیثی از حدیث من پس گوید درمیان من و درمیان شما کتاب خدای غالب و
بزرگ است پس آنچه یابیم در وی از حلال حلال شماریم آنرا و آنچه یابیم از حرام حرام شماریم آنرا
خبردار و هر آئینه آنچه حرام کرده است رسول خدا مانند آنست که حرام کرده است خدا روایت
کرده است این حدیث را ترمذی و ابن ماجه باب در بیان باعث کردن رسول خدا صلی الله علیه وسلم
بر لازم گرفتن سنت و ترغیب بر آن و گذاشتن بدعات و تفرق و خلاف و ترسانیدن
از آن و قول خدای بلند هر آئینه تحقیق هست شما را در رسول خدا پیروی نیک کسی را که توقع
میداشت ثواب خدا و توقع میداشت روز آخر و یاد کرد خدا را بسیار و قول خدای بلند
هر آئینه کسانی که پراگنده کردند دین خود را و گروه گروه شدند نیستی از ایشان در هیچ حساب تا
آخر آیه و قول خدای بلند مقرر کرد برای شما از آئین آنچه امر کرده بود باقامت آن نوح را
و آنچه وحی فرستادیم بسوی تو و آنچه امر کردیم باقامت آن ابراهیم و موسی و عیسی را باین
مضمون که قائم کنید دین را و متفرق مشوید در آن تا به آخر آیه و روایت است از عرباض
بن ساریه رض که گفت او وعظ کرد ما را رسول خدا صلی الله علیه وسلم وعظی کامل جاری شد از آن چشمها
و ترسید از آن دلها پس گفت گوینده گویا این وعظ جدائی کننده است پس چیست آنچه وصیت
میکنی ما را بآن پس فرمود وصیت میکنم شما را به پرهیزگاری خدا و به شنیدن حکم امیر و فرمان بردار

۲۲

اگر چه باشد او غلام حبشی پس هر آئینه شان نیست که به زنده ماند از شما پس زود بینی خواهد
دید اختلاف بسیار را پس لازم گیرید سنت مرا و سنت خلفا راه یابنده گان هدایت کرده شده گان را
چنگ زنید بآن و بگزید آن را به دندانها و نگاه دارید خود را از کارهای نو پیدا پس هر آئینه
هر نو پیدا بدعت است و هر بدعت گمراهی است روایت کرده است این حدیث را ابو داود و
ترمذی و صحیح کرده است این را و ابن ماجه و در روایتی است گذاشتم شما را بر راه سفید که شب
آن مانند روز است کج نشود از آن مگر هلاک شده ازل کسیکه

ماند از شما پس خواهد دید اختلاف بسیار باز بیان کرد حدیث را مانند آن و در مسلم است از
جابر رض که گفت او فرمود رسول محمد صلی الله علیه وسلم هر چه پس از حمد است پس بهترین سخن کتاب خدا است
و بهترین طریقه طریقه محمد است و بدترین کارها نو پیدای است و هر بدعت گمراهی است و در
بخاری است از ابو هریره که گفت او فرمود رسول محمد صلی الله علیه وسلم تمام امت من داخل خواهد شد
به بهشت مگر کسیکه انکار کرد گفته شد و کیست آنکه انکار کرد فرمود کسیکه فرمانبری کرد مرا
داخل شود به بهشت و کسیکه نافرمانی من کرد پس تحقیق انکار کرد و در بخاری و مسلم است از انس
که گفت او آمدند سه نفر بزنان رسول محمد صلی الله علیه وسلم سوال میکردند از عبادت رسول خدا پس چون
خبر شدند بآن گویا ایشان کم دانستند آن را پس گفتند ایشان کجا هستیم ما از رسول محمد صلی الله علیه وسلم و حال
آنکه بخشیده است او را خدا آنچه پیش گذشته است از گناه او و آنچه پس است پس گفت یکی
از ایشان هر چه هستم پس نماز خواهم در شب همیشه و گفت دیگر من روزه گیرم در روز همیشه و افطار
نمیکنم و گفت دیگر من کناره میشوم از زنان پس نکاح نمیکنم همیشه پس آمد رسول محمد صلی الله علیه وسلم بایشان
پس فرمود شما آنانید که گفته اند چنین و چنان خبر دار باشید هر آئینه من ترسنده ترین شما
ام مر خدا را و پرهیزگارترین شما ام مر او را لکن من روزه میگیرم و افطار میکنم و نماز می
خوانم و خواب میکنم و نکاح میکنم با زنان پس کسیکه نفرت کند از سنت من پس نیست از
من و از ابو هریره رض از آنکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود پیدا شده است اسلام غریب

٢٣

بگردد غریب چنانچه پیدا شده بود روایت کرده است این حدیث را مسلم و روایت است از عبد الله
بن عمرو که گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم مؤمن نیست یکی از شما تا آنکه شود هوای او تابع چیزی را
که آورده ام من آن را روایت کرده است این حدیث را البغوی در شرح السنه و صحیح کرده است آن را
نووی و ... وست که گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم البته بیاید بر امت من چنانچه آمده بود بر بنی
اسرائیل مانند برابری پیزار به پیزار تا آنکه اگر بود در میان ایشان کسیکه می آمد مادر خود را علانیه
باشد در امت من کسیکه کند آن را و هر آینه بنی اسرائیل متفرق شدند بر هفتاد و دو فرقه
که متفرق شود امت من بر هفتاد و سه راه همه ایشان در دوزخ باشند مگر یک گروه گفتند
کدام است آن گروه ای رسول خدا فرمود آنچه من و اصحاب من بر آنند روایت کرده است
ترمذی و در مسلم است از ابو هریره رسیده بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه خواند بسوی هدایت پس هست مر او را
از ثواب مانند ثوابهای کسیکه پیروی او کرد ناقص نمیکند از ثوابهای ایشان چیزی را و کسیکه
خواند بطرف گمراهی پس بر او از گناه مانند گناهان کسیکه پیروی او کرد ناقص نمیکند آن از گناهان
ایشان چیزی را و روایت است از ابو مسعود انصاری که گفت آمد یک شخص پیش رسول صلی الله علیه وسلم
شان این است که مانده کرده شده من پس سوار کن مرا پس فرمود رسول الله نیست نزد من پس گفت
یک شخص ای رسول خدا من دلالت خواهم کرد او را بر کسیکه سوار کند او را پس فرمود رسول
الله هر کسیکه دلالت کند بر نیکی پس او را هست مانند اجر کننده آن و روایت است از عمرو بن عوف از
رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه زنده کند سنتی از سنت من که مرده شده باشد پس از من پس هر آینه مر او را
ست از ثواب مانند ثواب کسیکه عمل کند بآن ناقص نمیکند از ثوابهای مردمان چیزی را و کسیکه
پیدا کند بدعت که خوش نمیدارد آنرا خدا و رسول او پس هر آینه ...... بر او مانند گناه
کسی است که کند آنرا از مردمان ناقص نمیکند آن از گناهان ایشان چیزی را روایت کرده
است این حدیث را ترمذی و حسن گفته است او را و ابن ماجه و این لفظ اوست و روایت است
از ابن مسعود ... آنکه او گفت چگونه باشید وقتیکه بپوشد شما را فتنه که پیر شود در آن

خورد و پیر شود در آن کلان و گرفته شود آن سنت ها و مردمان بر آن پس وقتیکه تغیر
داده شود از آن چیزی گفته شود تغیر داده شد سنت گفته شد که باشد آن ای ابا عبد
الرحمن گفت وقتیکه بسیار شود قاریان شما و کم شود فقهای شما و بسیار شود مالهای شما و کم شود
امینان شما و طلب کرده شود دنیا بعمل آخرت و طلب علم شود برای غیر دین روایت
کرده است این حدیث را دارمی و از زیاد بن حدیر است که گفت فرمود مرا عمر آیا می شناسی که
چه چیز ویران میکند اسلام را گفتم نه فرمود او ویران میکند او را لغزش عالم و مجادله منافق
به کتاب و حکم پادشاهان گمراه کننده روایت کرده است این حدیث را هم دارمی و روایت از
حذیفه رض که گفت او هر عبادت که نکرده باشند آنرا اصحاب رسول محمد صلی الله علیه و سلم پس نکنید آنرا پس هر آینه
اول نگذاشته است آخر را جای سخن پس بترسید از خدا ای گروه قاریان و بگیرید عبادت از
کسانیکه پیش از شما بودند روایت کرده است این حدیث را ابو داود و روایت از ابن مسعود رض
گفت او کسیکه اقتدا کننده باشد پس اقتدا کند به کسیکه بتحقیق مرده است پس هر آینه زنده
گمان ایمن بودن نمیشود بر او از فتنه ایشانند اصحاب محمد صلی الله علیه و سلم بودند بهترین این امت نیکو
ترین امت از روی دل و ژرفترین ایشان از روی علم و کمترین ایشان از روی تکلیف
برگزیده بود ایشان را خدای تعالی برای صحبت نبی خود صلی الله علیه و سلم و برای راست کردن دین خود پس
بشناسید ایشان را فضل ایشان و بروید بر قدمهای ایشان و چنگ زنید بانچه میتوانید از
اخلاق ایشان و خوی ایشان پس بتحقیق ایشان بودند بر راه راست روایت کرده است
این حدیث را رزین و روایت است از عمرو بن شعیب از پدر خود از جد او که گفت او شنید رسول خدا
صلی الله علیه و سلم اختلاف قومی در قرآن پس فرمود جز این نیست که هلاک شدند کسانیکه پیش از شما بودند
بانیکه زدند بعض کتاب خود را به بعض و جز این نیست که نازل شده است کتاب خدا تصدیق
میکند بعض او بعض را پس تکذیب مکنید بعض او را به بعض پس آنچه دانید از آن پس گوئید
آنرا و آنچه ندانید پس سپارید بداننده آن روایت کرده است این حدیث را احمد و ابن ماجه

۲۵

باب در بیان برانگیختن بر طلب علم و کیفیت طالب دین باب است حدیث صحیحین در
عذاب قبر که هر آینه عذاب داده شد میگوید شنیده بودم از مردمان که میگفتند چیزی پس
میگفتم آنرا و در صحیحین است از معاویه که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود کسی را که اراده خیر کند خدا از برای
میکند او را در دین و در صحیحین است از ابو موسی که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم مثال آنچه
فرستاده است مرا خدا بآن مانند باران بسیار است که رسید زمینی را پس باشد از آن یک قطعه
خوب جذب کند آب را پس برویاند گیاه خشک و تازه بسیار و باشد از آن یک قطعه سخت که
نگاه کند آب را پس نفع رساند خدا بآن مردمان را پس بنوشند آنرا و بنوشانند و زراعت
کنند و رسید از آن زمین یک قطعه دیگر را جز این نیست که آن میدانست نه نگاه میکند
آب را و نه میرویاند گیاه را این است مثال کسیکه زیرک شد در دین خدا و نفع رسانید
او را آنچه فرستاده است مرا خدا بآن پس دانست و آموخت و مثال کسیکه بالا نکرد بآن سر را و
قبول نکرد هدایت خدا را آنچه فرستاده شدم بآن و در صحیحین است از عائشه رسیده برسول خدا
که ببینید کسانرا که پیروی متشابهات قرآن میکنند پس ایشان آنانند که نام نهاده است ایشان
را خدا پس بپرهیز از ایشان و در روایت است از ابن مسعود رضی الله عنه که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم
نبود هیچ پیغمبر که فرستاده باشد او را خدا در امت خود مگر بود او را از امت او دوستان و یاران
که میگرفتند سنت او را و اقتدا میکردند بامر او باز هر آینه قرنها است که پیدا میشدند پس
بعد ایشان میگفتند آنچه نمیکردند و میکردند آنچه امر نمیشدند پس کسیکه جهاد کند
با ایشان بدست خود پس او مؤمن است و کسیکه جهاد کند با ایشان بزبان خود پس او مؤمن
است و کسیکه جهاد کند بدل خود پس او مؤمن است و نیست پس ازین ایمان بقدر یکدانه سپندان روایت
کرده است مسلم و در روایت است از ابو ثعلبه رسیده برسول خدا که هر آینه خدا فرض کرده است
فرایض پس ضایع مکنید آنرا و مقرر کرده است حدها پس تجاوز نکنید از آن و حرام
کرده است چیزها پس ... آنرا و خاموش شده است از چیزها بروی رحمت بر شما

بالضرورت میکنید پس بحث نکنید از آن که حدیثی ست حسن روایت کرده ست این را دار قطنی و غیر
او و در صحیحین ست از ابو هریره رض آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود آنچیزی که منع کنم شما را از آن
پس پرهیز کنید از آن و آنچیز که امر کنم شما را بآن پس بیائید بآن هر قدر که توانید پس بجز این
نیست که هلاک شد کسیکه بود پیش از شما به بسیار سوالها و اختلاف بر انبیاء خود و در روایت
ست از ابن مسعود رض که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم خوش دارد خدا بنده را که شنید
سخن ما را و یاد کرد آنرا و نگهداشت آنرا و رسانید آنرا پس بسا بردارنده علم زیرک نباشد و
بسا بردارنده علم رسانده باشد بکسی که داناتر باشد از وی سه چیزست که خیانت نمیکند در آن
دل مسلمان اخلاص عمل ست مر خدا را و خیرخواهی ست مر مسلمانان را و لازم گرفتن جماعت ایشان پس بدرستیکه
هر آئینه دعا ایشان میرسد کسی را که پس ایشانند روایت کرده ست این را شافعی و بیهقی در مدخل
و روایت کرده ست این حدیث را احمد و ابن ماجه و دارمی از زید بن ثابت و در روایت ست از عبدالله
بن عمرو که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم علم دین سه چیزست آیت محکم ست یا سنت ثابت
یا فریضه برابر ست روایت کرده ست این حدیث را ابو داود و ابن ماجه و در روایت ست از ابن
عباس رض که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه گوید در قرآن بفکر خود پس باید که تیار کند جای خود را
در دوزخ و در روایتی ست کسیکه گوید در قرآن بغیر علم پس باید که تیار کند جای خود را در
دوزخ و در روایت ست از ابو هریره رض که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه فتوی داده شد
فتوی بی اصل پس جز این نیست گناه او بر کسی ست که فتوی داده ست و کسیکه اشارت کند
بسوی برادر خود به کاری که میداند که بهتر در غیر آنست پس بتحقیق خیانت کرد و روایت
کرده ست این حدیث را ابو داود و در روایت ست از معاویه که رسول خدا صلی الله علیه وسلم نهی کرده ست
از اغلوطات مشکل روایت کرده ست این را ابو داود و در روایت ست از کثیر بن قیس که گفت او
بودم نشسته با ابو الدرداء در مسجد دمشق پس آمد بسوی او مردی پس گفت ای ابو الدرداء آمده ام من
پیش تو از مدینه رسول برای حدیثی که رسیده است بمن از تو که تو یاد میکنی آنرا از رسول خدا صلی الله علیه وسلم

٢٧

من قال في القرآن برأيه فليتبوأ مقعده من النار رواه الترمذي

من قال في القرآن بغير علم فليتبوأ مقعده من النار

رواه احمد وابن ماجه والدارمي عن زيد بن ثابت

نه آمدم پیش تو برای حاجتی گفت ابو الدردا پس هر آئینه من شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه وسلم
میفرمود کسی که میرود بر راهی که طلب میکند در آن علم روان کند او را خدا بر راهی از راهها
ی بهشت و هر آئینه فرشتها می نهند بازوها خود را برای خوشی طالب علم و هر آئینه عالم
بخشش میخواهد او را کسیکه در آسمان و زمین اند و ماهیان در میان آب و هر آئینه بهتری
عالم بر عابد مانند بهتری ماه چهاردهم است بر همه ستارها و هر آئینه عالمان وارثان پیغمبرانند
و هر آئینه پیغمبران میراث نگذشتند دینار و نه درهم را و هر آئینه میراث گذاشتند علم را پس
کسیکه گرفت آنرا گرفت حصه تمام را روایت کرده است این حدیث را احمد و دارمی و ابو داود و ترمذی
و ابن ماجه و در روایتیست از ابو هریره رسیده برسول خدا کلمهٔ حکمت گم کرده مومن است پس هرجا
که یافت آنرا پس او سزاوارتر است بآن روایت کرده است این حدیث را ترمذی و گفته غریبست
و ابن ماجه و در روایتیست از علی رض که گفت فقیه کامل کسی است که ناامید نکند مردمانرا از مهربانی
خدا و نه رخصت دهد ایشانرا در گناهای خدا و نه ایمن کند ایشانرا از عذاب خدا و نگذارد قرآن
را از روی رغبت از آن بغیر آن هر آئینه نیست خیر در عبادت که نباشد علم در آن و نیست خیر
در علمی که نباشد فهم در آن و نیست خیر در قرائت که نباشد فکر در آن و در روایتیست از حسن رض
که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه آمد او را موت در حال آنکه او طلب علم میکند تا که زنده
کند بآن اسلام را پس درمیان او و درمیان پیغمبران یک درجه است در بهشت و روایت کرده است
هر دو حدیث را دارمی باب در بیان گرفتن علم روایتیست از ابو الدردا رض که
گفت او بودیم با رسول خدا صلی الله علیه وسلم پس بالا کرد چشم خود را بطرف آسمان باز فرمود این وقتی است که
ربوده میشود در آن علم از مردمان تا آنکه قدرت نخواهند یافت بر هیچ چیز روایت کرده است
این را ترمذی و در روایتیست از زیاد بن لبید رض که گفت او ذکر کرد رسول خدا صلی الله علیه وسلم چیزی را
پس فرمود این نزدیک وقت رفتن علم است گفتم ای رسول خدا چه طور خواهد رفت علم و حال آنکه ما می
خوانیم قرآن را و می آموزیم پسران خود را و خواهند آموخت پسران ما پسران خود را تا بروز قیامت فرمود

۲۸

کم کنند ترا مادر تو آیا نیست این یهود و نصاری که میخوانند توریت و انجیل را و عمل نمیکنند
بچیزی از آنچه در آن هر دو است روایت کرده است اینحدیث را احمد و ابن ماجه و روایت
از ابن مسعود رض که گفت او لازم بگیرید علم را قبل از گرفتن آن و گرفتن آن رفتن اهل آنست
لازم گیرید علم را پس بدرستیکه یکی از شما نمیداند که کی محتاج خواهند شد بآن یا احتیاج کرده شود بآنچه نزد اوست
و شتاب خواهید یافت قومها را که گویند آنکه ایشان میخوانند مردمانرا بکتاب خدا و حال
آنکه انداخته است آنرا بپس پشت خود لازم گیرید علم را و پرهیز کنید از بدعات و از خوض در
لایعنی لازم گیرید دین قدیم را روایت کرده است اینحدیث را دارمی و در صحیح است از
ابن عمر رسیده برسول خدا آنکه خدا قبض نمیکند علم را بکشیدن که بکشد آنرا از سینهای مردمان
ولیکن میگیرد علم را ببردن علما تا آنکه نماند عالمی بگیرند مردمان پیشوایان نهایت جاهلان پس
سوال کرده شوند بی علم پس گمراه شوند و گمراه کنند و روایت است از علی رض که گفت او فرمود
رسول خدا صلی الله علیه وسلم قریب است آنکه بیاید بر مردمان زمانه که نماند از اسلام مگر نام آن و نماند از قرآن
مگر رسم آن مساجد ایشان آباد باشند و حالانکه خالی باشند از هدایت عالمان ایشان بدترین
کسانند که زیر روی آسمانند از ایشان بیرون میشود فتنه و در ایشان میگردد روایت کرده
است اینحدیث را بیهقی در شعب الایمان **باب** در بیان تشدید در طلب علم برای ستیزه
کردن و مجادله نمودن روایت است از کعب بن مالک رض که گفت فرمود رسول خدا صلعم
کسیکه طلب کند علم تا که مقابله کند بآن با علما و تا که مجادله کند بآن با بیخردان یا بگرداند
بآن روی مردمانرا بجانب خود داخل کند او را خدا در دوزخ روایت کرده است اینحدیث را
ترمذی و روایت است از ابو امامه رسیده برسول خدا گمراه نشده هیچ قوم پس از هدایت که
بودند بر آن مگر چونکه داده شدند جدال باز خواند بیان نکردند آنرا بتو مگر مکابره بلکه ایشان
قومی خصومت کننده است روایت کرده است اینحدیث را احمد و ترمذی و ابن ماجه و
روایت است از عائشه رض که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم هرآینه دشمن ترین مردمان بخدا

رواه احمد والترمذی وابن ماجة وعن عائشة رض قالت قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ان ابغض الرجال الی الله الالد الخصم

29

سخت تیزه کننده است اتفاق شده است بر آن و در روایت است از ابو وائل که ده و پیغمبر
از عبد الله که گفت او کسیکه طلب کند علم برای چهار چیز داخل شود در آتش یا مانند این بعض
تا که فخر کند بآن با علما یا مجادله کند بآن با بیخبران یا بگرداند بآن روی مردمان را
بخود یا بگیرد بآن از پادشاهان روایت کرده است این حدیث را دارمی و در روایت است
از ابن عباس که گفت و مر قومی را که شنید از ایشان که مجادله میکردند در دین آیا
نمیدانید که آنکه خدا را بندگانند که بر روی افگنده است ایشان را ترس خدا بغیر کری و گنگی و
هر آئینه ایشان البته ایشانند علما خوشگویان دانشمندان بزرگان و دانایان بوقایع
خدا وقتیکه یاد کنند بزرگی خدا را و عقلهای ایشان شکسته شود و دلهای ایشان و بند
شود زبانهای ایشان تا وقتیکه بهوش آیند از این شتابی کنند بخدا به کارهای پاک بشمارند
نفسهای خود را تقصیر کنندگان و هر آئینه ایشانند زیرکان زورآوران و همراه گمراهان
خطاکاران و هر آئینه ایشانند نیکوکاران بیزاران بسیار نمیدانند او را عبادت بسیار
و راضی نمیشود او را باندک و نمی گذارند برا و عملهای خود را هر جا که یابی ایشان را باشند هم
ترسندگان بیم کنندگان خوف کنندگان روایت کرده است این حدیث را ابو نعیم گفت
حسن و شنید ابن عباس از قومی که مجادله میکردند پس گفت این قومیست که سست شدند از
عبادت و سبک شده است بر ایشان سخن و کم شده است تقوی ایشان و سخن کردند باب
در بیان کم گفتن و گذاشتن تکلف و مبالغه کردن روایت است از ابو امامه رسیده برسول
خدا که حیا و تحیر در سخن دو شاخ است از ایمان و بیحیائی و بیباکی در سخن دو شاخ است از
نفاق روایت کرده است این حدیث را ترمذی و در روایت است از ابو ثعلبه آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود
دوست ترین شما بمن و نزدیک ترین شما بمن در روز قیامت بهترین شماست از روی
اخلاق و هر آئینه دشمن ترین شما بمن و دورترین شما از من زشت شماست از روی اخلاق
بسیار سخن کنندگان بی باکی کنان در کلام کشاینده گان دهن بسخنان روایت کرده است

۳۰

وعن ابی امامة ان النبی صلی الله علیه وسلم قال الحیاء والعی شعبتان من الایمان والبذاء والبیان شعبتان من النفاق رواه الترمذی
وعن ابی ثعلبة ان رسول الله صلی الله علیه وسلم قال ان احبکم الی واقربکم منی یوم القیامة احاسنکم اخلاقا وان ابغضکم الی وابعدکم منی

بیهقی در شعب و ترمذی رست مانند آن از جابر و روایت است از سعد بن ابی وقاص رضه که گفت او فرموده است رسول خدا صلی الله علیه وسلم قائم نخواهد شد قیامت تا وقتیکه بیرون شوند

قومی که بخورند بزبانها خود چنانچه میخورد گاو بزبان خود روایت کرده است این حدیث را احمد و ابو داود و ترمذی و روایت است از عبد الله بن عمرو رضه رسیده برسول خدا که هر آئینه خدا بد میداند فصیح را از مردمان آنکه میگرداند زبان خود را چنانچه میگرداند گاو زبان خود را روایت کرده است این حدیث را ترمذی و ابو داود و روایت است از ابو هریره رضه که گفت فرموده است رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه آموخت انواع سخن را که سلب کند بآن دلهای مردان یا مردمان قبول نشود از وی روز قیامت فرض و نه نفل روایت کرده است این حدیث را ابو داود و روایت است از عائشه رضه که گفت بود سخن رسول خدا صلی الله علیه وسلم واضح میفهمید آنرا هر شخصی که میشنید آنرا و گفت عائشه رضه بود رسول خدا پیغمبر سود بار سخن اگر میشمرد آنرا شمار کننده البته میشمرد آنرا و گفت عائشه رضه که رسول خدا نمی‌راند سخن را مانند راندن شما روایت کرده است ابو داود بعض این حدیث را و روایت است از ابو هریره آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود وقتیکه ببینید آن بنده را که داده شده است او بی رغبتی در دنیا و کم گفتار پس نزدیک شوید از وی پس تحقیق داده میشود حکمت روایت کرده است این حدیث را بیهقی در شعب الایمان و روایت است از ابو هریره رضه که گفت او شنیدم از رسول خدا که پیغمبر بود هر آئینه بعض از بیان جادو است و بعض از علم جهل است و بعض از شعر حکمت است و بعضی از گفتار بار و بال است و روایت است از عمرو بن العاص رضه آنکه او گفت روزی و حال آنکه خطبه میگفت شخصی پس گفت عمرو اگر اختصار میکرد در گفتن خود البته بهتر بود او را شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه وسلم که پیغمبر بود البته دیدم یا امر کرده شدم آنکه اختصار کنم در سخن پس هر آئینه اختصار همان است بهتر روایت کرده است هر دو حدیث را ابو داود

والله الموفق والمعین وهو حسبی ونعم الوکیل ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

تمت

محمد وآله

رب العالمین

آخره والحمد لله

له یعنی زبان خود را وسیله خوردن کنند و صف مردمان کنند باطل را حاصل کنند طریق اند دنیا و فرق

هذا كان افضل الاسلام ثابت

بسم الله الرحمن الرحيم

باب فضل الاسلام

قوله تعالى اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الاسلام دينا

وقوله تعالى قل يا ايها الناس ان كنتم في شك من ديني فلا اعبد الذين تعبدون من دون الله ولكن اعبد الله الذي يتوفاكم الاية

وقوله تعالى يا ايها الذين امنوا اتقوا الله وامنوا برسوله يؤتكم كفلين من رحمته ويجعل لكم نورا تمشون به ويغفر لكم والله غفور رحيم

بسم الله الرحمن الرحیم

باب در بیان فضیلت اسلام و قول خدای تعالی امروز کامل کردم برای شما دین شما را و تمام
کردم بر شما نعمت خود را و اختیار کردم اسلام را دین برای شما و قول خدای تعالی بگو ای مردمان
اگر هستید در شک از دین من پس نمی پرستم کسانی را که می پرستید سوای خدا و لیکن می پرستم
آن خدا را که میمیراند شما را تا آخر آیه و قول خدا تعالی ای آنانکه ایمان آوردند بترسید از خدا و
ایمان آرید به پیغامبر تا بدهد شما را دو حصه از رحمت خود و بدهد شما را نوری که راه روید
بآن و تا بیامرزد شما را و خدا آمرزگار مهربانست و در صحیح ست از ابن عمر آنکه رسول خدا صلعم
فرمود مثال شما و مثال یهود و نصاری مانند مردیست که بگیرد مزدوری را پس فرمود
کیست که کار کند برای من از صبح تا نصف روز بر یک قیراط پس عمل کردند یهود باز فرمود
کیست که کار کند برای من از نیم روز تا نماز عصر بر یک قیراط پس عمل کردند نصاری باز فرمود
کیست که کار کند برای من از نماز دیگر تا غائب شدن آفتاب بر دو قیراط پس شما آنانید
پس بغضب شدند یهود و نصاری و گفتند چیست ما را که بسیار تریم از روی عمل و کمتریم از روی مزد
فرمود خدا آیا ناقص کردم شما را از حق شما چیزی گفتند نه فرمود این مهربانی
منست میدهم آنرا بکسی که میخواهم و در صحیح ست هم از ابو هریره رض گفت او فرمود
رسول خدا صلی الله علیه وسلم گمراه کرد خدا از جمعه کسانرا که پیش از ما بودند پس بود مر یهود را روز شنبه و نصاری را
روز یکشنبه پس آورد ما را خدا پس هدایت کرد ما را بروز جمعه و همچنین ایشان تابع ما اند در روز
قیامت ما پسینان اهل دنیا ایم و پیشینیان در روز قیامت و در صحیح ست بغیر ذکر سند از
رسول خدا صلی الله علیه وسلم آنکه او فرمود دوست ترین دینها بخدا دین خالص آسان باخر رسید و روایت
از ابی بن کعب گفت او لازم گیرید راه قرآن و سنت پس هر آئینه نیست بنده بر راه و سنت که
یاد کند خدا را پس جاری شود دو چشم او از ترس خدا پس که رسد او را آتش و نیست بنده بر راه

وعن ابن عمر عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال مثلكم ومثل اهل الكتابين كمثل رجل استاجر اجراء فقال من يعمل لي من غدوة الى نصف النهار على قيراط فعملت اليهود ثم قال من يعمل لي من نصف النهار الى صلوة العصر على قيراط فعملت النصارى ثم قال من يعمل لي من صلوة العصر الى غروب الشمس على قيراطين فانتم هم فغضبت اليهود والنصارى وقالوا ما لنا اكثر عملا واقل عطاء قال هل نقصتكم من حقكم شيئا قالوا لا قال فذلك فضلي اوتيه من اشاء

٣٢

وفيه ايضا عن ابي هريرة رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اضل الله عن الجمعة من كان قبلنا فكان لليهود يوم السبت وللنصارى يوم الاحد فجاء الله بنا فهدانا ليوم الجمعة وكذلك هم تبع لنا يوم القيامة نحن الاخرون من اهل الدنيا والاولون يوم القيامة

وفيه تعليقا عن النبي صلى الله عليه وسلم قال احب الاديان الى الله الحنيفية السمحة

وعن ابي بن كعب قال عليكم بالسبيل والسنة فانه ليس من عبد على سبيل وسنة ذكر الله ففاضت عيناه من خشية الله فتمسه النار

بنت کند ذکر کند رحمن را پس موی خیز اند پوست او از ترس خدا مگر باشد مانند درختی که خشک
شده باشد برگهای او مگر بریزد از و گناهان چنانچه میریزد از این درخت برگهای او و
هر آینه میانه روی در سنت بهتر است از کوشش در خلاف راه و سنت و در روایت است از ابو الدرداء
که گفت ای وای خوب خواب هوشیاران و روزه خوردن ایشان چگونه خواهش میکنند بیداری
بیخردان را و روزه داشتن ایشان را هر آینه یک ذره از نیکی با التقوی و یقین بزرگتر است و بهتر و بر
گزیده تر از عبادت مغروران باب در بیان وجوب اسلام و قول خدا تعالی و کسیکه طلب
کند سوای اسلام دینی را پس هرگز قبول کرده نخواهد شد از و او در آخرت از زیانکاران است
و قول خدا تعالی هر آینه دین معتبر نزدیک خدا اسلام است و قول او تعالی و آنکه این راه من است راست پس
پیروی آن کنید و پیروی راههای دیگر نکنید پس پراگنده کند شما را از راه وی تا آخر آیه گفته
است مجاهد آن راهها بدعات و شبهه هاست و در روایت است از عائشه رض آنکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود
کسیکه نو پیدا کند در این کار ما چیزی را که نباشد از آن پس آن رد است روایت کرده است
این حدیث را بخاری و مسلم و در روایتی است کسیکه کند عملی که نباشد بر آن امر ما پس آن رد است
و در بخاری است از ابو هریره که گفت او فرموده است پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم امت من داخل
خواهند شد در بهشت مگر کسیکه انکار کرد گفته شد کیست که انکار کرد فرمود کسیکه پیروی من کرد
داخل شود به بهشت و کسیکه نافرمانی کرد پس تحقیق انکار کرد و در صحیح است از ابن عباس
آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود دشمن ترین مردمان بخدا سه شخص است ظلم کننده در حرم و طلب
کننده در اسلام طریقه جاهلیت را و طلب کننده خون مرد مسلمان بناحق تا که بریزاند خون
او را تا داخل شود در آن هر جاهلیت ملحق باشد یا مقیدای در شخصی و در شخصی کتابیت باشد
یا وثنیت یا سوای این و از هر مخالفت آنچه آمده است با آن پیغمبران و در صحیح است از
حذیفه رض فرمود او ای گروه قاریان بروید بر سنت پس تحقیق پیشی گرفته شد
پس اگر گرفتید راست و چپ را پس تحقیق گمراه خواهید شد به گمراهی دور از حق و در روایت

بن وضاح که او داود اخل میشد در مسجد پس استاده میشد بر حلقهای مردمان پس میگفت
و گفت او خبر داد ما را ابن عیینه از مجاهد از شعبی از مسروق که گفت عبد الله یعنی ابن مسعود رض
نیست هیچ سالی مگر آن سالی که پس آنست بدتر ست از آن نگو که سالی ستار زان تر از
سالی و امیری بهتر از امیری لیکن رفتن علما و بهتران شماست باز پیدا شوند قومهای
که قیاس امور دین کنند بفکرهای خود پس ویران کنند اسلام را باب در بیان تفسیر
اسلام و قول خدا تعالی پس اگر مجادله کنند با تو پس بگو که منقاد کردم روی خود را و کسانی
که پیروی من میکنند مر خدا را الی آخر آیة و در صحیح ست از ابن عمر رض آنکه رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود
اسلام آنست که گواهی دهی آنکه نیست لائق عبادت سوای خدا و آنکه محمد رسول خدا است
و قائم کنی نماز را و بدهی زکوة را و روزه رمضان گیری و حج خانه کنی اگر طاقت راه داشته
باشی بآن و در صحیح ست از ابو هریره رض مرفوع که مسلمان کسی ست که سلامت باشند مسلمانان
از زبان و دست او و در روایتست از بهز بن حکیم از پدر خود از جد او و آنکه شان اینست که
سوال کرده شد رسول خدا صلعم از اسلام پس فرمود آنکه منقاد کنی دل خود را برای خدا و
آنکه بگردانی روی خود را بطرف خدا و آنکه بخوانی نماز فرض کرده شده را و دادا کنی
زکوة فرض را روایت کرده است این حدیث را احمد و روایتست از ابو قلابه از مردی از اهل
شام از پدر خود آنکه شان اینست که سوال کرده شد رسول خدا صلی الله علیه و سلم که چیست اسلام فرمود
آنکه متوجه کنی دل خود را بخدا و سلامت مانند مسلمانان از زبان تو و دست تو گفت سائل
کدام خصلت اسلام بهتر ست فرمود ایمان گفت سائل چیست ایمان فرمود آنکه ایمان آری
بخدا و فرشتگان او و کتابهای او و پیغمبران او و برانگیختن پس از مرگ باب در بیان
قول خدا تعالی و کسیکه طلب کند غیر اسلام دینی را پس هرگز قبول کرده نخواهد شد از و و
روایتست از ابو هریره رض گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم بیایند عملها در روز قیامت
پس بیاید نماز پس گوید ای پروردگار من منم نماز پس گوید خدا بر آنکه تو بر خیری پس بیاید روزه

بگوید ای پروردگار من منم روزه پس گوید خدا هر آئینه تو بر خیری باز بیائید عملها بر این طور
پس گوید خدا هر آئینه تو بر خیری باز بیاید اسلام پس گوید ای پروردگار من منم اسلام
و توئی اسلام پس گوید خدا هر آئینه تو بر خیری بتو میگیرم امروز و بتو میدهم فرموده است خدا
و کسیکه طلب کند سوای اسلام دینی را پس هرگز قبول کرده نخواهد شد از و و او در آخرت
از زیانکاران است روایت کرده است این حدیث را احمد و در صحیح است از عائشه رض آنکه رسول
خدا صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه عمل کند عملی که نباشد بر آن حکم ما پس آن رد است روایت کرده است
این را احمد **باب** در بیان مستغنی شدن به پیروی قرآن از هر ما سوای آن و قول خدای تعالی
و نازل کردیم بتو کتاب را بیان کننده مر هر چیز را روایت کرده است نسائی و غیر او
از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آنکه او دید در دست عمر بن الخطاب رض ورقی از توریت پس گفت آیا متحیر شده اید
ای پسر خطاب البته آوردم شما ملت سفید صاف اگر بود موسی عم زنده جائز نیست او
را الا پیروی من پس گفت عمر رض راضی شدم بخدا از روی رب و باسلام از روی دین و بمحمد از
روی نبی **باب** در بیان آنچه آمده است در بیرون شدن از دعوی اسلام و قول خدا
او نام نهاده است شما را مسلمان پیش ازین و درین روایت است از حارث اشعری رض از
رسول خدا صلی الله علیه وسلم آنکه او فرمود امر میکنم شما را به پنج چیز خدا امر کرده است مرا بآن شنیدن
و فرمان بردار گردن و جهاد و هجرت و جماعت پس هر آینه شان این است کسیکه جدا شود از
جماعت بقدر یک بالشت پس تحقیق کشید رسن اسلام را از گردن خود مگر آنکه رجوع کند و کسیکه
خواندن کند بخواندن جاهلیت پس هر آینه او از جماعت دوزخ است پس گفت شخصی ای
رسول خدا اگرچه روزه گیرد و نماز خواند فرمود اگرچه نماز خواند و روزه گیرد پس بخوانید
بآن خواندن خدا که نام نهاده است شما را بآن ای بندگان خدا مقصود وارم از آن
مسلمانان و مومنان روایت کرده است این حدیث را احمد و ترمذی و گفته حسن صحیح است
و در صحیح است کسیکه جدا شد از جماعت بقدر یک بالشت پس مردن او بر حالت جاهلیت است

۳۵

ودر صحیح است آیا بخواندن جاهلیت میخوانید و حال آنکه من در میان شما ام گفته است ابو عاصم
هر آنکه بیرون شود از دعوی اسلام قرآن از نسب یا شهر یا صنف یا مذهب یا طریقه پس آن
از نسبت جاهلیت است بلکه بیرون ... گرد مهاجری ... پس گفت مهاجری از
مهاجرین یا گفت انصاری از انصار ... آیا میخوانید بخواندن جاهلیت
و حال آنکه من در میان شما ام ... شد کلام او
و در حدیث است داخل شدن در اسلام ... و گذاشتن ... قول خدای تعالی
کسانیکه ایمان آوردند داخل شدند ... قال ... آیا ندیدی بکسانیکه
میگویند آنکه ایشان ایمان آوردند بانچه فرستاده شده است بطرف تو و بانچه فرو
فرستاده شده است پیش از تو گفته است ابن عباس سفید شود رویهای اهل سنت و اتفاق
و سیاه شود رویهای اهل بدعت و اختلاف و روایت است از عبد الله بن عمرو گفت او
فرموده است رسول خدا صلی الله علیه وسلم ... بنی اسرائیل مانند برابر
پیزار با پیزار تا آنکه اگر باشد در ایشان کسیکه می آید مادر خود را آشکارا باشد در امت من کسیکه
اینکار کند هر آینه بنی اسرائیل متفرق شدند بر هفتاد و دو گروه و متفرق خواهد شد امت من بر
هفتاد و سه گروه همه ایشان در آتش باشند مگر یک گروه گفتند کدام است آن گروه ای پیغمبر
خدا فرمود آنچه من بر آنم و اصحاب من ... این حدیث را از روی پند اگر موافق
شود از دلها زندگانی روایت کرده است این حدیث را ترمذی و روایت کرده است این
حدیث را نیز از حدیث معاویه احمد و ابو داود و در روایت هر آینه شان این است ...
که بیرون خواهد شد در امت من قومی که سرایت کند در ایشان این بدع چنانچه سرایت
میکند گزیدن سگ دیوانه بصاحب خود ... نمیماند از وی رگی و نه بندی مگر داخل
میشود در آن و پیش گذشته است قول رسول الله صلی الله علیه وسلم ... ماننده در اسلام طریقه نیکو
را باب در بیان آنچه آمده است که بدعت سخت تر است از گناه از جهت قول خدا

هذه الامة على ثلاث وسبعين ملة كلها في النار الا واحدة ما انا عليه واصحابي

وفيه انه سيخرج في امتي قوم تتجارى بهم تلك الاهواء كما يتجارى الكلب بصاحبه

عزوجل هر آینه خدا نمی بخشد آنکه شریک مقرر کرده شود باو و می بخشد چیزیرا که سوای
آنست هر کسی را که میخواهد و قول عزوجل و کیست ظالم تر از کسیکه بندد بر خدا دروغ
تا که گمراه کند مردمان را بغیر دانش و قول او تعالی تا که بردارند گناهان خود را تمام و از گناهان
کسانیکه گمراه کردند ایشان را بغیر دانش خبردار باشید بد است آنچه برمیدارند و در صحیح است
آنکه رسول الله صلی الله علیه وسلم ذکر نمود در حق خوارج هر کجا یابید ایشان را پس بکشید ایشان را و در صحیح است
آنکه رسول الله صلی الله علیه وسلم منع کرده است از کشتن امیران ظالم تا گمراه شدن ایشان و روایت
است از جریر رضی الله عنه مردی خیرات کرد بخیراتی باز پی در پی صدقه کرد مسلمانان پس فرمود رسول
خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه طریقه نهاد در اسلام طریقه خوب پس او راست ثواب آن و ثواب کسیکه
عمل کرد بآن پس از وی نه آنکه کم کنند ثوابهای ایشان چیزیرا و کسیکه طریقه نهاد در اسلام
طریقه جاهلیت هست بر وی گناه آن و گناه کسیکه عمل کرد بر آن نه آنکه ناقص کند او از
گناهان ایشان چیزیرا روایت کرده است این حدیث را مسلم و مر مسلم راست از روایت
ابوهریره رضی الله عنه و لفظ آن اینکه کسیکه خواند بهدایت باز فرمود کسیکه خواند بگمراهی **باب**
و بیان آنکه بند کرده است خدا توبه را بر صاحب بدعت این مرویست از حدیث انس رضی الله عنه
و از مراسیل حسن و ذکر کرده است ابن وضاح از ایوب گفت او بود نزدیک ما مردی که
میدید در رای پس گذشت آن را پس آمدم نزد محمد بن سیرین پس گفتم آیا خبر دارے آنکه
فلان گذشت رای خود را گفت نظر کن بچه چیز رجوع کرده است هر آینه آخر حدیث سخت
تر است بر ایشان از اول حدیث خارج شوند از اسلام باز نخواهند گشت بآن و سوال کرده
شد احمد بن حنبل از معنی این حدیث پس گفت توفیق داده نمیشود او توبه را **باب**
و بیان قول خدا تعالی ای اهل کتاب چرا مکابره میکنید در ابراهیم تا قول خدا و نبود
از مشرکین و قول او تعالی و کیست که بگردد از ملت ابراهیم مگر کسیکه نشناخته است نفس خود را
و البته برگزیدیم او را در دنیا و هر آینه او در آخرت از نیکو کاران است و درین باب مسائل است

خوارج و پیش گذشت و در صحیحست آنکه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود آل ابی فلان نیستند دوستان من جز این نیست دوستان من پرهیزگارانند و در صحیحین از انس آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم ذکر کرده شد او را آنکه بعض صحابه گفت اما من پس نمیخورم گوشت را و گفت دیگری اما من پس قیام شب میکنم و خواب نمیکنم و گفت دیگری اما من پس نکاح نمیکنم با زنان و گفت دیگری اما من پس روزه میگیرم و افطار نمیکنم پس فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم لکن من قیام شب میکنم و خواب میکنم و روزه میگیرم و افطار میکنم و زنان میگیرم و میخورم گوشت را و کسیکه نفرت کرد از سنت من پس نیست از من پس تامل کن وقتیکه بعض صحابه اراده انقطاع کردند در عبادت را فرموده شد در حق او و این کلام سخت و صیغه کرد فعل او را نفرت از سنت پس چیست گمان تو بغیر این از بدعات و چیست گمان تو بغیر صحابه رضی

باب در بیان قول خدای تعالی پس برابر کن روی خود را برای دین مائل از همه ادیان باطله لازم گیرید دین خدا را آن دین که پیدا کرده است مردمان را بر آن بدل نمیشود دین خدا را ولکن اکثر مردمان نمیدانند و قول او تعالی وصیت کرد بآن ابراهیم پسران خود را و یعقوب ای پسران من هر آئینه خدا برگزیده است شما را دین پس نمیرید مگر آنکه شما مسلمان باشید و قول او تعالی باز وحی فرستادیم بتو آنکه پیروی کن ملت ابراهیم حنیف را و نبود از مشرکان **و** روایتست از ابن مسعود رض آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود هر آئینه هر نبی را دوستان اند از پیغامبران و هر آئینه دوست من از ایشان پدر من است ابراهیم و خلیل پروردگار من باز خواند هر آئینه نزدیکترین مردمان با ابراهیم هر آئینه کسانند که پیروی او کردند و این نبی ست و کسانند که [illegible] آوردند و خدا دوست مومنان ست روایت کرده است این حدیث را ترمذی **و** روایتست از ابو هریره رض که گفت او فرموده است رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر آئینه خدا نمی بیند بصورتهای شما و نه بمالهای شما ولکن می بیند بدلهای شما و عملهای شما **و** در صحیحین است از ابن مسعود رض که گفت او فرموده است رسول خدا صلی الله علیه وسلم

٣٨

پیش خانه شما ام بر حوض و هر آینه برداشته شود بمن مردمانی از است من تا آنکه قصد کنم
که بدهیم ایشانرا در پرده شوند از طرف من پس گویم ای پروردگار من اصحاب من اند پس
گفته شود هر آئینه تو نمیدانی که چه پیدا کردند پس از تو و مر صحیحین راست از ابی هریره رض آنکه
رسولخدا صم فرمود دوست میدارم آنکه ما سیدیدیم برادران خود را گفتند اصحاب آیا
نیستیم ما برادران تو ای رسولخدا فرمود شما یاران ما اید و برادران ما آنانند که نیامده
اند هنوز گفتند پس چگونه شناسی کسی را که نیامده است هنوز از امت خود فرمود خبر دهید
مرا اگر مردی باشد او را اسپان سفید پیشانی دپای در میان اسپان سیاه نهایت
سیاه آیا نخواهد شناخت اسپان خود را گفتند آری پس هر آئینه ایشان بیایند سفید
پیشانی و سفید دست و سفید پای از اثر وضوء و من پیش خانه ایشانم بر حوض خبردار
البته منع کرده شود مردان در روز قیامت از حوض من چنانچه منع کرده میشود
شتر گم شده آواز دهم ایشانرا خبردار بیائید پس گفته شود هر آئینه ایشان بدل کردند
دین را پس از تو پس گویم باد ایشانرا لعنت و مر بخاری راست در آنمیان من ایستاده
بودم ناگاه گروهی بود تا آنکه شناختم ایشانرا بیرون رفت مردی در میان من و
ایشان پس گفت بیائید پس گفتم کجا گفت بسوی آتش قسم بخدا گفتم چیست
حال ایشان فرمود هر آئینه ایشان مرتد شدند پس از تو بر پشتهای خود گردنده بر پاشنهای
باز ناگاه گروهی بود پس شناختم ایشانرا پس نبینم که رهائی یابد از ایشان
مگر مانند گم شدگان شتران و مر صحیحین راست در حدیث ابن عباس پس گویم چنانچه
گفته است بنده صالح و بودم من بر ایشان گواه تا وقتیکه بودم در ایشان پس چون
قبض کردی مرا بودی تو نگهبان و تو بر هر چیز گواهی و مر صحیحین راست از ابن
عباس رض مرفوعاً نیست هیچ زائیده که زائیده میشود مگر بر اسلام پس مادر و پدر او یهودی
سیگرداند او را یا نصرانی یا مجوسی چنانچه می زاید چارپای چارپای درست اندام

٣٩

آیه‌ای باید و در آن هیچ گوش بریده تا که شوید شما....... گوش میبرید او را باز خواند

ابوهریره لازم گیرید دین خدا را آنکه پیدا کرده است مردمانرا بر آن روایت کرده است

این حدیث در صحیحین و در روایتی از حذیفه رض گفت بود مردمان که می پرسیدند

رسول خدا را صلعم از خیر و من می پرسیدم او را از شر از ترس آنکه بیابد مرا پس گفتم ای

رسول خدا هر آینه ما بودیم در جاهلیت و شر پس آورد ما را خدا این خیر پس آیا هست بعد

ازین خیر هیچ شر فرمود آری پس گفتم و آیا هست پس ازین شر خیر فرمود آری

و در آن دود باشد گفتم و چیست دود وی او فرمود قومی باشند که عمل کنند بغیر سنت

من و بروند بغیر طریقه من نیک بد بینی از ایشان گفتم آیا هست پس از آن خیر شر

فرمود بلی فتنه باشد سخت و خوانندگان بر در دوزخ [illegible] هر که اجابت ایشان کرد

انداخت او را در دوزخ گفتم ای رسول خدا بیان کن حال ایشان را برای ما فرمود

قومی است از گروه ما و سخن گویند بزبانهای ما گفتم ای رسول خدا چه حکم است مرا اگر

یافتم ایشان را فرمود لازم گیر جماعت مسلمانان را و امام ایشان را گفتم پس اگر نباشد ایشان را

جماعتی و نه امامی فرمود پس کناره شو ازین گروهها همه آن [illegible] اگر چه

[illegible] تا آنکه بیاید ترا مرگ و تو برین حال باشی روایت کرده است این حدیث را شیخین

و زیاده کرده است مسلم باز چه چیز است فرمود باز بیرون شود دجال با او نهری باشد

و دوزخ پس کسیکه افتاد در دوزخ او واجب شد اجر او گفتم باز چه چیز است فرمود باز

قیام قیامت است گفته است ابو العالیه بیاموزید اسلام را پس چون بیاموختید آنرا

پس نفرت نکنید از آن و لازم گیرید راه برابر را پس هر آینه آن اسلام است و نگردید

از راه بطرف چپ نه بطرف راست و لازم گیرید سنت نبی خود را [illegible] و بپرهیزید ازین

خواهشها تا آخر بیند کلام او فکر کن در کلام ابو العالیه [illegible] که چه بزرگ است

او و عالم ترین زمانه خود است از زمانه که میترسانید در آن از این خواهشها کسیکه

پیروی آن کرد پس تحقیق نفرت کرد از اسلام و در تفسیر اسلام بسنت و ترسیدن بعلام
تابعین و علما ایشان از بیرون شدن از سنت و کتاب واضح شود ترا معنی قول او
تعالی وقتیکه گفت او را پروردگار او منقاد شو و قول او تعالی و وصیت کرد بآن ابراهیم
پسران خود را و یعقوب هم ای پسران هر آئینه خدا برگزیده است برای شما دین را پس نمیرید
مگر مسلمان و قول او تعالی و کیست که نفرت کند از ملت ابراهیم مگر کسیکه نشناخت نفس خود را و
مانند این اصول کلان آنکه این اصل اصول اند و مردمان از آن در غفلت اند و بشناختن
آن واضح شود معنی احادیث درین باب و امثال آن و اما آن آدمی که میخواند آن احادیث
را و مانند آن و حال آنکه او آرام کننده باشد که آن نمیرسد با و و می پندارد و آنرا در قومی
که بودند پس ایمن شدند از مکر خدا پس ایمن مشو و از مکر خدا مگر گروه زیان کاران و روایت
ست از ابن مسعود گفت خط کشید ما را رسول خدا صلی الله خطی باز فرمود این ست دین خدا باز خط
کشید خطها از طرف راست او و از طرف چپ و باز فرمود اینست راه ها بر هر راه ازین شیطان
ست که میخواند بطرف آن راه و خواند و هر آئینه این راه من ست برابر پس تابعداری او کنید و
پیروی نکنید راهها را پس پراگنده کند شما را از راه خدا روایت کرده است اینحدیث را
احمد و نسائی باب در بیان آنچه آمده است در غربت اسلام و فضیلت غربا و قول خدای تعالی
پس چرا نشدند از آن قرنها که پیش از شما بودند اهل خرد که منع کنند از فساد در زمین الا اندکی
از آن جماعت که خلاص ساختیم ایشان را از میان ایشان تا آخر آیه و روایت از ابوهریره مرفوعا
پیدا شده است اسلام غریب و از زود است که بگردد غریب چنانچه پیدا شده بود پس خوشی است
غربا را روایت کرده است این حدیث را مسلم و روایت کرده است اینحدیث را احمد از حدیث
ابن مسعود و در اینحدیث است گفت غربا فرمود کشیده شدگان از قبیلها و آنکه اصلاح
میکنند وقتیکه فساد کنند مردمان و مر ترمذی راست از روایت کثیر بن عبدالله از پدر
خود از جد او خوشی است غربا را آنکه اصلاح میدهند چیزی را که فاسد کردند مردمان از سنت

٩١

وعن ابي امية قال سألت ابا ثعلبة فقلت كيف تقول في هذه الآية يا ايها الذين آمنوا عليكم انفسكم لا يضركم من ضل اذا اهتديتم قال اما والله لقد سألت عنها خبيرا سألت رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال بل ائتمروا بالمعروف وتناهوا عن المنكر حتى اذا رأيت شحا مطاعا وهوى متبعا ودنيا مؤثرة واعجاب كل ذي رأي برأيه فعليك بنفسك ودع عنك العوام فان من ورائكم ايام الصبر فمن صبر فيهن مثل قبض على الجمر للعامل فيهن مثل اجر خمسين رجلا يعملون مثل عمله قالوا يا رسول الله اجر خمسين منهم قال اجر خمسين منكم رواه الترمذي وابن ماجه

ﺳﻦ و روایت ست از ابو امامه که گفت او سوال کردم ابو ثعلبه را چه میگوئید درین آیة ای کسانیکه
ایمان آوردند لازم گیرید نفسهای خود را ضرر نمیرساند شما را کسیکه گمراه شده هست وقتیکه راه یابید
شما گفت واگاه باش قسم بخدا البته تحقیق سوال کردم ازین آیت عالم را سوال کردم رسول
خدا صلی الله علیه وسلم را پس فرمود بلکه امر کنید بنیکی و منع کنید از بدی تا وقتیکه ببینید بخل اطاعت کرده
شده را و خواهش پیروی کرده شده را و دنیای برگزیده شده را و خوشی هر صاحب رای را
برای خود پس لازم گیرید نفس خود را و بگذارید امر عوام را پس هر آئینه پس از شما روزها اند صبر
اند ران روزها مانند در مشت گرفتن اخگرست مر عامل را در آن روزها ثواب پنجاه آدمست
که عمل کننده مانند عمل شما گفتیم پنجاه آدم از ما یا از ایشان فرمود بلکه از شما روایت کرده هست
اینحدیث را ابو داود و ترمذی و روایت کرده است ابن ماجه همین اینحدیث را از روایت
ابن عمر و لفظ آن اینکه هر آئینه پس از شما روزها اند صبر کننده را در آن و در آن چنگ زننده بچیز
خود باشد آنچه شما اید بر آن امروز مر او را ست ثواب پنجاه شخص از شما باز گفت خبر کرد ما را
محمد ابن سعید خبر داد ما را اسد که گفت سفیان بن عیینه از اسلم بصری از سعید برادر حسن مرفوع
میکرد اینحدیث را که فرمود رسول خدا هر آئینه شما امروز بر حجتی هست از پروردگار خود امر میکنید بنیکی
و منع میکنید از بدی و جهاد میکنید در راه خدا و ظاهر نشده هست در شما مستی
جهل و مستی حب عیش و شتاب ست که بگردید از ینحالت پس تمسک کننده آن روز بکتاب و سنت
مر او را ست ثواب پنجاه گفته شد از ایشان فرمود بلکه از شما و ابن ماجه هست از معاذ
که گفت او گفت رسول خدا خوشی ست غریبان را آن غریبان که چنگ میزنند بکتاب وقتیکه
ترک کرده شود و عمل میکنند بسنت وقتیکه فرو نشانده شود و باب در بیان ترسانیدن از
بدعات و روایت ست از عرباض بن ساریه گفت او وعظ کرد ما را رسول خدا صلی الله علیه وسلم
تمام گفتیم ما گویا که این وعظ وداع کننده هست پس وصیت کن ما را فرمود او وصیت میکنم
شما را بتقوی خدا عز و جل و شنیدن و پیروی کردن و اگر چه امیر شود بر شما غلام حبشی و هر آئینه

۴۳

تلمیح قلنا یا رسول الله کانها موعظة مودع فاوصنا قال اوصیکم

کسیکه ماند از شما پس شتابست که ببیند اختلاف بسیار پس لازم گیرید سنت مرا و سنت خلفاء راه
یابندگان هدایت شده گان را بدندان آسیا گزید آنرا و پرهیز کنید از کارهای نو پدید پس هر آینه
هر بدعت گمراهیست گفته است ترمذی حدیثیست حسن صحیح و روایتست از حذیفه رضه گفت
او هر عبادتی که عبادت نکرده است آنرا اصحاب محمد پس نکنید آن عبادت را پس هر آینه اول
نمانده است برای پسین جای گفتن پس بترسید از خدای گروه قاریان و گیرید راه آنانکه پیش از
شما بودند روایت کرده است این حدیث را ابو داود و گفته است دارمی خبر داد ما را حکم بن
مبارک خبر داد ما را عمرو بن یحیی گفت شنیدم از پدر خود که روایت میکرد از پدر خود
گفت بودیم ما که می نشستیم بر دروازه ابن مسعود پیش از نماز صبح پس چون بیرون می آمد
رفتیم با وی تا مسجد پس آمد پیش ما ابو موسی اشعری پس گفت آیا بیرون آمده است ابو عبد
الرحمن گفتیم نه پس نشست با ما پس چون بیرون آمد وی گفت ابو موسی ای ابا عبد الرحمن
هر آینه من دیدم درینوقت در مسجد کاری را که بد پنداشتم آنرا و ندیدم و حمد خدا راست مگر
خیر گفت پس چیست آن پس گفت اگر زنده ماندی پس زود است که ببینی آنرا گفت دیدم
در مسجد حلقه های جمع نشسته انتظار نماز میکردند در هر حلقه مردی بود و بود در دستهای
ایشان سنگریزها بود پس میگفت آن تسبیح بگوئید صد بار پس تسبیح میگفتند صد بار پس میگفت تکبیر
گوئید صد بار پس تکبیر میگفتند صد بار پس میگفت لا اله الا الله گوئید صد بار پس لا اله الا
الله میگفتند صد بار گفت ابن مسعود پس چه گفتی ایشانرا گفت ابو موسی نگفتم ایشانرا چیزی
انتظار رای تو میکردم گفت او پس چرا امر نکردی ایشانرا آنکه بشمارند گناهان خود را و
ضامن میشدی که ضایع نشود از نیکیهای ایشان چیزی باز گذشت تا آنکه آمد حلقه از
ایشان پس گفت چیست این گفتند ای سنگریزهاست میشماریم بآن تکبیر و تسبیح را
فرمود پس بشمارید گناهان خود را پس من ضامنم که ضایع نکند از حسنات شما چیزی را
افسوس است شما را ای امت محمد چه قدر شتابست هلاکت شما اینست اصحاب پیغمبر شما

۴۳

+ یا اباعبد الرحمن

پس لیستاد بر استان

بسیار روایت است جامه های او که کهنه شده است و آویزهای ایشان است که شکسته شده است قسم بآن ذات که نفس من بدست اوست شما بر طریقه هستید که سوای طریقه محمد است وکشایندگان دروازه گمراهی هستید گفتند قسم بخدا ای ابا عبد الرحمن اراده نکرده ایم مگر خیر گفت بسیار اراده کنندگان خیر اند که نرسیده اند بآن هر آینه رسول خدا صلی الله علیه وسلم حدیث فرموده است مارا که هر آئینه قومهای بود که میخوانند قرآن را نمیگذرد از گلوهای ایشان قسم بخدا نمیدانم شاید که اکثر ایشان از شما باشند گفته است عمرو بن سلمه دیدیم جامه ایشان را که نیزه میزدند مارا در روز نهروان با خوارج این اخرجه الدارمی

بسم الله الرحمن الرحیم ط

کتاب در بیان گناهان کبیره و قول خدا تعالی اگر پرهیز کنید از کبائر منهیات نابود سازیم از شما صغائر شمارا تا آخر آیه و قول خدا تعالی کسانیکه احتراز میکنند از کبائر و بیحیائی مگر صغائر تا آخر آیه روایت کرده است ابن جریر از ابن عباس رض که گفت کبایر هر گناهی است که تمام کرده است آنرا خدا تعالی به آتش یا لعنت یا غضب یا عذاب و ابن جریر راست از ابن عباس که گفت و آن کبائر تا هفتصد است اقرب از آن تا هفت است مگر آنکه نیست کبیره با استغفار و نیست صغیره با همیشگی و عبد الرزاق راست گفت ابن عباس آن تا هفتاد است اقرب است از آن تا هفت است **باب** در بیان بزرگترین کبائر در صحیحین است از ابو بکره گفت او فرمود رسول خدا صلی الله آیا خبر ندهیم شمارا به بزرگترین کبائر گفتیم آری ای پیغمبر خدا فرمود شریک مقرر کردن با خدا است و رنج دادن مادر و پدر را است و بود تکیه کننده پس نشست پس فرمود خبردار و گفتن دروغ است خبردار باشید و گواهی دروغ است پس همیشه بود که مکرر میکرد این سخن را تا وقتیکه گفتیم کاشکی خاموش شود او **باب** بیان های کبائر دل روایت است از ابو هریره که گفت او فرموده است رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر آئینه خدا نمی بیند بصورتها

دلهای شما و لکن می بیند بدلهای شما و عملهای شما روایت کرده است این را مسلم و روایت است از
نعمان بن بشیر مرفوعاً خبردار باشید و هر آئینه در بدن قطعه گوشت است چون نیک شود نیک شود
بدن همه و چون خراب شود خراب شود بدن همه خبردار باشید و آن دل است باب بیان کبر
است و قول خدا تعالی هر آئینه خدا دوست نمیدارد هر متکبر خود پسند را و فرموده است خدا تعالی
پس البته بد است جای کبر کنندگان روایت است از ابن مسعود که گفت او فرموده است رسول
خدا صلی الله علیه وسلم داخل نخواهد شد در بهشت کسیکه در دل او باشد بقدر ریگی ذره از کبر پس گفت مردی ای
رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر آئینه آدمی دوست میدارد که باشد جامه او خوب و پیزار او خوب فرمود هر آئینه
خدا شایسته است دوست میدارد شایستگی را کبر رد کردن حق است و حقیر دانستن مردمان روایت
کرده است این را مسلم و مر بخاری راست از حارثه بن وهب آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود آیا خبر
ندهم شما را باهل دوزخ هر سرکشی خود پسندی متکبری است عتل سخت گوی سخت دل و جواظ
گفته شده است متکبر فربه است و گفته شده است ثابت قدمی شکم کلان است و بطر حق رد است
و عمیکه بیاید بتو و غمط الناس حقیر دانستن ایشان است و مر احمد راست و تصحیح آن کرده است
ابن حبان از روایت ابو سعید که مرفوع میکرد آنرا کسیکه تواضع کند برای خدا یک زینه بلند کند
او را خدا بسبب آن یک زینه تا آنکه بگرداند او را در بالاتر علیین و کسیکه تکبر کند بر خدا یک زینه
زیر کند او را خدا بسبب آن یک زینه تا آنکه بگرداند او را در زیر ترین زیران و طبرانی راست
از ابن عمر مرفوع میکرد آنرا بپرهیز کنید از کبر پس هر آئینه کبر می باشد در مرد و بر وی شمله
میباشد و راویان این حدیث ثقه اند باب بیان عجب است و قول خدا تعالی و کسانیکه ایشان
از عذاب پروردگار خود ترسندگانند روایت کرده شده است از ابن مسعود آنکه وی گفت
هلاکت در دو چیز است در ناامیدی و خود پسندی روایت است از ابو بکره رضی الله عنه آنکه مردی ذکر
شد نزدیک رسول خدا صلی الله علیه وسلم پس ثنای خوب گفت بر وی مردی پس فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم وای
بر تو بریدی گردن برادر خود را میفرمود این را چند بار باز فرمود اگر باشد یکی از شما

۴۵

باب الرياء والسمعة

وقول الله تعالى فمن كان يرجوا لقاء ربه فليعمل عملا صالحا ولا يشرك بعبادة ربه احدا

عن جندب بن عبد الله قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من سمع سمع الله به ومن يرائي يرائي الله به متفق عليه

٤٦

معناه من سمع بعمله الناس ليعظموه سمّع الله به الناس يوم القيمة وفضحه ومن اظهر العمل الصالح للناس ليعظموه عندهم يرائي به الله وفضحه على رؤس الناس

عن ابن عمر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم انما الاعمال بالنيات وانما لكل امرئ ما نوى متفق عليه

عن ابي هريرة مرفوعا ان اول الناس يقضى عليهم يوم القيمة رجل استشهد

وصف کنند خواه نخواه پس گویا ایشان میدارند او را چنین و چنان اگر میدید او را چنین حساب کننده او خداست و پاک کرده نشود بر خدا کسی روایت کرده است این حدیث را بخاری و مسلم و مر احمد راست این حدیث از حارث بن معاویه آنکه او گفت مر عمر را هر آینه ایشان گفت و شنود میکنند با من پس وعظ گفت میترسم از آنکه وعظ کنی پس بلند شوی بر ایشان در نفس خود باز وعظ کنی پس بلند شوی تا آنکه در خیال آورده شود ترا آنکه تو بالای ایشان مانند پروین پس زیر کند خدا عز و جل زیر قدمهای ایشان در روز قیامت بقدر آن و مر بیهقی راست این از انس مرفوعا که اگر گناه کنید البته میترسم بر شما از چیزی که آن سخت تر است از آن خود پسندی

باب بیان نمود اری و شنوانیدن و قول خدای تعالی پس کسیکه امید میدارد بر ملاقات پروردگار خود پس باید کند عمل نیکو و شریک نکند در عبادت پروردگار خود کسی را روایت است از جندب بن عبد الله گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بشنواند رسوا کند او را خدا و کسیکه می نماید بنماید او را خدا روایت کرده است این را شیخین گفته شده است معنای حدیث اینکه کسیکه بشنواند رسوا کند او را خدا روز قیامت و معنی من یرائی کسیکه ظاهر کند عمل صالح مردمان را تا که بزرگ شمرده شود نزدیک ایشان یرائی الله به گفته شده است معنیش آنکه ظاهر کند خدا نیت او را و مر شیخین راست از ابن عمر که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر آینه قبولیت اعمال بر نیت هاست و هر شخصی راست آنچه نیت کرده است او و مسلم راست از ابو هریره مرفوعا هر آینه اول مردمان که حکم کرده شود بر ایشان در روز قیامت سه شخص است مردی است که شهید کرده شد در راه خدا پس آورده شود او پس بشناساند او را نعمتهای خود پس بشناسد آنرا گوید خدا پس چه عمل کردی در آن گوید جنگ کردم در راه تو تا آنکه شهید شدم گوید دروغ گفتی ولکن تو جنگ کردی تا که گفته شود دلیر است پس تحقیق گفته شد باز امر کرده شد و با پای او کشیده شود بر روی خود تا آنکه انداخته شود در آتش و مردی است که آموخت علم را و آموخت آنرا بدیگران و خواند قرآن را پس آورده شود او

پس یاد دهد او را نعمتهای خود پس بشناسد آنرا گوید پس چه عمل کردی در آن گوید آموختم در راه تو علم را و آموختم آنرا بدیگران و خواندم در راه تو قرآن را گوید دروغ گفتی و لکن آموختی علم را تا گفته شود عالم ست و خواندی قرآن را تا گفته شود که او قاری ست پس تحقیق گفته شد پس امر کرده شود باو پس کشیده شود بر روی خود تا آنکه انداخته شود در آتش و مردی ست که وسعت کرده باشد بروی و داده باشد او را از اقسام مال پس آورده شود او پس یاد دهد او را نعمتها خود پس بشناسد آنرا گوید پس چه عمل کردی در آن گوید نگذاشتم هیچ راه که دوست داشتی که خرج کرده شود در آن مگر خرج کردم در آن برای تو گوید دروغ گفتی و لکن تو کردی که گفته شود وی سخی ست پس تحقیق گفته شد پس کشیده شود بر روی خود تا آنکه انداخته شود در آتش روایت کرد ترمذی در این حدیث آنکه معاویه چون شنید این حدیث را گریه کرد و باز گفت قول و تعالی را کسیکه باشد میخواهد زندگانی دنیا را و زینت آنرا تا آخر آیه باب در بیان خوشی و قول خدا هر آینه بود او در اهل خود خوش شده و قول خدا هر آینه ما بودیم در اهل خود ترسندگان تا آخر آیه و قول خدا پس چون فراموش کردند چیزی را که پند داده شدند بآن تا آخر آیه و روایت ست از ابو محمد عبد الله بن عمرو بن العاص آنکه رسول خدا صلی الله فرمود مومن نیست یکی از شما تا آنکه شود خواهش او تابع چیزیکه آمدم بآن و قول خدا پس اگر نزاع کنید در چیزی پس رد کنید حکم آنرا بخدا و رسول باب در بیان عداوت و دشمنی

باب در بیان بیحیائی و قول خدا تعالی هر آینه کسانیکه دوست میدارند آنکه مشهور شود بیحیائی در مومنان تا آخر آیه و قول خدا و قتیکه خیرخواهی خدا و رسول و کنند باب در بیان دوستی با دشمنان خدا و قول و تعالی نخواهی یافت قومی را که ایمان دارند بخدا و روز آخر که دوستی کنند با کسی که خلاف کرده است با خدا و رسول او و اگرچه اینجا عه باشند پدران ایشان یا پسران ایشان یا برادران ایشان یا خویشاوندان ایشان مومنان که با کافران دوستی ندارند نوشته است خدا در دل ایشان ایمان را و قوت داده

۴۷

باب الفرح

العاص ان رسول الله صلی الله علیه وسلم قال لا یومن احدکم حتی یکون هواه

و قول خدا تعالی بگو اگر باشند پدران شما و پسران شما و برادران شما و زنان شما تا قول او
تعالی و خدا راه نمی نماید گروه ظالمانرا و قول او تعالی و میل مکنید بطرف ظالمان تا آخر آیه گفته است او
راضی نشوید بعملهای ایشان و روایت کرده است ابن عباس که میل مکنید بایشان میل تمام در محبت و
نرمی گفتن و دوستی و روایتیست از ابن مسعود آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود که مرد با شخصیست که دو
ستدار داورا روایت کرده است این را در صحیحین باب بیان سختی دل و قول او تعالی پس بسبب
شکستن ایشان عهد خود را لعنت کردیم بر ایشان و ساختیم دلهای ایشانرا سخت و قول او تعالی
خدا فرستاده است بهترین سخن کتاب هم رنگ تا آخر آیه و قول او تعالی آیا وقت نرسیده است مسلمانانرا
که نیایش کنند دل ایشان وقت یاد کردن خدا تا آخر آیه روایت است از ابن عمر مرفوعا رحم
کنید رحم کرده شوید و عفو کنید بخشش کرده شوید و شمارا سخت عذابست مر اقماع قول را و ویل
ست مر آن همیشگی کنندگانرا که همیشگی میکنند بر آنچه کردند و ایشان میدانند روایت کرده است
این حدیث را احمد و مر ترمذی راست از ابن عباس مرفوعا بسیار مکنید سخن پس هر آئینه بسیاری
سخن بغیر ذکر سختی است دلهارا و هر آئینه دورترین مردمان از خدا دل سخت است و مر
صحیحین راست از جریر مرفوعا کسیکه رحم نمیکند بر مردمان رحم نمیکند بر او خدا باب بیان
ضعف دل و قول او تعالی و بر بستیم بر دلهای ایشان تا آخر آیه و قول او تعالی آیا گمان کردند مردمان
آنکه گذاشته شوند بر آنکه میگویند ایمان آوردیم و ایشان آزمائیده نشده اند و هر آئینه آزمائیدیم
کسانی را که پیش از ایشان بودند تا آخر آیه و قول او تعالی گفتند ای موسی هر آئینه در آن هست
قومی جبارند و ما در رو و قول او تعالی و از مردمان کسی هست که میگوید ایمان آوردیم بخدا پس چون ایذا
داده شود در راه خدا تا آخر آیه و مر صحیحین راست از ابن عمر مرفوعا مسلمان کسی است که سلامت
باشند مسلمانان از زبان او و دست او و مهاجر کسی است که گذاشت چیزی را که منع کرده است خدا
از آن باب بیان آفات زبان باب در بیان ترسانیدن از شر زبان و قول خدا تعالی
و بندگان رحمن کسانند که میروند بر زمین بتواضع و وقتیکه گفتگو کنند با ایشان بیخردان

۷۸

گویند سخن سلامت است از گناه و قول او تعالی و چون بشنوند بیهوده را اعراض کنند از آن و قول او
تعالی نمیگوید هیچ مگر نزدیک او نگهبانست تیار روایت است از ابو هریره مرفوعا کسیکه ایمان
می آرد بخدا و روز آخرت پس گوید سخن خیر یا خاموش شود روایت کرده است این را صحیحین و هم
صحیحین راست از سهل بن سعد مرفوعا کسیکه ضامن شود مارا از چیزیکه درمیان دو لب او
و درمیان دو پای اوست ضامن بهشت شوم من او را و روایت است از سفیان بن عبد الله
که گفت او گفتم ای رسول خدا چه چیز است که بسیار بترسی بر من از آنچیز پس گرفت زبان خود را
باز فرمود از این گفته است ترمذی حسن صحیح است و هم ترمذی راست و تصحیح آن کرده است
از معاذ که گفتم ای رسول خدا ... و هر آئینه ما گرفتار خواهیم شد بآنچه سخن میزنیم بآن فرمود گم
کند ترا مادر تو و نمی اندازد مردمانرا در آتش بر رویهای ایشان یا بر بینیهای ایشان مگر درو کرده
زبانهای ایشان و هم ترمذی راست از ابو سعید مرفوعا وقتیکه صبح کند پسر آدم پس هر آئینه اندامها
همه آن عاجزی میکنند پیش زبان میگویند بترس از خدا در حق ما پس هر آئینه ما قائم بتو ایم و تو
پس اگر راست شدی راست شویم و اگر کج شدی کج شویم قوله تکفر یعنی تذلل و عاجزی
میکنند و روایت است از ابو هریره مرفوعا هر آئینه بنده البته سخن میکند بیک سخن فکر نمیکند در
آن می افتد بسبب آن در دوزخ دورتر از آنچه درمیان مشرق و مغرب است روایت
کرده است این را صحیحین و هم ترمذی راست و تصحیح آن کرده است از بلال بن الحارث مرفوعا
که هر آئینه مرد البته سخن میکند بیک سخن از رضامندی خدا گمان نمیکند که رسیده باشد بجائی که رسیده
است آن نوشته میکند او را خدا بسبب آن رضامندی خود تا روزی که ملاقات او کند و هر آئینه
مرد سخن میکند بیک سخن از غضب خدا تعالی گمان نمیکند که رسیده باشد بجای که رسیده باشد
آن نوشته میکند او را خدای تعالی بسبب آن غضب خود تا روزی که ملاقات او کند و مسلم راست
از جندب بن عبد الله مرفوعا آنکه مردی گفت قسم بخدا بخشش نخواهد کرد خدا فلانرا پس گفت
خدای عز و جل کیست آنکه قسم میکند بر من که آمرزش نخواهم کرد فلانرا پس تحقیق بخشیدم او را

٨٩

اتق الله فینا فانما نحن بک فان استقمت استقمنا وان اعوججت اعوججنا

وضبط کردم عمل تو باب در بیان آنچه آمده است در بسیاری سخن و قول خدا تعالی و هر آینه بر شما

نگهبانانند تا آخر آیه روایت ست از مغیره مرفوعا هر آینه خدا حرام کرده است بر شما ایذا

دادن مادران و زنده در گور کردن دختران و منع و خواستن و مکروه ساخته است شما را

قیل و قال و بسیاری سوال و ضایع کردن مال روایت کرده است این حدیث را صحیحین و در روایت

از جابر مرفوعا هر آینه از دوست ترین شما بمن و نزدیک ترین شما بمن از روی مجلس در روز قیامت

نیکوترین شماست از روی اخلاق و هر آینه بدترین شما بمن و دورترین شما از من در روز قیامت

بسیار سخن کنندگان بی باکی کنان در سخن کشاینده گان دهان بسخنان حسن گفته است این را ترمذی

باب در ذم بی باکی در کلام و تکلف در فصاحت و قول خدا تعالی و چون می بینی ایشان را

بشگفت می آرد ترا بدان ایشان تا آخر آیه روایت ست از [illegible] مرفوعا هر آینه خدا بد میدارد

را از مردان آنکه میگرداند زبان را چنانچه میگرداند گاو زبان خود در [illegible] گفته است این را ترمذی

و روایت از ابو هریره مرفوعا کسیکه آموخت انواع کلام را تا [illegible] بآن دلهای مردان

زنان قبول نکند خدا از و در روز قیامت فرض و نه نفل روایت کرده است این حدیث را ابو

داود و و احمد ست از معاویه که لعن کرده است رسول خدا صلی الله علیه و سلم کسانیکه پاره میکنند سخن را

مانند پاره کردن شعر باب در ذم سختی مجادله و قول خدا تعالی و او سخت ترین ستیزندگان

است روایت ست از عائشه رض مرفوعا که [illegible] دشمن ترین مردان نزد خدا آن سخت

ستیزه کننده است و مر ترمذی راست از ابن عباس مرفوعا [illegible] گناه آنکه همیشه ستیزه

کننده باشی باب در ذم کسیکه غیبت میکند از مردان [illegible] از زبان و قول

قول خدا تعالی و ای مر عیب کننده [illegible] گوینده [illegible] از عائشه رض آنکه رسول

خدا [illegible] هر آینه [illegible] مردان نزد خدا از روی [illegible] در روز قیامت کسی است

که گذاشته باشند او را [illegible] باشد [illegible]

فحش او باب در ذم بی شرمی در سخن و قول خدا تعالی و کسانیکه گواهی دروغ [illegible]

و چون بگذرد بر بیهوده بگذرد بروش بزرگان روایت است از ابن مسعود مرفوعاً
نیست مومن عیب کننده و نه لعنت گوینده و نه بیحیا و نه بی‌شرم حسن گفته است و مر ترمذی
راست و تصحیح آن کرده است از ابو الدردا مرفوعاً نیست هیچ چیز گران‌تر در ترازوی مؤمن
در روز قیامت از نیکی خلق و هر آینه خدا دشمن میدارد آن بی‌شرم بیحیا را که سخن میکند به بیحیائی
و مر مسلم راست از عائشه رضه مرفوعاً هر آینه نرمی نباشد در هیچ چیز مگر زینت میکند آنرا و کشیده
نمیشود از هیچ چیز مگر معیوب میکند آنرا و مر ترمذی راست از ابن مسعود رض مرفوعاً آیا خبر دهم
شما را بکسیکه حرام کرده میشود بر دوزخ و کسیکه حرام کرده میشود بر روی دوزخ حرام کرده
میشود بر هر نزدیک آسان نرم سهل و مر مسلم راست از جریر مرفوعاً که کسیکه محروم شد
از نرمی محروم شد از خیر همه آن باب دربیان آنچه آمده است در دروغ و قول خدا تعالی
جز این نیست که می بندد دروغ کسانیکه ایمان نمی آرند آیتهای خدا و آنان ایشانند دروغ
گویان و قول خدا تعالی ویل است هر دروغگوی گناه گار را روایت است از ابن
مسعود رض مرفوعاً هر آینه راستی راه می نماید به نیکی و هر آینه نیکی راه می نماید به بهشت
و هر آینه آدمی راست میگوید و قصد میکند راستی را تا آنکه نوشته کرده میشود نزدیک خدا
نهایت راست گوی و هر آینه دروغ راه می نماید به بدکاری و بدکاری راه می نماید
بدوزخ و هر آینه آدمی دروغ میگوید و قصد دروغ میکند تا آنکه نوشته کرده میشود
نزدیک خدا نهایت دروغگوی روایت کرده است این را صحیحین و در موطاست بلاغاً همیشه
می باشد آدمی که دروغ میگوید پس خال کرده شود در دل او خال سیاه تا آنکه سیاه شود
دل او پس نوشته کرده میشود نزد خدا از دروغ گویان و در موطاست از صفوان
بن سلیم که گفتیم یا نبی خدا آیا می باشد مومن بددل فرمود آری گفته شد آیا می باشد مومن
بخیل فرمود آری گفته شد آیا می باشد مومن بسیار دروغ فرمود نه و مر ترمذی راست
از ابن عمر که وقتیکه دروغ گوید بنده دور میشود از وی فرشته یک میل باب دربیان آنچه

آمده است در عهد شکنی و قول او تعالی پس خدا تعالی عاقبت حال ایشان ساخت نفاق
در دل ایشان روایت است از ابو هریره رض آنکه رسول محمد صلی الله علیه وسلم فرمود نشانهٔ منافق سه
است چون سخن کند دروغ گوید و چون وعده کند مخالفت کند و چون امانت داده شود
خیانت کند روایت کرده است این را صحیحین و در صحیحین است از ابن عمر رض مرفوعا که چهار
چیز است کسیکه باشد آن چهار چیز در وی است منافق خالص و کسیکه باشد در وی خصلتی
از آن هست در وی خصلتی از نفاق تا وقتیکه بگذارد آنرا آنکه امانت داده شود خیانت کند
و وقتیکه سخن کند دروغ گوید و وقتیکه وعده کند غدر کند و چون مخاصمه کند دشنام
دهد باب در بیان آنچه آمده است در گفتند و قول خدا تعالی چون فرا میگرفتید آنرا
بزبانهای خویش و میگفتید بدهانهای خویش چیزی را که نبود شما را بآن علم تا آخر آیه و قول
خدا تعالی ای کسانیکه ایمان آورده اند اگر آمد شما بدکاری بخبری پس تفحص کنید تا آخر آیه روایت
است از ابن مسعود رض و حذیفه مرفوعا بد سواری مرد است گفتند روایت کرده است این
را ابو داود باسناد صحیح و در مسلم است از ابو هریره مرفوعا بس است آدمی را گناه آنکه
سخن گوید بهر چه شنود باب در بیان آنچه آمده است در دروغ و مزاح و مانند آن و
قول خدا تعالی گفتند آیا میگیری ما را مسخره تا آخر آیه روایت است از ام کلثوم دختر
عقبه مرفوعا که نیست دروغگوی کسیکه اصلاح میکند در میان مردمان پس میگوید خیر را
میرساند خیر را روایت کرده است این را صحیحین و در مسلم است نشنیدم از رسول صلی الله علیه وسلم
که رخصت میداد در چیزی از آنچه میگویند مردمان که آن دروغ است مگر در سه جای
در جنگ و در صلح کردن در میان مردمان و سخن مرد زن خود را و سخن زن شوهر خود را
و در حدیث است از عبد الله بن عمر که گفت ...
... پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

۵۲

در خانه نا گفته بود پس گفت مادرم بگیر یعنی بیا میدهم تو را پس گفت ...

را که خواهش آن دارد و خواهش ندارم شمرده میشود آن دروغ فرمود هر آینه دروغ نوشته میشود تا آنکه در زمرگی دروغ و در ترمذی است و حسن گفته است از بهز بن حکیم از پدر خود از جد او مرفوعا ویل است کسی را که سخن کند بسخن تا که بخنداند بآن قوم را پس دروغ گوید ویل است او را و ویل است او را باب در مذمت چاپلوسی و وصف انسان بآنچه نباشد در وی و قول خدا تعالی و بپرهیزید از گفتن دروغ روایت کرده است امام احمد از ابو داود و از شعبه از قیس بن سلیم شنیده بود و از طارق بن شهاب که روایت میکرد از عبد الله گفت او هر آینه آدمی بیرون میرود از خانه خود و با وی دین او باشد پس ملاقات میکند با شخصی که مر او را طرف او حاجتی باشد پس گوید او را هر آینه تو چنین و چنانی ثنا میگوید برا و شاید که ادا کند وی از حاجت او چیزی را پس غضب میشود خدا بر وی پس میگردد و نباشد از دین او چیزی باب در بیان آنچه آمده است در نهی از بودن انسان وصف کننده و قول خدا تعالی آیا ندیدی کسانیکه وصف خود میکنند و مر مسلم راست از مقداد که شخصی شروع کرد که وصف عثمان میکرد پس فرو زانو نشسته مقداد پس شروع کرد مقداد که پاشید در روی او سنگریزه پس گفت او را عثمان چیست ترا گفت هر آینه پیغمبر صلی الله علیه و سلم فرمود وقتیکه ببینید وصف کنندگان را پس بپاشید در رویهای ایشان خاک را و در مسند است از معاویه مرفوعا که بترسید از مدح باهم کردن پس هر آینه وی ذبح است باب در بیان آنچه دروغ میشود و میکند برکت را و روایت است از حکیم بن حزام مرفوعا که دو بیع کنندگان بخیار اند تا وقتیکه جدائی نکرده باشند پس اگر راست گفتند و بیان کردند برکت داده شوند و اگر دروغ گفتند و کتمان کردند عیب را محو کرده شود برکت بیع ایشان باب در بیان کسیکه گوید خواب دیدم و نه دیده باشد چیزی را و مر بخاری راست از ابن عباس رض

۵۲

۵۱ یعنی بایع و مشتری اختیار دارند در اقاله تا وقتیکه باهم جدائی کنند که در بیع بتغایه ۱۲

صرف وعالسیکه از خود بسازد خوابی و نه دیده باشد آنرا مکلف شود وانکه گره دهد درمیان دو جو
و هرگز نخواهد کرد باب در بیان مرض دل و مردن آن و قول خدا تعالی اگر منتهی نشود منافقان
تا آخر وهمه روایت است از ابو هریره گفت او فرموده است رسول خدا صلی الله علیه وسلم آینه مومن چون گناه
کند گناهی را شود نقطه سیاه در دل وی پس اگر توبه کرد و کشید خود را و طلب رضامندی خدا کرد
صیقل شود دل او و اگر زیاده کرد گناه را زیاده شود او را آن سیاهی تا آنکه غالب شود بر دل
وی پس این آن زنگ است که فرموده است خدا او آن فی سلنی بلکه زنگ بسته است بر دلهای
ایشان چیزیکه میکردند روایت کرده است این حدیث را ترمذی و گفته حسن صحیح است و گفته
اعمش نمایند ما را مجاهد دست خود و گفت بودند اصحاب می بینند دل را مانند این یعنی دست
پس چون گناه کند بنده گناهی را بند کرده شود از وی و بند کرد انگشت کوچک را این چنین پس
چون گناه کند بند کرده شود و بند کرد انگشت دیگر را تا آنکه بند کرد همه انگشتان را فرمود باز مهر
نهاده شود بمهری و بودند اصحاب میدیدند این همان است که زنگ روایت کرده است این را
ابن جریر از وکیع مانند آن و روایت است از مجاهد که گفت او زنگ آسان تر است از مهر و
آسان تر است از قفل کردن و روایت است از ابو سعید که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم دلها
چهار است یک دل صاف است در وی مانند چراغ باشد که میدرخشد و یک دل است پرده
بسته شده بر پرده وی و یک دل نگونسار و یک دل دو رخه است پس هر چه دل صاف است پس مر
مومن است پس چراغ او در دل وی نور اوست و هر چه دل پرده دار است پس دل کافر است و
هر چه دل نگونسار است پس دل منافق خالص است که شناخت حق را باز انکار کرد و هر چه
دو رخه است پس دلی است که در آن ایمان باشد و نفاق و مثال ایمان در آن مانند سبزه
است زیاده میکند آنرا آب خوب و مثال نفاق در آن مانند زخمی است زیاده میکند آنرا زرد
آب و خون پس هر یک از دو آب که غالب شود بر دیگر غلبه شد بر وی باب در بیان رضا
بگناه روایت کرده شده است از عبد الله گفت او اگر ...

عملی راه بنده رشت ابدی را آنحضرت صلی الله علیه و سلم رست که فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم نیست هیچ نبی که فرستاده
است او را خدا پیشا در امت خود پیش از من مگر بود او را از امت او دوستان خالص و یاران که
عمل میکردند بسنت او و اقتدا میکردند بامر او باز هر آئینه قصه این ست که باشند پس از ایشان
خلف میگویند آنچه نمیکردند و میکردند آنچه امر نمیشدند پس کسیکه جهاد کرد با ایشان بدست خود
پس وی مومن ست و کسیکه جهاد کرد با ایشان بزبان خود پس او مومن ست و کسیکه جهاد کند
با ایشان بدل خود پس او مومن ست و نیست وراء آن حبه خردلی از ایمان روایت کرد مسلم آن را
از ام سلمه مرفوعا هر آئینه شان هست شتاب ست که شوند بر شما سرداران پس نیک بینید
از ایشان پس کسیکه انکار کرد بر بدی ایشان پس بتحقیق پاک شد و لیکن کسیکه بد دانست بتحقیق
سلامت ماند و لیکن کسیکه راضی شد و متابعت کرد یعنی کسیکه مکروه دانست بدل خود و انکار
کرد بدل خود و در روایت غیر از صحیحین پس از لفظ و تابع پس این گروه ایشانند که
شدند گمان میبرم و این را اشارا بباب در میان آرزوی گناه و حرص بر آن و در
صحیحین ست از ابو بکره آنکه رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود چون ملاقات کنند دو مسلمان بشمشیرهای خود
پس کشنده و کشته شده در دوزخ اند گفته شد این کشنده ست پس چه حال است کشته شده را
فرمود هر آئینه او بود حریص بر کشتن صاحب خود و در حدیث از ابو کبشه انماری مرفوعا
مثال این امت مثل چهار مرد ست یکی مردیست که داده باشد او را خدا مال و علم پس او
[illegible] و دیگر مردی ست که داده باشد او را خدا علم و نداده او را
مال پس [illegible] آنچه فلان میکند و میکردم آن را
پس هر دو در ثواب برابر اند و دیگر مردی ست که داده باشد او را خدا مال و نداده او را
علم پس او در مال خود میکند آنچه نیست در آن
مردی ست که نداده باشد او را خدا مال و نه علم پس میگوید اگر بودی مرا مال بکنم
در آن مانند عمل فلان پس هر دو در گناه برابر اند روایت کرده است ترمذی باب

در بیان شک و قول خدا تعالی جز این نیست مومنان آنانند که ایمان آورده‌اند بخدا و رسول او
باز شک نکردند تا آخر آیه و قول خدا تعالی و کسانیکه ایمان می آرند بآنچه فرو فرستاده شده است
پیش از تو و بآخرت ایشان باور میکنند این گروه ایشانند بر راه راست از پروردگار ایشان و
آنگروه ایشانند رستگاران و قول خدا تعالی و چون گفته شود هر آینه وعده خدا راست است
تا قول خدا نیستیم باور کنندگان [illegible] و بود دعا میگفت در مجالس خود [illegible] آنچه [illegible]
این را خدا و حاکم [illegible] هلاک شدند بشک آرندگان و گفت ابن مسعود رض از یقین است
آنکه خوشنود نکنی کسی را بغضب خدا و ستایش نکنی کسی را بر آنچه داده است خدا و ملامت نکنی
کسی را بر آنچه نداده است ترا خدا هر آینه خدا بعلم خود و بعدل خود گردانیده است راحت و خوشی را
در یقین و گردانیده است غم و اندوه را در شک و غضب و هر آینه رزق خدا حاصل نمیکند آنرا حرص
حارص و نه رد میکند آنرا بد داشتن بد دارنده و گفت عمر در روز حدیبیه عمل کردم برای
این [illegible] و در صحیح است چشید ذائقه ایمان کسیکه راضی شد بخدا از روی پروردگاری و باسلام
دین و بمحمد از روی پیغمبری روایت کرده است این مسلم از ابن عباس تا آخر قصه باب در
[illegible] غضب و قول خدا تعالی و کسیکه ایمان آورد بخدا هدایت کند دل او را گفته است علقمه [illegible]
مرد است که برسد او را مصیبت پس بداند که آن از نزد خداست پس راضی شود و گردن نهد
روایت است از انس که گفت فرموده است رسول خدا صلعم هر آینه خدا [illegible] دوست [illegible]
گروهی را [illegible] پس کسیکه راضی شد پس او راست خوشنودی و کسیکه غضب [illegible] پس او راست
غضب روایت کرده است این را ترمذی و حسن گفته است او را باب [illegible] در میان [illegible]
و بی آرامی و قول او تعالی پس نازل کرد خدا آرامی خود را بر پیغمبر خود و بر مومنان تا آخر آیه
و قول خدا تعالی پس قسم به پروردگار تو مومن نمیشوند تا وقتیکه حاکم گیرند ترا در آنچه خلاف
واقع شود در میان ایشان و قول او تعالی نفس آرام گیرنده بذکر خدا و در صحیحین آمده است
از ابو حمزه که گفت [illegible] رسول خدا [illegible]

٥٩

پهلوان کسی ست که مالک نفس خود باشد نزدیک غضب و قوم بخاری ست آنکه شخصی
گفت برسول خدا صلی الله علیه وسلم نصیحت کن مرا فرمود غضب مکن پس بار بار سوال کرد شخص
فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم غضب مکن و روایت ست از ابوذر مرفوعاً که تحقیق رستگار شد
کسیکه خالص کرد دل او را برای ایمان و گردانید زبان خود را سلامت و زبان خود
راست و نفس خود آرام و خوی خود را برابر و گردانید گوش خود را شنونده و چشم
را بیننده پس هر چه گوش پس قمع است و اما چشم پس قرار دهنده است چیزیرا که یاد میگیرد دل و
و تحقیق رستگار شد کسیکه گردانید دل خود را نگهبان باب در بیان جهالت و قول
خدای تعالی و هر آئینه پیدا کردیم جهنم را بسیاری از جن و انس مر ایشان راد لهاست که نمی
فهمند بآن تا آخر آیه و روایت از معاویه آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه اراده کند
خدا بهتری او زیرک میکند او را در دین و در حدیث براست آنکه شک کننده هاست
که میگوید وقتیکه سوال کند از وی فرشته آه آه نمیدانم شنیده بودم از مردمان که می
گفتند چیزیرا پس گفتم آنرا باب در بیان بیحیائی و قول خدای تعالی پنهان میکنند از مردمان
و پنهان نمیکنند از خدا تا آخر آیه روایت ست از ابو مسعود بدری گفت فرمود رسول
خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه جمله آنچه یافته است مردمان از کلام پیغمبری پیشین چون شرم نکنی پس
بکن آنچه خواهی روایت کرده است این را بخاری باب در ذم حرص بر مال و عزت
روایت ست از کعب مرفوعاً که نیست دو گرگ گرسنه که گذاشته شود در گله گوسپند
بسیار خراب کننده آن از حرص آدمی بر مال و عزت دین او را صحیح گفته است این را ترمذی
باب در ذم بی صبری و بیدلی و قول خدای تعالی بر آئینه انسان پیدا کرده شده است
ناشکیبا تا قول و تعالی مگر نمازگزاران روایت ست از ابو هریره آنکه رسول خدا
صلی الله علیه وسلم فرمود بدترین آنچه در مرد است بخل سخت است و بیدلی سخت روایت کرده است
این حدیث را ابوداود و سند سره و قوم مسلم رسته جابر مرفوعاً که بترسید از بخل پس و

٥٧

هلاک کرد کسانی را که پیش از شما بودند باعث کرد ایشان را بر آنکه ریختند خون ایشان را و
حلال کردند محارم ایشان را **باب** در ذم بخل و قول خدای تعالی کسانیکه بخل میکنند و امر
میکنند مردمان را به بخل و قول او تعالی و در مالهای ایشان حصه مقرریست مر سائل و سوال را
روایت ست از جابر گفت فرموده ست رسول خدا صلی الله علیه وسلم کیست سردار شما ای بنی
سلمه گفتیم جد بن قیس با وجود آنکه نسبت بخل میکنیم با و فرمود رسول الله و کدام بیماری
سخت ترست از بخل بلکه سردار شما عمرو بن الجموح ست روایت کرده است این را بخاری
در ادب مفرد **باب** در سزای بخل درینباب ست حدیث نگاه مکن پس نگاه کرده شود
بر تو بسته مکن پس بسته کرده شود بر تو چنانچه در حدیثی دیگر ست بپاش پاشیده شود بر
تو یعنی فراخی کن فراخی کرده شود بر تو او نگاه مکن پس نگاه کرده شود بر تو و قول رسول
خدا بار خدایا بده بخیل را هلاکت **باب** در حقیر دانستن نعمت و سپاس دانستن مجهدات خدا

باب در ذم دشمنی کردن با صالحان و قول او تعالی و کسانیکه آمدند پس از ایشان می
گویند ای پروردگار ما بیامرز ما را و برادران ما را آنانکه پیش گذشتند از ما با یمان آخر آیه
در روایت است از ابو هریره مرفوعا میگوید خدای تعالی کسیکه دشمنی کرد با دوست من پس تحقیق
بیرون آمد برای جنگ من یعنی مبارزه آنکه بیرون آمده شود و وصف برای
جنگ و درینجا معنیش آنکه کسیکه دشمنی کرد با دوست خدا البته بیرون شده است
خدا را بجنگ روایت کرده است این را صحیحین **باب** در ذم کینه و قول خدای تعالی آیا
حسد میکنند با مردمان بر آنچه داده است ایشان را خدا از فضل خود روایت ست از انس
مرفوعا که مومن نمیشود یکی از شما تا آنکه دوست دارد برای برادر خود آنچه دوست میدارد
نفس خود را روایت ست از ابو هریره رض مرفوعا بترسید از حسد پس هر آینه حسد
میخورد نیکیها را چنانچه میخورد آتش چوبها را یا فرمود گیاه را روایت کرده است این را

۵۹

باب در ذم بدگمانی بر مسلمان و قول خدا تعالی پرهیز کنید از گمان های بسیار هر آینه بعضی
گمان گناه است **روایت** است از ابو هریره رضه مرفوعاً پرهیز کنید از گمان هر آینه
گمان دروغ ترین سخن است **باب** در بیان آنچه آمده است در دروغ گفتن بر خدا
و رسول او و قول او تعالی و در روز قیامت بینی کسانی را که دروغ بستند بر خدا روی
های ایشان سیاه باشد تا آخر آیه **و** در صحیح است از انس آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود هر آینه
دروغ بر من نیست مانند دروغ بر یکی کسیکه دروغ بست بر من بقصد پس باید که تیار
کند جای خود را در دوزخ **و** در مسلم است از سمره بن جندب مرفوعاً کسیکه حدیث
بیان کند از من حدیثی که میداند که آن دروغ است پس او یکی از دو دروغگو است
باب در بیان آنچه آمده است در گفتن بر خدا بغیر علم و قول خدا تعالی جز این نیست حرام
کرده است پروردگار من بیحیائی را تا آخر آیه گفته است ابو موسی کسیکه آموخته است او را
خدا علم پس تعلیم آن کند و نرسد او از آنکه گوید و نباشد او را علم بآن پس شود از تکلف
کنندگان و بیرون شود از دین **و** در صحیح است از ابن عمر و خدا نمیکشد علم را کشیدن
که بکشد آنرا از مردمان ولکن قبض میکند علم را بموت عالمان تا آنکه نماند عالم بگیرند
مردمان پیشوایان جاهلان را پس سوال کرده شوند ایشان پس فتوی دهند بغیر علم پس
گمراه شوند و گمراه کنند مردمانرا **باب** در بیان آنچه آمده است در گواهی دروغ و قول
خدا تعالی و پرهیز کنید از گفتن دروغ **روایت** است از ابن عمر هر آینه مرغان البته
میزنند بازوهای خود را و می اندازند آنچه در حوصل ایشان است از ترس روز قیامت
و هر آینه گواه دروغ دور نمیشود هر دو قدم او تا آنکه بگیرد جای خود را از آتش **و**
در صحیحین است از حدیث ابوبکره خبردار باشید و گفتن دروغ است خبردار باشید و گواهی
دروغ است پس همیشه بود که تکرار میکرد این را **باب** در بیان آنچه آمده است در
قسم دروغ **روایت** است از ابن مسعود رضه مرفوعاً کسیکه قسم خورد بر مال شخصی مسلمان

بناحق ملاقات کنند با خدا و او بروی خشمناک باشد باز خواند بر یاد رسول خدا

کسانیکه میخرند بوعده خدا و قسمهای خویش بهای اندک را تا آخر آیه روایت کرده

این را صحیحین و در مسلم است از ابو امامه مرفوعا کسیکه بگیرد مال شخص مسلمان

خود پس بتحقیق واجب کرد خدا او را آتش و حرام گردید بروی بهشت پس گفت مردی

اگرچه چیزی اندک باشد ای رسول خدا فرمود اگرچه یک شاخ باشد از پیلو باب در

بیان تهمت بر زنان پاک و در صحیحین است از ابو هریره مرفوعا پرهیز کنید از هفت

هلاک کننده گفتند چیست آن فرمود شریک مقرر نمودن با خدا و جادو و کشتن

آن نفس که حرام کرده است او را خدا مگر بحق و خوردن ربا و خوردن مال یتیم و شکست

خوردن در روز جنگ و تهمت کردن بر زنان پاک بیخبر مومن باب در بیان آنچه

آمده است در دو رویه و قول خدای تعالی و وقتیکه ملاقات کنند با مومنان گویند

آوردیم و قول او تعالی مترددند و در صحیحین است از ابو هریره مرفوعا خواهید

یافت بدترین مردمان نزدیک خدا دو رویه آنکه می آید این گروه را بیک رو و دیگری

است از انس مرفوعا کسیکه باشد دو زبانه گرداند او را خدا در روز قیامت دو زبان

از آتش باب در بیان آنچه آمده است در چغلی و قول او تعالی عیب جوینده رونده

بچغلی روایت است از حذیفه رض مرفوعا که داخل نخواهد شد به بهشت چغلی گو و

در صحیحین است دو قبر را که هر آینه این دو البته عذاب کرده میشوند و عذاب کرده نمیشوند

در امر کلان هر آینه این کلان است و در مسلم است از ابن مسعود مرفوعا خبردار باشید آیا خبر دهیم

شما را چیست سخت حرام آن چغلی که سخن انداز نده است در میان مردمان باب

بیان آنچه آمده است در بهتان و قول او تعالی و کسانیکه تهمت می بندند بر مردان

مومن و زنان مومن تا آخر آیه روایت است از ابن عمر مرفوعا کسیکه گوید در مومن آنچه

نباشد در وی جای دهد او را خدا در ردغه الخبال تا آنکه پاک شود از آنچه گفته است

کرده ام ست این حدیث را ابو داود بسند صحیح و مسلم راست از ابو هریره مرفوعا آیا میدانید
چیست غیبت گفتند خدا و رسول داناترست فرمود یاد کردن تست برادر خود را
بآنچه مکروه میدارد گفته شد آیا بینی اگر باشد در برادر من آنچه میگویم فرمود اگر
باشد در برادر تو آنچه میگوئی پس تحقیق غیبت او کردی و اگر نباشد در وی آنچه
میگوئی پس تحقیق بهتان کردی بروی باب در بیان آنچه آمده است در وبال لعنت
گفتن روایت ست از ابو الدرداء مرفوعا هر آینه بنده چون لعنت گوید بر چیزی
بالا رود لعنت او باسمان پس بند کرده شود درهای آسمان نزد آن باز فرود
آید بزمین پس میرود بطرف راست و چپ خود پس چون نیابد جای دخل شدن بگردد
بطرف کسیکه لعنت کرده شده است پس اگر بود اهل آن لعنت میرسد او را و اگر نه باز
گردد بسوی گوینده آن روایت کرده است این را ابو داود و غیر او از حدیث ابن
عباس و راویان آن ثقه اند لکن معلول ست بارسال و مسلم راست از آنکه زنی
لعنت گفت بر ماده شتر خود پس فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم بگذارید آن را که بر وی
لعنت ست و مسلم راست از عمران مانند آن باب در بیان آنچه آمده است در
ظاهر کردن پوشیده روایت ست از ابو سعید مرفوعا هر آینه از بدترین مردمان از
روی مرتبه نزد خدا در روز قیامت آنکس ست که میرسد بزن و میرسد زن با وی
باز ظاهر میکند یکی از هر دو ایشان پوشیده را خود را و در روایتی ست هر آینه این از
کلانترین امانت ست روایت کرده است این را مسلم و در روایتی ست از جابر مرفوعا وقتی
که سخن گوید او را سخن باز دید پس آن امانت ست حسن گفته است این را ترمذی و مر
احمد راست از ابو الدرداء مرفوعا کسیکه شنید از مردی سخنی که دوست نمیدارد یاد کردن
آن از وی پس آن امانت ست اگرچه طلب پوشیدگی نکرده باشد از وی باب در بیان
آنچه آمده است در لعنت گفتن مسلمان روایت ست از ثابت بن ضحاک مرفوعا

لعن گفتن بر مسلمان مانند کشتن اوست روایت کرده است این را صحیحین و مر بخاری راست
از ابوهریره رض آنکه ایشان زدند مردی را که شراب نوشیده بود پس چون بازگشت
گفت بعضی قوم رسوا کند ترا خدا فرمود رسول الله صلی الله مگوئید این را معاونت ندهید بر وی
شیطان را باب در بیان زیادت ذم آن در مردگان روایت است از
عائشه رض مرفوعا که دشنام ندهید مردگان را پس هر آئینه ایشان به تحقیق رسیدند بآنچه
پیش فرستادند روایت کرده است این را بخاری باب در بیان گفتن ای دشمن
خدا یا ای فاسق یا ای کافر و مانند آن روایت است از ابوذر مرفوعا نسبت نمی
کند مردی مردی را بفسق یا بکفر مگر برگردد بر وی اگر نبود صاحبش چنان روایت کرده
است این را بخاری و روایت است از سمره مرفوعا لعنت مکنید بلعنت خدا و نه بغضب
خدا و نه بدوزخ صحیح گفته است این را ترمذی و مر صحیحین راست از ابوذر مرفوعا نیست
کسیکه نسبت کند مردی را بکفر یا گفت ای دشمن خدا و نباشد چنان مگر برگردد بر وی باب
در بیان آنچه آمده است در لعن گفتن شخص بر پدر و مادر خود روایت است از ابن عمرو رض
مرفوعا از کلان ترکلان گناهان است آنکه لعنت گوید کسی مادر و پدر خود را گفته شد
ای پیغمبر خدا چگونه لعنت گوید مرد پدر و مادر خود را فرمود او دشنام میدهد پدر مردی را
پس دشنام میدهد او پدر او را و دشنام میدهد مادر او را پس دشنام میدهد مادر او را روایت
این حدیث را صحیحین باب در نهی از خواندن جاهلیت و چو گفت مهاجری ای مهاجرین
و گفت انصاری ای انصار فرمود رسول خدا صلی الله آیا میخوانید بخواندن جاهلیت و حال
آنکه من در میان شما ام و غضب کرد ازین سخن بغضب سخت باب در بیان نهی از
شفاعت در حدها و قول خدا تعالی و نگیرد شما را در دین خدا مهربانی و مر صحیحین راست
در حدیث مخزومیه آیا شفاعت میکنی در حدی از حدهای خدا و در موطاست از زبیر
که رسید حد و پادشاه را پس لعنت کند خدا بر شفاعت کننده و قبول کننده شفاعت

٦٢

و در روایت از ابن عمرؓ مرفوعا کسیکه مانع شد شفاعت او حدی را از حدود خدا تعالی
پس تحقیق مقابله کرد با خدا در امر او **باب** در بیان کسیکه مددگار شود بر جنگ باطل و
قول خدا تعالی و باهم مدد دهید به نیکی و پرهیزگاری و باهم معاونت مدهید بر گناه و ستم
تا آخر آیه و قول خدا تعالی کسیکه شفاعت کند شفاعت نیک باشد او را حصه ثواب
آن تا آخر آیه **روایت** ست از ابن عمرؓ مرفوعا کسیکه مانع شد شفاعت او حدی را
از حدهای خدا پس تحقیق مقابله کرد با خدا در امر او و کسیکه جنگ کند در باطل و حال آنکه
میداند که آن باطل ست همیشه باشد در غضب خدا تا آنکه بیرون کند خود را از آن و
کسیکه گفت در مسلمان آنچه نباشد در وی بند کرده شود در زرد آب تا آنکه پاک شود از
آنچه گفته است گفت ابن عمرؓ گفته شد ای رسول خدا چیست ردغة الخبال فرمود زرد
آب دوزخیان ست **و** در روایتی ست کسیکه مدد کرد در جنگ باطل پس تحقیق گشت
بغضب از طرف خدا روایت کرده است این حدیث را ابو داود و بسند صحیح **باب** در بیان
آنکه کسیکه حاضر شود کاری را پس باید که سخن کند به نیکی یا خاموش شود **روایت** ست
از ابو هریرهؓ مرفوعا کسیکه ایمان می آرد بخدا و روز آخرت پس چون حاضر شود کاری را
پس سخن کند به نیکی یا خاموش شود روایت کرده است این حدیث را مسلم **باب** در
بیان آنچه ترس کرده شود از سخن کردن در فتنهها **روایت** ست از ابن عمر مرفوعا زود
ست که شود فتنه هلاک کند تمام عرب را کشتگان آن در آتش اند و زبان در طعن
ایشان سخت ترست از زدن شمشیر روایت کرده است این حدیث را ابو داود و در روایت
از ابو هریرهؓ مرفوعا زود ست که شود فتنه گنگ نابینا زبان درازی در آن مانند
زدن شمشیرست **و** مر ابن ماجه راست از ابن عمرؓ مرفوعا که پرهیز کنید از فتنه پس هر آینه
زبان در آن مانند زدن شمشیرست **باب** در بیان گفتن هلاک شدند مردمان
روایت ست از ابو هریرهؓ مرفوعا چون گوید مرد هلاک شدند مردمان پس او

٦٣

باب در بیان فخر و قول بدترین مردمان است روایت کرده است این حدیث را مسلم
خدای تعالی فرمود من بیزارم از و در روایت است از عیاض بن حمار مرفوعاً هر آئینه خدا
وحی کرده است بمن آنکه تواضع کنید تا آنکه فخر نکند یکی بر دیگرے و ستم نکند یکی بر دیگرے
روایت کرده است این را مسلم و در مسلم است از ابو مالک اشعری مرفوعاً چهار چیز
است در امت من از کار جاهلیت که نخواهند گذاشت آنرا فخر کردن به احساب و طعن
کردن در نسبها و طلب کردن باران از ستارها و نوحه کردن بر مرده و فرمود نوحه کننده چون
توبه نکند پیش از مرگ خود برانگیخته شود در روز قیامت و بر وی قمیص باشد از قطران
و زره باشد از خارش و در ترمذی است و تحسین آن کرده است البته منع شوند قومها
که فخر میکنند به پدران خود آنانکه مردند هر آئینه ایشان انگشت دوزخ اند یا البته شوند
بر خدا ذلیل تر از قانغوذک هر آئینه خدا دور کرده است از شما کبر جاهلیت را و فخر او را به
پدران جز این نیست انسان مومن پرهیزگار است یا بدکار بدبخت است مردمان پسران
آدم اند و آدم پیدا کرده شده است از خاک حلیه تشنید یا یک سر آن کبر و فخر را گویند
باب در ذم طعن کردن در نسبها روایت است از ابو هریره مرفوعاً دو خصلت
اند در مردمان که آن دو با ایشان کفر اند طعن کردن در نسب و نوحه کردن بر مرده
باب در بیان کسیکه دعوی نسب کند که نباشد آن نسب او را و در صحیحین است از
از ابو سعید مرفوعاً کسیکه دعوی کند بغیر پدر خود و او میداند آنکه وی پدر وی نیست
پس بهشت بر وی حرام است و در صحیحین است از ابو هریره مرفوعاً رغبت نکنید از
پدران خود پس کسیکه رغبت کرد از پدر خود پس آن کفر است پس بر وی است لعنت خدا و
فرشتگان و مردمان همه قبول نمیکند خدا از وی در روز قیامت نفل و نه فرض باب در
بیان کسیکه بیزار شد از نسب خود در روایت است از عمرو بن شعیب از پدر خود و از جد وی
و مرفوعاً کسیکه بیزار شد از نسب خود اگرچه باریک باشد و دعوی کرد نسبی را که نشناخته

یا این پس بتحقیق کافر شد و در طبرانی است یعنی این از حدیث ابو بکر الصدیق رض
و در ابو داود و ابن حبان است از ابو هریره رض مرفوعاً هر زنیکه داخل کرد در قومی چیزی
را که نباشد از ایشان پس نیست در چیزی از دین خدا و هرگز داخل نخواهد کرد او را خدا
در بهشت و هر مردیکه انکار ولد خود کرد و او می بیند او را یعنی که ولد اوست مگر در
پرده شود خدا ازو و رسوا کند او را پیش روی خلائق از پیشینیان و پسینیان باب در
بیان کسیکه دعوی کند چیزی را که نباشد آنچیز وی را و در بیان کسیکه چون جنگ کند فحش
گوید در بیناب است حدیث ابن عمر و در روایت از ابن مسعود رض و عمر کسیکه گفت که وی عالم
است پس او جاهل است و در صحیحین است از ابو ذر مرفوعاً نیست هیچ مردی که دعوی کند
بغیر پدر خود و او میشناسد وی را که پدر هم نیست مگر کافر شود و کسیکه دعوی کند چیزی را که
نباشد آنچیز او را پس نیست از ما و بگیرد جای خود را از آتش و کسیکه نسبت کرد مردی را بکفر
یا گوید ای دشمن خدا و نباشد او چنان مگر برگردد بروی باب در بیان دعوی کردن علم از
روی فخر روایت است از عمر رض مرفوعاً ظاهر ماند اسلام تا آنکه آمد و رفت کنند سوداگران
در دریا و تا آنکه مشغول مانند اسپان در راه خدا باز ظاهر شود قومها که میخوانند قرآن را
گویند کیست زیاده قاری از ما کیست عالم تر از ما کیست زیرک تر از ما باز فرمود آیا هست
در ایشان خیر گفتند خدا و رسول ص داناتر است فرمود این گروه از شماست ای این امت پس
این کسان ایشانند آتش انگیز دوزخ روایت کرده است این حدیث را بزار باسناد لا باس به و در
طبرانی است معنی نگفته است ترمذی اسناد این حدیث حسن است باب در بیان انکار نعمت
در صحیح است از ابن عباس رض مرفوعاً داخل شدم در دوزخ پس دیدم اکثر باشنده آن زنان گفته
شد کافر میشوند بخدا فرمود نه ناشکری نیکی میکنند و ناشکری شوهران میکنند اگر نیکی کنی بلکه
بیکی از ایشان همیشه باز بیند از تو چیزی را گوید ندیدم از تو نیکی گاهی و در روایت از ابو هریره رض
مرفوعاً شکر نخواهد کرد الله کسیکه شکر مردمان نمیکنند صحیح گفته است این را ترمذی و گفته حسن غریب است

٦٥

و روایت است از جابر مرفوعا کسیکه داده شود چیزی پس بدل آن دهد اگر یافت پس اگر نیافت پس ثنا
گوید بر دهنده آن پس هر آینه ثنا شکر است پس اگر ثنا گفت بر وی پس تحقیق شکر او کرد و اگر پوشیده
کرد آنرا پس تحقیق ناشکری او کرد و باب در بیان آنچه آمده است در اهل طاعت و مسخره کردن به
ناتوانی ایشان روایت است از ابن مسعود رض گفت و چون نازل شد آیت خیرات بودیم
می بردیم بر پشتهای خود پس آمد شخصی پس خیرات کرد چیزی بسیار پس گفتند ریاکار است و آمد مردی
پس خیرات کرد یک صاع پس گفتند هر آینه خدای بی پروا است از صاع این پس نازل شد کسانیکه
عیب میکنند خیرات کنندگان تا آخر آیه باب در مسخره کردن و قول خدایتعالی هر آینه گناهکاران
بودند که بر مومنان میخندیدند تا آخر آیه و قول خدایتعالی ای مومنان مسخره نکنند قومی از قومی تا
آخر آیه روایت است از حسن گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر آینه مسخره کنندگان گشاده
شود اول ایشان را دروازه بایان از بهشت پس گفته شود یکی را از ایشان بیا پس بیاید بغم و
اندوه پس چون بیاید نزدیک او بند کرده شود نزد او دروازه پس همیشه باشد چنین تا آنکه
یکی از ایشان گشاده کرده شود مر او را دروازه از دروازهای بهشت پس گفته شود او را بیا
پس نمی آید باین از ناامیدی روایت کرده است این را [illegible] بیهقی و ابن ابی حاتم و غیر آن
است مرفوعا از ابن عمر سیاه آمد عیب گوی غیبت کننده [illegible] نشانی او آنکه داغ نهد او را
خدایتعالی بر بینی از هر طرف [illegible] باب در ترسانیدن مسلمان و اظهار سیری نمودن بانچه داده
نشده است و در صحیحین است از اسماء آنکه زنی گفت ای رسول خدا [illegible] را [illegible] است آیا
هست بر من گناه آنکه [illegible] سیری [illegible] از شوهر خود بانچه نداده باشد پس فرمود اظهار کننده
سیری بانچه داده نشده باشد [illegible] دو جامه دروغ است باب در بیان کردن
گناه و در صحیحین است از ابوهریره مرفوعا هر امت من عفو کرده شود مگر ظاهر کنندگان و
هر آینه [illegible] است آنکه عمل کند [illegible] شب پس صباح کند و حال آنکه پوشیده باشد
او [illegible] باب در بیان آنچه آمده است در

دشنام دادن بزنا روایت است از ابو هریره رض مرفوعا کسیکه نسبت کرد غلام خود را بزنا حد زده
کرده شود بر وی حد در روز قیامت اگر باشد چنان **باب** در نهی از نام نهادن فاسق را سردار
روایت است از بریده رض مرفوعا مگوئید منافق را سردار پس هر آئینه وی اگر باشد سردار پس تحقیق
بغضب آورید پروردگار خود را روایت کرده است این حدیث را ابوداود بسند صحیح **باب** در نهی از
قسم خوردن بامانت روایت است از بریده رض مرفوعا کسیکه قسم خورد بامانت پس نیست از
ما روایت کرده است این را ابوداود بسند صحیح **باب** در نهی از قسم خوردن بملة غیر اسلام
است از ابو زید گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه قسم خورد بملة غیر اسلام دروغ گوینده قصدا
پس او هست مانند آنچه گفته است روایت کرده است این را صحیحین و روایت است از بریده رض
کسیکه قسم خورد پس گفت من بیزارم از اسلام پس اگر باشد دروغگو پس او هست مانند آنچه
گفته و اگر باشد درست گو پس هرگز رجوع نخواهد کرد باسلام سلامت روایت کرده است این
حدیث را ابوداود **باب** در بیان آنچه آمده است در غیبت قول الله تعالی و لا یغتب
بعض شما بعضی را تا آخر آیه روایت است از ابوبکره آنکه رسول الله صلی الله علیه وسلم خطبه خواند
در روز نحر کدام ماه است این پس خاموش شدیم تا آنکه گمان کردیم که زود است نام نهد
آنرا بغیر نام وی پس فرمود آیا نیست [illegible] گفتیم آری پس فرمود کدام شهر است این
پس خاموش شدیم تا آنکه گمان کردیم آنکه رسول الله نام نهد آنرا بغیر نام وی [illegible]
آیا نیست شهر حرام پس گفتیم آری پس فرمود کدام روز است این پس خاموش شدیم تا
آنکه گمان کردیم آنکه وی نام نهد آنرا بغیر آن پس فرمود آیا نیست [illegible]
پس فرمود هر آئینه خونهای شما [illegible]
روز شما که این است در ماه شما [illegible]
با پروردگار خود پس سوال کند شما را از اعمال شما [illegible]
بزند بعض شما گردن بعضی را [illegible]

٦٧

بعض از آنانکه برسد او را حدیث آنکه باشد خوب یاد دارنده از بعض آنانکه شنیده است آنرا
باز فرموده خبر دادیم یا رسانیدیم گفتیم آری فرموده بار خدایا گواه شو روایت کرده است این
را صحیحین و در صحیحین است از ابن عمر مرفوعا مسلمان کسی ست که سلامت مانند مسلمانان از زبان
او و دست او و مهاجر کسی ست که هجرت کند از آنچه منع کرده است خدا از آن و در روایت
ست از ابو هریره رض مرفوعا کسیکه خورد گوشت برادر خود را در دنیا نزدیک کرده شود
آن برادر او را در روز قیامت پس گفته شود او را بخور او را مرده چنانچه میخوردی او را
زنده و ترش رو شود و فریاد زند روایت کرده است این را ابو یعلی و در ابن حبان بست و
قصه ماعز آنکه مردی گفت مر دیگری را ببین بانیکه پرده کرد خدا بر وی پس نگذاشت نفس خود
را تا آنکه سنگسار کرده شد مانند سنگسار کردن سگ پس فرمود مر هر دو را رسول الله صلی الله علیه وسلم
بخورید از تن مردار این خر چنانچه خوردید آبروی این مرد را این جز این نیست گفتید سخت تر از
خوردن مردار و در صحیحین است از ابن عباس آنکه نبی صلی الله علیه وسلم گذشت بر دو قبر پس فرمود آنه
این دو عذاب داده میشوند و عذاب داده نمیشوند در کاری که اجتناب از آن سخت بود اما
یکی از ایشان پس بود که پاکی نمیکرد از بول و اما دیگر پس بود میرفت بچغلی و روایت کرده است
بخاری در ادب مفرد مانند آن از روایت جابر و در بست است یکی از ایشان پس بود غیبت
مردمان میکرد و در ترمذی ست از عائشه رض آنکه وی گفت بس است ترا از صفیه چنین و
چنان مقصود میداشت کوتاه قد پس گفت البته تحقیق گفتی سخنی اگر آمیخته شود به آب دریا
البته متغیر میکرد آنرا باب در گمراه کردن نابینا از راه روایت است آنکه نبی صلی
لعنت کرد بر کسیکه گمراه کرد نابینا را از راه و در ابو داود و در بست است از معاذ رض مرفوعا کسیکه
نگاه کرد مومن را از ضرر منافق بفرستد خدا او را فرشته که نگاهدار دارد او را در روز قیامت
از آتش دوزخ و کسیکه رسانید مومن را شری میخواهد عیب او بند کند او را خدا بر پل دوزخ تا
آنکه پاک شود از آنچه گفته است باب در مشهور کردن عیوب و قول خدا تعالی ان الذین یحبون

٦٨

دوست نامید شنیدند آنکه مشهور شود بیحیائی در کسانیکه ایمان آوردند تا آخر آیه باب در رشوه
و قول خدا تعالی و نه خرید بدل آیتهای ما بهای اندک را تا آخر آیه و روایتست از ابن عمر رض مرفوعا لعنت
گفته است رسول خدا صلی الله علیه و سلم رشوت دهنده و رشوت خورنده صحیح گفته است این را ترمذی و ق
مر احمد راست از ثوبان رض مرفوعا که لعنت فرموده است رسول خدا صلعم بر رشوت دهنده و رشوت
خورنده باب در پیشکشهای امیران آیا خیانت است روایت است از ابو حمید ساعدی
گفت عامل گردانید رسول خدا صلی الله علیه و سلم مردی را بر جمع زکوه پس چون آمد گفت این برای شما است
و این تحفه داده شده است مرا پس فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم چه حال است آن مرد را که عامل میگردانیم
او را بر کار از آنچه والی گردانیده است ما را خدا بر آن پس گوید این شمار است و این هدیه داده
شده است بمن پس چرا نمی نشیند یکی از شما در خانه پدر خود یا خانه مادر خود پس ببیند آیا
تحفه داده میشود او را یا نه قسم بآن ذات که نفس من در دست او ست نمیگیرد یکی از شما
چیزی را بغیر حق آن مگر ملاقات کند با خدا که می بردارد آنرا در روز قیامت اگر باشد شتر
مر او را آواز باشد یا گاو مر او را آواز باشد یا گوسپند که آواز کند باز بالا کرد هر دو دست
خود را تا آنکه دیدیم سفیدی بغلهای مبارک او باز فرمود بار خدایا تحقیق رسانیدم فرمود
این را سه بار باب در بیان پیشکش گرفتن بر شفاعت روایت است از ابو امامه
مرفوعا کسیکه شفاعت کرد برادر خود را پس تحفه داده شد او را بر آن تحفه پس قبول کرد
آنرا پس تحقیق آمد بدروازه از دروازه های ربا روایت کرده است این را ابو داود و
روایت کرده است ابراهیم حربی از ابن مسعود رض گفت رشوت آنست که ادا کند کسی حاجت
کسی را پس تحفه فرستد وی با وی پس قبول کند آنرا و مر ابراهیم راست از مسروق از ابن مسعود رض
کسیکه رد کرد از مسلمان مشکلی پس بدل آن داد او را بر آن اندک یا بسیار پس آن
رشوت است گفتم ای ابا عبد الرحمن نبودیم که ببینیم رشوت را مگر رشوت در حکم فرمود
کفر است و کسیکه حکم نکند بآنچه فرستاده است خدا پس آن گروه ایشانند کافران باب در

٧٩

خیانت و قول خدا تعالی و نیست هیچ نبی را آنکه خیانت کند و کسیکه خیانت کرد بیارد خیانت

خود را در روز قیامت تا آخر آیه روایت است از ابوهریره مرفوعا گفت او چون فتح

خیبر کرد خدا تعالی روان شدیم بوادی و با رسول الله صلعم غلامی بود گفته میشد او را مدعم که

چون فرود آمدیم در وادی زده شد او به تیری پس مردم گفتیم مبارک باد او را شهادت

ای رسول خدا پس فرمود نه چنین است قسم بآن ذاتیکه نفس من در دست او است هر آئینه

شالکی شعله میزند بر روی آتش شده که گرفته بود آنرا از غنائم در روز خیبر که نرسیده بود

آنرا قسمت پس ترسیدم مردمان پس آمد مردی بیک تسمه یا دو تسمه از آتش است روایت

کرده است این را صحیحین باب در رغبت نمودن سرداران و قول خدا تعالی ای کسانیکه ایمان

آورده اند فرمانبرداری کنید خدا و رسول او را و صاحبان حکم را از شما تا آخر آیه و قول

خدا تعالی پس بترسید از خدا قدر طاقت خود روایت است از معاذ بن جبل مرفوعا که غزا

دو است پس کسیکه طلب کند بآن رضامندی خدا و فرمانبرداری امام کرد و خرج کرد مال

خوب و آسانی کند با شریک پس هر آئینه خواب او و بیداری او ثواب است همه آن و کسیکه

غزا کرد از روی فخر و نمود و ناموری و نافرمانی امام وقت و کرد در زمین پس هر آئینه وی

برنگردد به برابری روایت کرده است این را مالک و ابوداود و روایت است از ابن عمر مرفوعا

که شنیده شود و حکم امیر تا بعداری او کرده شود در آنچه دوست دارد و ناپسند دارد پس

چون حکم کند بگناه پس نیست شنیدن و نه فرمانبرداری کردن روایت کرده است این را صحیحین

باب در بیرون شدن از جماعت مسلمانان و قول خدا تعالی و کسیکه نافرمانی رسول کند

بعد از واضح شدن هدایت او را تا آخر آیه و قول خدا تعالی و جنگ زنید بر رسن خدا همه

و تفرق کنید روایت است از ابن عباس مرفوعا کسیکه ناخوش دارد از امیر چیزیرا

پس باید که صبر کند پس هر آئینه شان این است کسیکه بیرون رفت از بادشاه مرد بر مرگ

جاهلیت روایت کرده است این را صحیحین و مسلم روایت است از حذیفه مرفوعا باشد پس از من

٧١

من پادشاهان که نروند براه من و نه عمل کنند بر سنت من و در ایشان مردانی باشند دلهائی ایشان دلها شیطانان است در صورت انسان گفتم چگونه کنم ای رسول خدا اگر یابم آنرا فرمود بشنو و فرمانبرداری امیر کن و اگرچه بزند پشت ترا و بگیرد مال ترا او فرمانبرداری کن و در مسلم است از عرفجه اشجعی مرفوعا کسیکه آمد بشما و حال آنکه کاری شما متفق بر یک شخصی است میخواهد که بشکناند عصای شما را و پراگنده کند جماعت شما را پس بکشید او را

باب در بیان آنچه آمده است در رفتن و قول خدای تعالی و بترسید از فتنه که نمیرسد ستمگاران را از شما خاص و قول خدای تعالی او ست قادر بر آنکه بفرستد بر شما عذابی را تا آخر آیه رفع ۱ است از ابن عمر گفت او بودیم در سفر پس آواز داد رسول خدا صلعم نماز جمع کننده است پس جمع شدیم پس فرمود هر آینه شان نیست هیچ نبی پیش از من مگر بود حق بر وی که دلالت کند است خود را بر بهتر آنچه میداند ایشانرا و بترساند ایشانرا از شر آنچه میداند ایشانرا و هر آینه است من این گروه نیده است خدا عافیت در اول آن و زود است که برسد آخر این را بلاهای و کارها که ناخوش دارید آنرا و بیاید فتنه‌ها بعضی در پس بعضی پس گوید مومن این هلاکت من است باز برداشته شود و باز بیاید فتنه پس گوید این است پس کسیکه دوست دارد آنکه داخل شود به بهشت و دور شود از آتش پس بیاید او را مرگ او و او مومن باشد بخدا و بروز آخرت و دوست میدارد مردمانرا آنچه دوست دارد نفس خود را و کسیکه بیعت کند با امامی و بدهد او را میوه دل خود پس وفا کند به بیعت خود روایت کرده است این را مسلم و در روایت از ابو هریره مرفوعا شتاب کنید بعملها پیش از آمدن فتن مانند قطعه‌های شب تاریک بامداد کند آدمی مومن و شب کند کافر و شب کند مومن و صبح کند کافر بفروشد دین خود را بمتاعی از دنیا و در مسلم است از معقل بن یسار مرفوعا که عبادت در جنگ مانند هجرت است بمن و در صحیحین است از حذیفه آنکه عمر گفت کدام یک از شما یاد میدارد قول رسول خدا صلعم در فتنه پس گفتم منم پس فرمود بیار هر آینه تو بر وی دلیر

هذه جعل الله عافيتها في اولها
وسيصيب آخرها بلاء وامور تنكرونها
وتجئ الفتن يرقق بعضها بعضا
ويقول المؤمن هذه مهلكتي ثم تنكشف
وتجئ الفتنة فيقول هذه هذه
فمن احب ان يزحزح عن النار ويدخل الجنة فلتأته منيته وهو مؤمن
بالله واليوم الآخر وليأت الى الناس
الذي يحب ان يؤتى اليه ومن بايع اماما
اعطاه صفقة يده وثمرة قلبه فليطعه

پس گفتم شنیدم ازوی که میگفت که فتنهٔ مرد در اهل او و مال او و اولاد او و همسایهٔ او
دور میکند آنرا نماز و روزه و صدقه و امر به نیکی و نهی از بدی پس گفت اراده نمیدارم این
را جز این نیست اراده دارم آنکه موج میزند مانند موج دریا پس گفتم نیست ترا با آن تعلق
ای امیر مومنان درمیان تو و درمیان آن دروازه ایست بند کرده شده پس گفت آیا
کشاده کرده شود دروازه یا شکسته شود گفتم بلکه شکسته شود فرمود این لایق تر است
که بند کرده نشود پس گفتیم حذیفه رض را آیا بود عمر که میدانست که کیست دروازه گفت چنانچه
میدانست آنکه پیش روز شب است هر آئینه من حدیث گفتم او را حدیثی که نبود غلطیها پس
ترسیدیم آنکه سوال کنیم ازو که کیست دروازه پس گفتیم مسروق را که سوال کن تو ازوی
پس سوال کرد ازو پس گفت عمر بود و مسلم روایت کرد ابوبکره رض مرفوعا آنکه زود است که
شود فتنها نشسته در آن بهتر است از استاده و استاده در آن بهتر است از رونده و
رونده در آن بهتر است از کوشش کننده بطرف آن خبردار وقتیکه فرود آید آن فتنها یا
واقع شود پس کسیکه باشد او را اشتران پس پیوسته شود به شتران خود و کسیکه باشد او را
گوسپند پس پیوسته شود به گوسپندان خود و کسیکه باشد او را زمین پس پیوسته شود به
زمین پس گفت او را مردی ای رسول خدا صلی الله علیه وسلم خبر ده مرا از حال کسیکه نباشد او را اشتران
و نه گوسپندان و نه زمین گفت قصد کند بشمشیر خود پس بزند آنرا بسنگ باز رهائی طلبد
اگر طاقت رهای داشته باشد گفت بار خدایا بتحقیق رسانیدم گفت این را سه بار پس
گفت مردی ای رسول خدا آیا می بینی اگر جبر کرده شدم تا آنکه برده شوم بیکی از دو صف
پس بزند مرا مردی بشمشیر خود یا بیاید تیری پس بکشد مرا گفت بگردد بگناه تو و بگناه خود
پس شود از اصحاب دوزخ و مر ابن ماجه راست از سعد که گفت او ای رسول خدا آیا می
بینی اگر داخل شد بر من در خانهٔ من و کشاد طرف من دو دست خود را تا که بکشد مرا
گفت باش مانند بهتر از دو پسر آدم و خواند قول خدای تعالی اگر دراز کنی بطرف من

۳۷

دست خود را تا کشتی مرا ایستم من و باز کننده دو دست خود بطرف تو تا بکشم ترا
تا آخر این باب باب در بزرگی کشتن آن نفس که حرام کرده است آنرا خدا مگر بحق روایت
است از سالم بن عبد الله بن عمر گفت ای اهل عراق سوال نمیکنم از شما از کم صغیره و
میکنم شما را بکبیره نپه گ شنیدم از پدر خود که میگفت شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه
وسلم که میفرمود فتنه خواهد آمد ازین طرف و اشارت کرد بدست خود بطرف مشرق از
آن طرف بخیزد و شاخ شیطان و شما در آن وقت بزنید بعض شما گردنهای بعضی را
و جز این نیست که کشت موسی آنکس را که کشت از کسان فرعون بخطا پس فرمود
خدا تعالی و کشتی نفسی را پس رها کردیم ترا و آزمائیدیم ترا آزمائیدن روایت کرده
است این را مسلم و در صحیحین است از مقداد که گفتم ای رسول خدا اعم خبر ده مرا اگر
ملاقات کنم مردی را از کفار پس جنگ کنیم باهم پس زد یکی از دو دست من به
شمشیر پس ببرید آن را باز پناه گرفت از من بدرختی پس گفت گردن نهادم مر خدا
را آیا بکشم او را فرمود مکش او را پس اگر کشتی او را پس هر آینه وی بمرتبه تست پیش
از کشتن تو او را و تو بمرتبه اوئی پیش از گفتن وی آن کلمه را که گفته است آنرا
و در صحیحین است از اسامه گفت او فرستاد ما را رسول خدا صلی الله علیه وسلم بحرقه که
قومی است از جهینه پس تاراج کردیم قوم را بر آبهای ایشان و پیوسته شدم من
و مردی از انصار مردی را از ایشان پس چون پوشانیدیم او را فرمود نیست
لائق عبادت غیر خدا پس بند شد از وی انصاری پس زدم او را به نیزه خود پس
کشتم او را پس چون آمدیم رسید این ماجرا برسول خدا صلی الله علیه وسلم پس فرمود مرا ای اسامه
آیا کشتی او را پس از آن که گفت نیست لائق عبادت غیر خدا گفتم ای رسول خدا جز
این نیست بود [illegible] پناه گیرنده پس فرمود آیا کشتی او را پس از آن که گفت نیست
لائق عبادت غیر خدا پس همیشه بود که مکرر میکرد این سخن را تا آنکه آرزو کردم آنکه

بودم اسلام می آوردم پیش ازین روز و در روایتی ست فرمود آیا شگافتی دل
او را و مر مسلم راست گفت ای رسول خدا آمرزش طلب کن مرا فرمود چه خواهی کرد
به لا اله الا الله در روز قیامت و مر بخاری راست از ابن عمر مرفوعا همیشه
بنده در فراخی از دین خود تا آنکه نرسیده است خون حرام را باب در بسیار
کردن لشکر در فتنها روایت است از ابو هریره رضه آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم
فرمود کسیکه بر داشت بر ما اسباب کار زار نیست از ما روایت کرده است انرا
مسلم و مر بخاری راست از محمد بن عبد الرحمن بن الاسود که گفت و مقرر کرده شد
بر اهل مدینه لشکری پس نوشته کرده شدم در آن پس ملاقات کردم با عکرمه پس خبر دادم
او را پس منع کرد مرا به سخت منع و گفت خبر داده است مرا ابن عباس آنکه مردمانی
از مسلمانان بودند با مشرکان بسیار میکردند جماعت مشرکان را می آمد تیر پس میرسید یکی
را از ایشان پس میکشت او را یا میزد او را پس میکشت پس نازل کرد خدای تعالی این آیه
کسانیکه قبض روح ایشان کردند فرشتها در آن حال که ستم کنندگان بودند بر جانها خود تا
آخر آیه و قول رسول بسند و لکن مستحق عذاب کسی ست که راضی شد و تابعداری کرد باب
در بیان آزار دادن والدین و قول خدای تعالی شکر کن مرا و مادر و پدر خود را بطرف من
ست بازگشت روایت است از ابن عمر که آمد مردی برسول خدا صلی الله پس گفت ای رسول
خدا بیعت میکنم با تو بر هجرت و جهاد میخواهم ثواب از خدای تعالی فرمود آیا فرمود پس بازگرد
بمادر و پدر خود پس خوب کن خدمت ایشان بروایت کرده است این را صحیحین و لفظ حدیث
مر مسلم راست و در روایتست از معاویه بن جاهمه آنکه جاهمه آمد نبی صلعم پس گفت ای رسول خدا اراده
دارم آنکه غزا کنم و تحقیق آمدم مشورت میخواهم از تو فرمود پس آیا هست ترا مادر گفت آری
فرمود پس لازم بگیر خدمت او را پس هر آئینه بهشت نزدیک دو پای اوست روایت کرده
است این را احمد و نسائی و در روایتست از ابو هریره آنکه مردی گفت ای رسول خدا کیست

لائق ترین مردمان به نیک کردن من فرمود مادر تو ست گفت باز کیست فرمود مادر تو گفت باز کیست فرمود مادر تو گفت باز کیست فرمود پدر تو روایت کرده است این را صحیحین و در بخاری است از ابن عمر مرفوعا که گناهان بزرگ شریک مقرر کردن با خداست و آزار دادن والدین است و کشتن نفس است و قسم دروغ است باب در بیان قطع صله و قول خدای تعالی و گمراه نمیشود بآن مگر فاسقان که میشکنند عهد خدا را تا آخر آیه و در صحیحین است از جبیر بن مطعم که داخل نخواهد به بهشت قطع کننده رحم و در صحیحین است از ابو هریره رض مرفوعا هر آینه خدا پیدا کرد خلق را تا آنکه فارغ شد از ایشان خواست رحم پس فرمود این مقام پناه گیرنده است بتو از قطع رحم گفت آری آیا خوش نمیشوی بآنکه وصل کنم با کسیکه پیوست میکند ترا و قطع کنم با کسیکه قطع کند ترا گفت آری فرمود پس اینست پس فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم بخوانید اگر خواهید پس ای ضعیف ایمان اگر متولی امور مردمان شوید البته نزدیک آید از آنکه تباه کاری کنید در زمین و قطع قبیله داری کنید تا آخر آیه باب در اذی رسانیدن همسایه و قول خدای تعالی و نیکی کنید بهمسایه صاحب قرابت و همسایه دور تا آخر آیه روایت است از ابو شریح مرفوعا کسیکه ایمان می آرد بخدا و روز آخرت پس بگوید خیری را یا خاموش شود روایت کرده است این را مسلم و در صحیحین است از ابو هریره مرفوعا قسم بخدا ایمان نمی آرد قسم بخدا ایمان نمی آرد و گفته شد ای رسول خدا کدام کس فرمود کسیکه در امن نباشد همسایه او از فسادهای وی و در روایتی است داخل نخواهد شد به بهشت کسیکه در امن نباشد همسایه او از شرهای او بوائق فسادها و شرها را گویند و در ترمذی است و حسن گفته است او را از ابن عمر مرفوعا بهترین یاران نزدیک خدا بهترین ایشان است مر همسایه خود را و در مسند و صحیح حاکم است از عمر مرفوعا بر اهل میدانی که صباح کنند در ایشان مردی گرسنه پس بتحقیق بیزار شد از ایشان امان خدای با برکت و بلند و در

صحیح حاکم ست از ابن عباس رض مرفوعا نیست مومن آنکه سیر شود وی و همسایه وی گرسنه
باشد و در روایتی ست مومن نیست کسیکه شب گذارد و همسایه او گرسنه باشد باب در
سبک شمردن اہل فضل روایت ست از ابن عمر رض مرفوعا نیست از ما کسیکه رحم نمیکند بر خورد ما و
نمی شناسد بزرگی کلان ما صحیح گفته ست این را ترمذی و م و ابوداود ست از ابو موسی
مرفوعا که از عزت دادن بخدا ست عزت دادن بصاحب موی سفید مسلمان و حافظ
قرآن نه تجاوز کننده از حد و نه دور شونده از عمل آن نیست از امت من کسیکه عزت کلان
سال ما نکند و رحم نکند بر خورد ما و نشناسد عالم ما را و حق او باب در ناخوش کردن
شوهر و قول خدا تعالی پس زنان نیکوکار فرمان بردارنده نگاهدارنده در غیبت شوهر به
نگاهداشت خدا تا آخر آیه روایت ست از ابو هریره رض مرفوعا قسم بآن ذات که نفس من در
دست او ست نیست هیچ مردی که میخواند زن خود را بفراش خود پس انکار کند او بر وی
مگر لعنت گوید بر وی فرشتها تا آنکه بداد کند روایت کرده ست این را صحیحین و در روایت
ست از ابو هریره رض مرفوعا اگر می بودم که امر میکردم کسی را که سجده کند کسی را البته امر میکردم
زن را که سجده کند شوهر را باب در اذی رسانیدن بنیکان و قول خدا تعالی
کسانیکه اذی میرسانند مومنان و مومنات را بغیر آنچه کردند تا آخر آیه روایت ست از
ابو هریره رض آنکه ابو سفیان آمد به سلمان و صهیب و بلال در چند کس پس گفتند نگرفت شمشیرهای
خدا از گردن دشمن خدا جای گرفتن خود پس گفت ابو بکر آیا میگوئید این مر شیخ قریش و
سردار ایشان را پس آمد برسول الله صلی الله علیه وسلم پس خبر داد او را پس فرمود ای ابو بکر
شاید که تو خشم کرده باشی بر ایشان اگر خشم کرده باشی بر ایشان البته تحقیق خشم کردی
بر پروردگار خود پس فرمود ای ابو بکر ای برادران من شاید که من خشم کردم بر شما
گفتند نه آمرزش کند ترا خدا تعالی ای برادر من م مسلم ست و حسن گفته ست او را
ابو بکر کسیکه تخفیف سلطان کند ذلیل کند او را خدا باب در آنچه آمده ست در امانت

٧٦

وخیانت و تفسیر امانت و قول خدای تعالی هر آینه خدای تعالی امر میکند شما را آنکه باز دهید امانت
ها را باهل آن و قول خدای تعالی هر آینه ما پیش کردیم امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها روایت
کرده است بیهقی از ابن مسعود که گفت کشتن در راه خدا دور میکند گناهان را همه آن
مگر امانت و قرض آورده شود بنده در روز قیامت و اگرچه کشته شده باشد در راه
خدا پس گفته شود ادا کن امانت خود را پس گوید ای پروردگار من چگونه و هم تحقیق
رفته است دنیا پس گفته شود ببرید او را بهاویه پس ببرد او را بآن و متصور شود امانت
وی مانند شکل آن در روزیکه افتاده بود ولی بوی پس قصد کند در پی وی تا آنکه بیابد آن
را پس بردارد آنرا بر شانهٔ خود تا آنکه گمان کند که او بیرون شونده است بلغزد از
شانه وی پس فرو رود در پی آن همیشه همیشگان فرمود و نماز امانت است و وضو امانت
است و غسل جنابت امانت است و پیمانه کردن امانت است و شمردن چیزها و سخت ترین آن
امانات است پس آمدم به براء پس گفتم آیا نمی بینی بآنچه میگوید ابن مسعود گفت چنین و
چنان گفت راست گفته است آیا نشنیده که خدای تعالی میگوید هر آینه خدا امر میکند شما را
آنکه ادا کنید امانات را باهل آن گفته است زید بن اسلم آن غسل است از جنابت و روزه
آنچه پوشیده است از احکام باب سرداریها از امانت است روایت است از
ابوهریره رض آنکه یک اعرابی سوال کرد از رسول الله صلی الله علیه وسلم کی باشد قیامت
فرمود وقتیکه ضائع کرده شود امانت پس منتظر قیامت باشید گفت و چگونه است ضائع
شدن آن فرمود وقتیکه سپرده شود کار بغیر اهل آن پس انتظاری قیامت کنید
روایت کرده است این را بخاری باب در نهی از طلب سرداری روایت است
از عبدالرحمن بن سمره مرفوعا که سوال مکن امارت را پس هر آئینه تو اگر داده شدی
سرداری بغیر سوال کردن مدد داده شوی بر آن و اگر داده شدی آن از سوال
سپرده شوی بآن و وقتیکه قسم خوری بر چیزی پس ببینی غیر آن بهتر از آن

پس بیا بانچیزکه آن بهترست و کفارت ده از قسم خود روایت کرده است این را صحیح
و مسلم است از ابو ذر گفتم ای رسول خدا آیا عامل نمیکنی مرا پس زد بشانه من بدست خود
باز فرمود ای ابو ذر هر آینه من می بینم ترا ناتوان و هر آینه سرداری در روز قیامت رسوائی
و پشیمانی ست مگر کسیکه گرفت آنرا بحق آن و ادا کرد آنرا که بر ویست و در آن باب
در آنچه آمده است در خیانت کردن حق رعیت روایت است از معقل بن یسار
هیچ سرداری که سردار شود رعیتی را از مسلمانان پس بمیرد و بدخواه ایشان باشد مگر
حرام کند خدا بر وی بهشت را روایت کرده است این را صحیحین و در روایتی از وی
که گفت او شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه وسلم که میفرمود نیست هیچ بنده که طلب
نگاهبانی کند خدا او وی رعیتی را پس در نگیرد ایشانرا بخیر خواهی مگر نیابد بوی بهشت را
روایت کرده است این را صحیحین باب در شفقت بر رعیت و قول خدا تعالی و زیر
کن بازوی خود را برای مومنان و قول خدا تعالی پس بسبب مهربانی خدا نرم شدی
ایشانرا تا آخر آیه و مسلم است از عائشه رض مرفوعا کسیکه سردار شد از کار امت من
چیزی را پس سختی کرد بر ایشان پس سختی کن بر وی و کسیکه سردار شد از کار امت من
چیزی را پس مهربانی کرد بر ایشان پس مهربانی کن بر وی باب در پرده شدن از
رعیت روایت است از ابو مریم ازدی آنکه وی گفت معاویه را شنیدم از
رسول خدا صلی الله علیه وسلم که میفرمود کسیکه سرداری داد او را خدا در چیزی از کارهای
مسلمانان پس پرده کرد از حاجت ایشان و ضرورت ایشان و احتیاج ایشان مگر
پرده کند خدا از حاجت و ضرورت و احتیاج او در روز قیامت پس مقرر کرد معاویه
مردی را بر کارهای مردمان روایت کرده است این را ابو داود و ترمذی و مسلم
ابو داود است از عمرو بن مره جهنی صحیح گفته است این را حاکم باب در دوستی
کردن در سرداری روایت کرده است احمد و حاکم و صحیح گفته است او را از یزید بن ابی

سفیان آنکه ابوبکر گفت او را ای یزید هرآینه ترا قرابت ست شاید که تو اختیار کنی ایشان

را بسرداری و این بسیار ترست که میترسم بر تو پس از آنکه فرمود رسول خدا صلی الله

علیه وسلم کسیکه والی شد از کارهای مسلمانان چیزی را پس سردار ساخت کسی را از روی دوستی

پس بر وی است لعنت خدا قبول نمیکند خدا از وی فرض و نه نفل تا آنکه داخل کند او را در

جهنم رواه حاکم راست و تصحیح آن کرده است از ابن عباس مرفوعا کسیکه عامل گردانید

کسی را بر گروهی و در ایشان کسی باشد دوست تر بخدا از وی پس بتحقیق خیانت کرد

خدا و رسول او را و مومنان را باب در ستم و ظلم و خوف سرداری روایت کرده

حاکم و صحیح گفته است او را که نیست هیچکس که باشد بر چیزی از کارهای این امت پس انصاف

نکند مگر سرنگون کند او را خدا تعالی در دوزخ و روایتیست از معاذ مرفوعا بترس از بد

دعای مظلوم پس هرآینه آن نیست در میان وی و در میان خدا پرده رواه مسلم راست

از عدی بن عمیره مرفوعا کسیکه عامل گردانیدیم ما او را بر کاری پس پوشانید از ما سوزنی

پس آنچه بالای آنست خیانت بیاورد آنرا در روز قیامت وای ست سرداران

را وای ست کلانهائی دیه را وای ست امینان را البته آرزو کنند قومهای در روز

قیامت آنکه گیسوهای ایشان می بود آویزان شده به پروین می آویختند در میان آسمان

و زمین و نمی بودند که حاکم میشدند بر چیزی باب در سرداری کسیکه خوب عدل

تواند روایت ست از ابوذر مرفوعا ای ابوذر هرآینه من می بینم ترا ناتوان و

هرآینه من دوست میدارم ترا آنچه دوست میدارم جان خود را امیر مشو بر دو کس و

والی مال یتیم مشو روایت کرده است این را مسلم رواه ابوداود راست از بریده مرفوعا

که قاضیان سه اند یک در بهشت ست و دو در دوزخ پس آنچه در بهشت ست

پس مردیست که شناخت حق را پس حکم کرد بآن و مردیست که شناخت حق را و

نکرد در حکم پس او در دوزخ ست و مردی ست که حکم کرد مردمان را بجهل پس وی

در ووزخ ست و مسلم روایت کرد از ابو هریره کسیکه فتوی داده شد او فتوی بغیر علم
آن بر کسیکه فتوی داده ست او را باب در امانت در فروختن و خریدن و پیمانه و
ترازو و قول خدا تعالی پس ادا کند کسیکه امین شمرده شده ست امانت وی را و روایت
ست از حذیفه گفت او سخن فرمود ما را رسول خدا صلی الله علیه وسلم دو سخن یکی را
از آن دو دیدم و من منتظر دیگرم سخن فرمود ما را آنکه امانت فرود آمد در میان قلبهای
مردمان باز فرود آمد قرآن پس عالم شدند از قرآن و عالم شدند از سنت باز سخن
فرمود ما را از برداشتن امانت پس فرمود خواب کند آدمی یکبار خواب کردن
پس برداشته شود امانت از دل او پس بگردد آن مانند اثر ولت باز خواب کند
یکبار خواب کردن پس بگردد اثر آن مانند آبله مانند اخگری که غلطاندی آنرا بر پای
خود پس پُندد پس بینی آنرا بالا آمده و نباشد در آن چیزی باز گرفت سنگریزه
را پس غلطانید آنرا بر پای خود پس صبح کنند مردمان که خرید و فروخت کنند پس
نزدیک نباشد یکی از ایشان که ادا کند امانت را تا آنکه گفته شود هر آینه در بنی فلان
مردی ست امین تا آنکه گفته شود مرد را که چه قوی ست و چه هوشیار ست و نباشد
در دل او مانند یک دانه از ایمان و البته آمده ست بر من زمانه و باک نمیداشتم
با هر یکے از شما که خرید و فروخت کنم پس اگر مسلمان میبود میگفتم البته رد خواهد کرد
آن امانت را بر من دین وی و اگر می بود یهودی یا نصرانی میگفتیم البته رد خواهد
کرد آنرا بر من عامل وی و اما امروز نیستم من که معامله کنم با شما مگر با فلان و فلان
جدا اصل را گوید و کنتا اثر اندک را گوید و مجل آماس از کب و مسلم روایت کرد در
حدیث شفاعت و فرستاده شود امانت و رحم پس استاده شوند هر دو طرف صراط
راست و چپ باب در قول رسول الله صلی الله علیه وسلم همه شما شبان ست و همه شما سوال
کرده شوند از رعیت خود و قول خدا تعالی ای مومنان نگاه کنید جانهای خود را

...نگهبان خود را از آتش تا آخر آیه روایت است از ابن عمر که گفت او فرمود رسولخدا
صلی الله علیه وسلم همه شما شبانند و همه شما سوال کرده شوند از رعیت خود پس پادشاه
آنکه بر مردمان است شبان است و وی سوال کرده شود از رعیت خود و مرد بر کسان
خانه خود شبان است و او سوال کرده شود از رعیت خود و زن شبان است بر خانه
شوهر خود و اولاد او و سوال کرده شود از ایشان و پسر شبان است بر مال پدر خود و او سوال
کرده شود از رعیت خود و غلام مرد شبان است بر مال آقای خود و او سوال کرده
شود از آن پس همه شما شبان است و همه شما سوال کرده شوند از رعیت خود
متفق علیه است **باب** در نرمی کردن با غلام **روایت** است از ابن مسعود آنکه وی
زد بنده خود را پس فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم هر آئینه خدا توانا تر است بر تو از
توانای تو بر این غلام پس گفتم وی آزاد است برای رضای خدا پس فرمود خبردار
اگر نمیکردی البته میسوخت ترا آتش یا میرسید ترا آتش **باب** در چهارپایان
روایت است از ابن عباس آنکه رسولخدا صلی الله علیه وسلم گذشت بر خری که
داغ نهاده شده بود در روی او پس فرمود لعنت کند خدا کسی را که داغ نهاده
است بروی و در روایتی است منع کرد رسول الله از زدن در روی روایت
است این را مسلم و در صحیحین است از ابوهریره مرفوعا داخل شد زنی در آتش
گربه که بند کرده بود آنرا پس نه طعام میداد او را و نه میگذاشت او را که بخورد از
حشرات زمین تا آنکه مرد و در مسلم است از ابن عمر مرفوعا بس است آدمی را گناه آنکه
بند کند از مال خود قوت وی و در ابو داود است آنکه ضائع کند چیزیرا که قوتش
وی است و در صحیحین است از حسن آنکه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود صاحب
آن شتر را که علف نمیداد او را خبردار هر آئینه وی البته مخاصمه کند با تو در روز قیامت
باب در گریختن غلام **روایت** است از جریر مرفوعا هر بنده که گریخت

ابن عمر قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم کلکم راع وکلکم مسئول عن رعیته ... علی الناس راع وهو مسئول عن رعیته والرجل راع علی اهل بیته وهو مسئول عن رعیته والمرأة راعیة علی بیت زوجها وولده وهی مسئولة عنهم والعبد راع علی مال سیده وهو مسئول عنه الا فکلکم راع وکلکم مسئول عن رعیته متفق علیه

باب عن ابن مسعود ... ضرب عبده ... فقال النبی صلی الله علیه وسلم ... لو لم تفعل للفحتک النار او لمستک النار

۸۱

باب عن ابن عباس ان رسول الله صلی الله علیه وسلم مر علیه حمار قد وسم فی وجهه فقال لعن الله الذی وسمه ... نهی عن الضرب فی الوجه ... عن ابی هریرة مرفوعا دخلت امرأة النار فی هرة ربطتها فلا هی اطعمتها ولا هی ارسلتها تأکل من خشاش الارض ...

باب ... العبد عن جریر مرفوعا ایما عبد ابق ...

پس تحقیق بری شد از وی ذمه خدا روایت کرده است این را مسلم **باب** در ستم بر مزدور فرموده است خدای تعالی سه شخص است که من جنگ کننده هستم با ایشان در روز قیامت مردی است که داد عهد بنام من باز غدر کرد و مردی است که فروخت آزادرا پس خورد قیمت آزا و مردی است که مزدور گرفت مزدوری را پس تمام میخواهد از و عمل و نمیدهد او را مزدوری او روایت کرده است این را بخاری **باب** در سوال کردن زن طلاق را روایت کرده است ترمذی و حسن گفته است او را و ابن حبان در صحیح خود از ثوبان مرفوعا هر زنیکه سوال کرد از شوهر خود طلاق را از غیر ضرورت پس حرام است بر وی بوی جنت **باب** در بیان آنچه آمده است در دیوث **روایت است** از ابن عمر مرفوعا سه شخص اند که داخل نشوند به بهشت آزار دهنده مادر و پدر و دیوث و زنان مشابهت کنندگان با مردان روایت کرده است این را طبرانی و دیوث کسی است که باک ندارد با آنکس که داخل شود بر زن او و از جمله آن زن است که مشابهت با مردان میکند **باب** در ظلم بر زن روایت کرده است طبرانی از راویان ثقه آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود هر مردی که به نکاح گرفت زنی را بر کم از مهر یا بسیار نباشد در دل او آنکه ادا کند او را حق وی ملاقات کند خدا را او زنا کننده باشد **باب** در اشارت کردن بسلاح برای بازی **روایت است** از ابو هریره که گفت اشارت نکند یکی از شما بسلاح بر برادر خود پس هر آینه وی نمیداند شاید که شیطان بکشد آنرا از دست او پس بیفتد در حفره از آتش و مسلم راست کسیکه اشارت کند به برادر خود باهنی پس هر آینه فرشتگان لعنت میگویند او را تا آنکه باز گردد آنرا و اگرچه باشد برادر او از پدر او و مادر او و مر ترمذی راست نهی کرده است رسول خدا صلی الله علیه وسلم آنکه با هم داده شود شمشیر برهنه و روایت است از ابو بکره آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم گذشت بر یک قومی که با هم میدادند شمشیر برهنه پس فرمود لعنت کند خدا بر کسیکه بکند این را آیا نهی نکرده بودم از این

باجوقتیکه کشیده یکی از شما شمشیر خود را پس بہ بیند آنرا پس اراده کند آنکه بدہد آن را
بہ برادر خود پس در میان بانداز د آنرا بازبدہد آن را باب در ننگ روایت ست
از جندب بن مسعود مرفوعا پس ابا کسیکه مدد میدہد قوم خود را بر ناحق پس وی مانند آن
شترست که بیفتد در چاه پس وی بیرون میشود بجنبانیدن دم خود باب درکسیکه
جای دہد بدعتی را روایت ست از علی رض گفت ا وحدیث فرمود ما را رسول خدا صلی الله علیه
وسلم بچهار سخن لعنت کند خدا بر کسیکه ذبح کند برای غیر خدا لعنت کند خدا بر کسیکه لعنت
گوید بر مادر و پدر خود و لعنت کند خدا بر کسیکه جای دہد بدعتی را لعنت کند خدا بر کسیکه
تغیر داد نشانہای زمین را روایت کرده ست این را مسلم کتاب در ستم ہا و قول خدا
ہر آینه کسانیکه میخورند مالہای یتیمان بستم تا آخر آیه باب در غصب زمین روایت
از سعد بن زید مرفوعا کسیکه گرفت بقدر یک بلشت از زمین بجبر پس ہر آئینه وی طوق
کرده شود آن زمین در روز قیامت از ہفت زمین باب در ستمہا در ادان
روایت ست از ابن عمر مرفوعا سه شخص اند قبول نمیکند خدا از ایشان نماز کسیکه امامت
کند قومی را و ایشان وی را مکروه دانندگان باشند و مروی ست که بیاید بنماز دبار و
دبار آنکه بیاید بنماز پس از فوت وقت آن و مروی ست که غلام گرداند آزاد را روایت
کرده ست این را ابو داود و طبرانی بسند بہتر روایت ست از ابو امامه مرفوعا کسیکه بزند
پوست پشت مسلمان بناحق ملاقات کند با خدا و او بر وی خشمناک باشد باب در ستم
در مالہا و در صحیح ست و تاراج نمیکند تاراج کردن که بالا میکند در آن مردمان چشمہای
خود را وقتیکه تاراج میکند آنرا و حال آنکه او مومن باشد باب در رسوا کردن مظلوم
روایت ست از سہل بن حنیف مرفوعا کسیکه ذلیل کرده شود نزدیک وی مسلمانی پس مدد ندہد
او را و قادر باشد آنکه مدد دہد او را ذلیل کند او را خدا عزوجل بر وبروی مخلوقات در روز
قیامت روایت کرده ست این حدیث را احمد و مر ابو داود در ست از جابر مرفوعا که نیست
ہیچ آدمی که شکست عزت آدمی مسلمان در جاییکه شکسته شود در آن بی عزتی او کم میشود در آن ابرو

مگر رسوا کند او را خدا در جایی که دوست میدارد در آن مدد خود و نیست هیچ آدمی که

دهد آدمی مسلمان را در جایی که کم میشود در آن آبروی وی و شکسته میشود در وی عزت وی مگر عزت دهد او را

خدا در جایی که دوست میدارد در آن مدد خود را باب در برادری اسلام و حقهای مسلمان بر

مسلمان و قول خدای تعالی انما المؤمنون اخوة مومنان برادرانند پس صلح کنید در میان دو برادر آن تا آخر

آیه و قول خدای تعالی اذلة علی المؤمنین تواضع کنندگان بر مومنان زبردست بر کافران و در صحیح است

اگر میبودم که میگرفتم از اهل زمین هیچ دوستی را البته میگرفتم ابوبکر را دوست لیکن برادری اسلام

بهتر است و روایت است از ابو موسی مرفوعا که مومن مر مومن را مانند عمارت است محکم میکند

بعض وی بعضی را روایت کرده است این را صحیحین و در صحیحین است از نعمان بن بشیر مرفوعا

که مومنان در دوستی ایشان با هم و مهربانی ایشان با هم و شفقت ایشان با هم مانند بدن یکی اند که

درد مند شود از وی عضوی سرایت کند به او تمام بدن به بیداری و تب و روایت است از ابو هریره مرفوعا

که حسد نکنید با هم و بغض نکنید و پشت ندهید با هم و دشمنی نکنید با هم و بیع نکنید بعض شما بر

بیع بعضی و باشید بندگان خدا برادران مسلمان برادر مسلمان است ستم نکند او را و تحقیر نکند او را و

خوار نکند او را پرهیزگاری اینجاست و اشارت میکرد به سینه خود سه بار بس است از

بدی که حقیر داند برادر مسلمان خود را هر چیز مسلمان بر مسلمان حرام است خون وی و مال وی و

آبروی وی روایت کرد این حدیث را مسلم و در صحیحین است از ابن عمر مرفوعا که مسلمان

برادر مسلمان است ستم نکند بر وی و سپرد نکند وی را و کسیکه باشد در کار برادر خود باشد خدا در

کار او و کسیکه بردارد از مسلمانی غمی را از غمهای دنیا بردارد خدا از وی غمی از غمهای آخرت و کسیکه

عیب پوشی مسلمانی کند بپوشد عیب وی را خدا در روز قیامت و در صحیح مسلم است از انس

مرفوعا که مومن نمیشود یکی از شما تا آنکه دوست دارد برای برادر خود آنچه دوست میدارد برای نفس خود را

و در صحیحین است از انس مرفوعا که گفت مدد کن برادر خود را ظالم باشد یا مظلوم گفتم ای رسول خدا مدد

میدهم او را در حالیکه مظلوم باشد پس چگونه مدد دهم او را در حالیکه ظالم باشد فرمود باز دار او را از ستم پس این مدد

احمد ... عبدالوهاب بن سلطان بن شیخ محمد بن احمد ...

... مشرف ... جنیبیات ...